رقعی



باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۷۲۸۱

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳ ح ۵۷۷ ت ۱۳۲۴ مرجع ☐

سرشناسه: حسینی، محمدطاهر بن محمد.

عنوان قراردادی:

عنوان: تقویم الصلوة

شرح پدیدآور:

کاتب: جواد شریفی تاریخ کتابت:

محل نشر: تهران ناشر: محمدعلی علمی تاریخ نشر: ۱۳۲۴ق

صفحه شمار: ۱۱۸ص مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۲۲×۱۴ نوع خط: نستعلیق

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☑ ارسالی☐

واقف: خریداری تاریخ ثبت: مهر ۱۳۲۹

یادداشتها: دارای جداول است. مشتمل بر صلوة و فروعات آن است.

موضوع(ها): ۱. نماز.

شناسه(های) افزوده: الف. شریفی، جواد، کاتب. ب. عنوان

فهرستنگار: شیبانی تاریخ فهرستگاری: ۸۸

تقویم الصّلوة

مُشتمل بر صلوة و فروعات آن

که عالم جلیل محمّد طاهر بن رضی الدّین

محمّد الحُسینی بدین طرز بدیع بنام پادشاه

وقت شاه سُلطان حسین صفوی انار الله

بُرهانه نگاشته، محض خدمت بهم کیشان

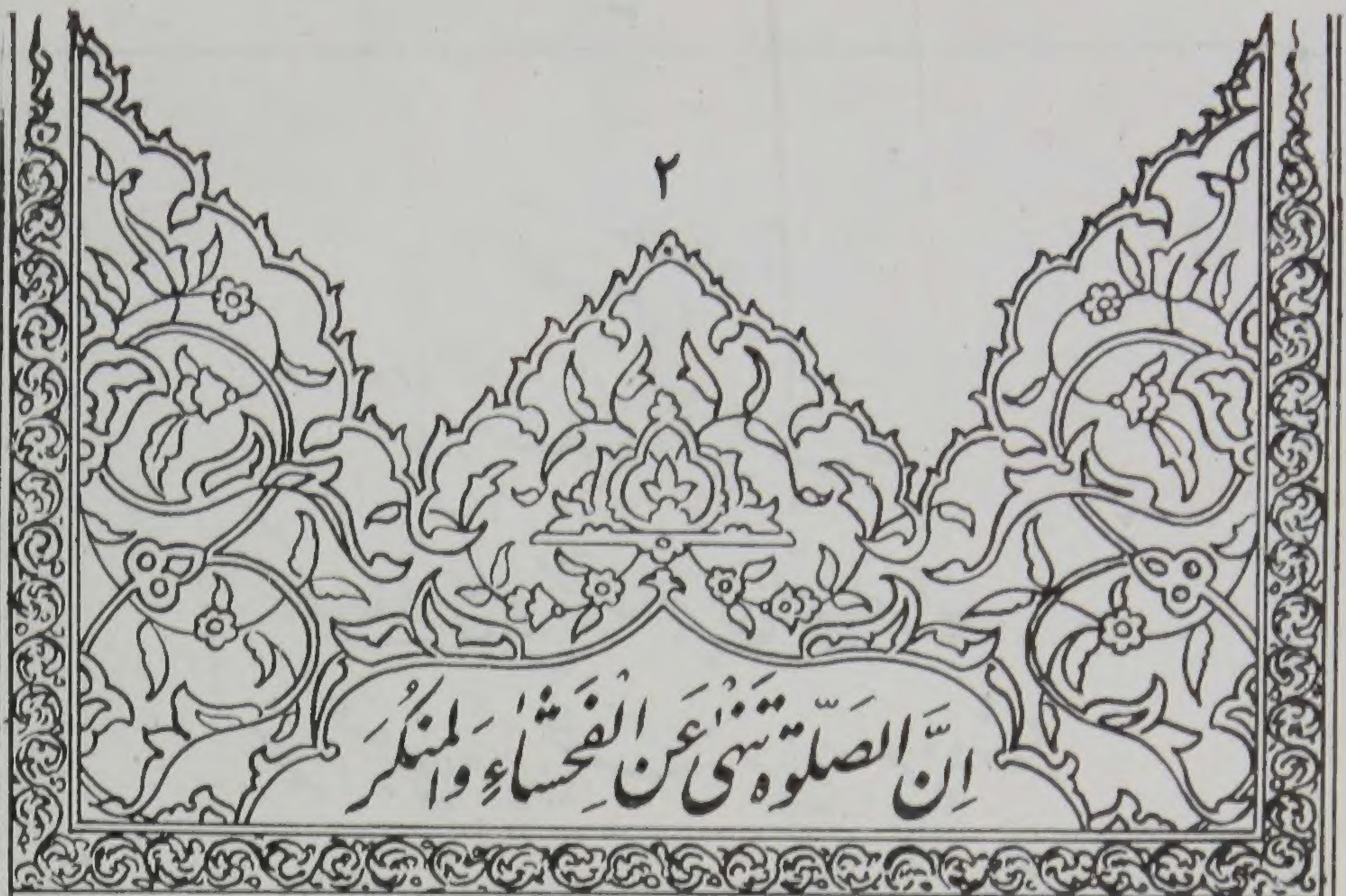
بحلیه طبع آراسته آمد

امُید که مستفیدان بانی و کاتب را

بدُعای خیر یاد فرمایند

ناشر
محمّد علی علمی

آذر ۱۳۲۴



کتاب تقویم الصلوٰة

بسم الله الرّحمن الرّحیم

بعد از حمد مالک الملکی تعالی شأنه ؛ وعظم برهانه ؛ که بهبوب نسیم صبای مرحمت بینهایت
خاشاک شک و شبهه را از فضای خاطرها رفته ؛ و از تقاطر سحاب عنایت بیغایت زنگ معصیت
هزار ساله را از عرصهٔ دلها بآب مطلق قبول توبه و انابت شسته ؛ قدیمی که نفوس مقدسه و عقول
قادسه باآنکه بارشاد طریق ظلمانی معبر عین الحیوة حقیقت سرافرازی یافته اند ؛ در بیدای ادراک
کنه کمالش ترانه سنج زمزمهٔ سبحانک لا علم لنا گردیده ؛ و در زاویهٔ هیمان و حیرت خزیده اند ؛
حکیمی که تظاهر آثار قدرتش را سبب استبصار کوته بصران کنیسه امکان و تواتر اخبار رحمت
عالمیان شمولش را مصباح محفل ضمیر بالغ نظران بیت الحرام عرفان ساخته ؛ علیمی که رقبه بدر منیر نطوق
عبودیتش آراسته ؛ و جبههٔ آفتاب عدیم النظیر بسجدات شبانروزی آستان درگاه جلالش

منور و پیراسته گشته ؛ خلق کونین لمعه ایست از لمعات اشعه لوای قدرت او ؛ و ایجاد خافقین
ترجمهٔ بندهٔ ایست از کتاب مبسوط حکمت بینهایت او ؛ الّذی کلّ دون صفاته تحبیر اللغات ؛
وضلّ هناک تصاریف الصّفات ؛ وحار فی ملکوته عمیقات مذاهب التّفکیر ؛ وانقطع دون
الرّسوخ فی علمه جواهر التّفسیر ؛ خدائی که هستی مر او را سزاست ؛ بجز هستی او فنا بر فناست ؛
طرازندهٔ پیکر آفتاب ؛ نگارندهٔ نقش مردم بر آب ؛ تعالت نعماؤه وجلت آلاؤه و صلوات
ظُهر صدر آرای محفل کاینات و واسطهٔ آفرینش موجودات ؛ شمع فروزان بزم جلالت ؛ آفتاب
درخشان آسمان رسالت ؛ که تا مهر و ماه فروغ از رخش نبذ و ختند چراغ نور نیفروختند ؛ و تا نظر
بجمال جهان آرای او روشن نساختند بنور پاشی قد نیفراختند ؛ هلال عید از نعل براق آسمان تماشیش
اثری ؛ و پرتو خورشید از شعلات طور جلالش شرری ؛ الّذی قد تشرّف تشریف قاب
قوسین او ادنی ؛ والمزیّن بزینة فاوحی الی عبده ما اوحی ؛ کجا بساحت قدرش مجال تمثیل است
شهی که پایه تختش مقام جبرئیلیست ؛ و آل اطهار او سیما پرده گشای اسرار لاهوت ؛ حلّال مشکلات
ناسوت ؛ والی خطه لَوِ اجتمع النّاس علیٰ حبّ علیّ بن ابی طالب لما خلق الله النّار ؛ والمنصوص
بنص اِنَّما ولیّکم الله مِنَ اللهِ الملکِ الجبّار ؛ وصیّ احمد مرسل که بی محبّت او ؛ بروز حشر نگردد ابدا مغفور
علیه من الصّلوات اتمّها ومن التّسلیمات ازکیها ؛ بر ضمیر منیر خورشید نظیر ارباب الباب ؛
واصحاب معرفت و آداب ؛ مخفی نماند ؛ که چون اکثر کتب فقهیه که رقم زدهٔ تألیف علما اعلام
و نگاشتهٔ خامهٔ فضلای بلاغت فرجام گشته ؛ بلغت تازی سمت ترتیب یافته ؛ بخاطر فاطر
این عاری از طریق رسوم ظاهر ؛ ابن رضی الدّین محمّد الحسینی محمّد طاهر ؛ رسید که مسایل ضروریه
نماز را بترتیبی جدید در سلک تحریر درآورد ؛ و چون در اکثر مسایل اختلاف میانهٔ علماء دین رضوان

الله علیهم اجمعین واقع بود ؛ مبنی را برای شهید اول و ثانی قدس الله روحهما گذاشته مشهوری علما را قدوه ساخته ؛ ذریعهٔ تلثیم آستان فلک سان گرامی گوهر خزانه صنع یزدان ؛ قرة العین دودمان صفوت و امتنان ؛ محفل آرای اورنگ شاهی و شهریاری ؛ و چهره گشای رخسارهٔ معدلت و بختیاری ؛ فروغ رخسارهٔ نبوت و امامت ؛ ثمرهٔ شجرهٔ وصایت و ولایت ؛ پیرایهٔ جمال پادشاهی ؛ و مصدوقهٔ مفاد ظل آلهی ؛ که بطنطنهٔ جلالش کاخ مناهی بمثابه طاق کسری از ظهور آثار دین محمدی شکست خورده ؛ و سومنات معاصی در تک آتشکدهٔ فارس غریق بحر فنا شده ؛ سرافراز سلطان حسین آنکه قدرش ؛ بچرخ برین میزند طعن پستی ؛ سلیمان مکانی که از بیم قهرش ؛ گریزان شد از طینت باده هستی ؛ خلد الله ملکه وسلطانه ؛ و افاض علی العالمین بره و احسانه ؛ امید که دانشوران اگر بر خطائی اطلاع یابند بذیل اصلاح بپوشانند ؛ والله المعین و منه نستعین ؛

و این کتاب مشتملست بر مقدمه و سه باب و خاتمه اما مقدمه در بیان وجوب و فضیلت نماز و بیان نجاسات و مطهرات و احکام آنها باب اول در بیان مقدمات نماز و آن شش چیز است چنانکه بعد از این مذکور میشود باب دوم در بیان مقارنات نماز و آن هشت چیز است باب سوم در بیان خللی که در نماز واقع شود و آن مشتمل بر هفت فصل است. فصل اول در بیان خللی که عمداً و سهواً نماز را باطل کند. فصل دوم در بیان خللی که عمداً نماز را باطل کند نه سهواً. فصل سوم در بیان خللی که نماز را باطل نکند و تلافی و سجده سهو لازم نگردد فصل چهارم در بیان خللی که تلافی لازم شود بدون سجده سهو. فصل پنجم در بیان خللی که هم تلافی لازم گردد و هم سجدهٔ سهو. فصل ششم در بیان خللی که سجدهٔ سهو لازم شود بدون تلافی

فصل هفتم در بیان خللی که موجب نماز احتیاط گردد با سجدهٔ سهو یا بی سجدهٔ سهو ؛ خاتمه در بیان واجبات نمازهای دیگر غیر نماز یومیه اما مقدمه نماز یومیه واجبست بنص و اجماع و کسی قایل بر خلاف آن نشده و کسی که ترک نماز را حلال داند کافر است و در گذاردن نماز ثواب عظیمست و در حدیث بطریق اهل بیت علیهم السلام واقع شده که نماز فریضه بهتر است از بیست حج و هر حجی بهتر است از خانهٔ که پر از طلا باشد و آنرا در راه خدا تصدق کنند تا همهٔ آن برطرف شود و حدیث دیگر از اهل بیت ع وارد است که نزدیک نمیشود بندهٔ بخداوند عالمیان بهیچ چیز بعد از شناختن خدا که افضل از نماز باشد و واجبست نماز بر هر بالغی و عاقلی مگر زن حایض و صاحب نفاس که تا بر آن حالت اند نماز از ایشان ساقط است و شرط است در صحت نماز اسلام نه در واجب بودن آن یعنی نماز بر کافر نیز واجبست اما اگر آنرا بگذارد صحیح نیست و واجبست پیش از فعل نماز معرفت خدا و آنچه صحیح است بر آن و آنچه ممتنع است از او و باید معتقد بود بعدل او و حکمت او و باید معتقد بود بنبوت پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامت دوازده امام علیهم السلام و اقرار بجمیع آنچه پیغمبر ص آورده و باید که کل آنها را بدلیل بدانند نه بتقلید پس مکلف بنماز در زمان غیبت معصوم ع از رعیت دو صنف اند یا مجتهد است و لازم است بر او استدلال بر هر فعلی از افعال نماز و یا مقلد است و مقلد را کافیست فرا گرفتن از مجتهد هرچند بواسطه یا وسایط باشد اما باید که آن واسطه و وسایط همه عادل باشند پس اگر کسی اعتقاد نداشته باشد بآنچه مذکور شد و مسائل نماز را فرا نگرفته باشد از مجتهد هرچند بوسایط باشد نماز او صحیح نخواهد بود و چون صحت نماز موقوف بطهارتست لهذا بیان نجاسات و مطهرات و احکام آنها را بر سایر مسایل مقدم داشته در مقدمهٔ کتاب ذکر نمودم و نجاسات ده چیز اند موافق مشهور و بعضی یازده چیز گفته اند ؛

وسبب اختلاف آنست که بعضی شیرهٔ انگور که بجوش آید و دو حصهٔ آن نرفته باشد داخل نجاسات شمرده اند و بعضی نشمرده اند امّا رفتن دو حصه آنرا از جملهٔ مطهّرات میدانند فقیر موافق مشهور ده نجاست را بیان نمودم و در آخر شیرهٔ انگور را نیز احتیاطاً مذکور ساختم و درین جدول بیان نجاسات شده بعون الله تعالی :

اوّل بول	دوّم غایط	سوّم خون
از هر حیوانی که گوشت او حرام باشد و رگ جهنده داشته باشد یعنی اگر رگ او بریده شود خون بجهد	از هر حیوانی که گوشت او حرام باشد و رگ جهنده داشته باشد و اگر گوشت او حلال باشد بول و غایط او پاکست	از هر حیوانی که رگ جهنده داشته باشد و گفته اند خونی که در عروق گوسفند بعد از رفتن خون ذبح باقی ماند پاکست
چهارم منی	پنجم میته یعنی مرده	ششم سگ
از هر حیوانی که رگ جهنده داشته باشد خواه گوشت او حلال و خواه حرام باشد که منی او نجس است	از هر حیوانی که رگ جهنده داشته باشد خواه گوشت او حلال و خواه حرام باشد مگر مردهٔ مسلمان که او را غسل داده باشند که او پاک است	و گفته اند سگی که در خشکی میباشد نجس است امّا سگی که در آب میباشد پاکست
هفتم خوک	هشتم کافر	نهم هر مست کننده که در اصل روان باشد
و او نیز نجس است امّا خوکی که در خشکی می باشد و خوک آبی را علما گفته اند که پاک است	نجس است خواه ذمی خواه حربی خواه اهل کتاب موافق مشهور و بعضی از علما یهود و نصارا را پاک میدانند امّا اکثر آنها را نیز نجس میدانند .	نجس است مثل شراب و غیره و اگر مست کننده باشد که در اصل خشک باشد پاکست هرچند که او را آب داخل کنند و روان شود

دهم بوزه که در حکم مست کننده است	یازدهم شیرهٔ انگور بعد از جوشیدن و پیش از رفتن دو حصهٔ آن
و بوزه را بیشتر از آب جو میسازند و گویا از چیزهای دیگر هم میسازند	و بعضی از فقها این را از جملهٔ نجاسات شمرده اند امّا رفتن دو حصهٔ آنرا از جملهٔ مطهّرات میدانند .

جدول در بیان مطهّرات و بعضی آنها را ده چیز و بعضی دوازده چیز شمرده اند و فقیر دوازده چیز را بیان میکنم چون اکثر علما این دوازده چیز را مطهّر میدانند .

اوّل آب	دوّم زمین	سوّم آفتاب
و آن پاک کنندهٔ اکثر نجاستها باشد که قبول پاک شدن داشته باشند و بعضی از نجاستها بشستن پاک نگردد مثل سگ و خوک و کافر	و آن پاک کنندهٔ کفش و کف پا و ته موزه است هرگاه بروی زمین راه روند و ازالهٔ عین نجاست شود یعنی عین نجاست برطرف شود	و آن حصیر و بوریا و زمین و درخت و هر چیز را که نقل و تحویل نتوانند داد پاک کند امّا باید که تابیدن آنرا خشک کند و عین نجاست باقی نماند .
چهارم آتش	پنجم استحاله یعنی از حالی بحالی شدن	ششم نقص یعنی کم شدن
و آتش هر چیز را که بسوزاند و خاکستر نماید پاک کند و اگر از گل نجس خشت سازند و آنرا بپزند که آجر شود در پاکی آن خلاف کرده اند و شیخ طوسی آنرا پاک میدانند	مثل آنکه مرده که خاک شود پاک شود و منی گوسفند و غیره نجس است امّا چون از آن حیوانی پاک حاصل شود پاک گردد	مثل آنکه شیره انگور چون از جوشیدن دو حصهٔ آن برود و یک حصه بماند پاک شود و از چاه چون آب مقدر را بکشند پاک شود
هفتم انتقال یعنی نقل کردن از جائی بجائی	هشتم انقلاب یعنی برگشتن چیزی بچیزی	نهم برطرف شدن عین نجاست

مثل خون آدمی نجس است اما چون شکم پشه یا کیک یا شپش رود پاک گردد و این را انتقال گویند	مثل شراب که نجس است و چون سرکه شود پاک گردد پس شراب بسرکه برگشته و این را انقلاب گویند	یعنی اگر حیوانی نجس شود و عین نجاست از و زایل شود پاک گردد خواه آن حیوانی از نظر غایب شود یا نشود اما آدمی این حکم ندارد
دهم مسح بجسم پاک	یازدهم اسلام	دوازدهم تبعیت
و آن در صورتیست که اطراف مخرج غایط آلوده نباشد پس آن مالیدن به سه سنگ یا سه کلوخ یا سه لته یا سه پنبه یا سه چوب پاک گردد و شستن آن در کار نیست	و از جملهٔ مطهرات اسلامست و اسلام پاک کننده بدن مسلمانست از نجاست کفر و در پاکی جامهٔ آن خلاف کرده اند و اکثر بر آنند که پاک نگردد	و تبعیت نیز از جملهٔ مطهر است مثل آنکه مسلمانی طفل کافری را اسیر کند پس آن طفل بتبعیت آن مسلمان پاک گردد

و چون ازاله اکثر نجاستها باب میشود لهذا فقیر احکام آبها را بتفصیل ذکر نمودم موافق رای شیخ شهید علیه الرحمه از کتاب شرح لمعه و آب سه قسم است : اول آب مطلق دوم آب مضاف سیم اسار و آب مطلق بر چهار قسمست اول جاری دوم آب ایستاده سوم آب چاه چهارم آب باران و آب ایستاده یا زیاده بر کر است یا بقدر کر یا کمتر از کر و کر در وزن هزار و دویست رطل عراقیست موافق مشهور و رای شیخ شهید و قدر هر رطلی صد و سی درهم است موافق مشهور و هر درهمی گفته اند بوزن چهل و هشت جو متوسط است یعنی جوی که نه بسیار بزرگ باشد و نه بسیار کوچک بلکه میانه باشد در بزرگی و کوچکی پس هر رطلی شش هزار و دویست و چهل جو متوسط است و یک کر هفت هزار هزار و یکصد و چهل جو متوسط است . و آبی که سه وجب و نیم در طول و سه وجب و نیم در عرض و سه وجب و نیم در عمق باشد کر است موافق مشهور و بمساحت چهل و دو وجب و هفت ثمن یک وجب است

بموجب مستوی الخلقه و درین جدول تعریف آب مطلق و مضاف و اسار شده و بیان حکم هر یک نیز بعد ازین در جدولها خواهد شد

و آب مطلق آبیست که در عرف و عادت آنرا آب گویند بی آنکه او را قید کنند بچیزی	و آب مضاف آنست که باضافه بچیزی گفته شود مثل گلاب و آب لیمو و غیر آن	و آب اسار آب قلیلیست که حیوانی عضوی از اعضای خود را باو رسانیده باشد

جدول در بیان پاکی و پاک کنندگی این سه آب و بیان نجاست و طهارت هر یک

اما آب مطلق در اصل پاک و پاک کنندهٔ اکثر نجاستها بود که قبول پاک شدن با آب مطلق داشته باشند	و آب مضاف پاک باشد اما پاک کنندهٔ نجاست نباشد و پاک کنندهٔ نجاست حکمی نیز نباشد موافق مشهور	و آب اسار در پاکی و نجاست و کراهت تابع حیوانیست که با او ملاقات کرده است اگر آن حیوان پاکست او نیز پاکست و الا فلا

جدول در بیان طریق نجس شدن هر یک از این سه آب و طریق پاک شدن هر یک

و آب مطلق نجس میشود هرگاه که رنگ یا بو یا مزهٔ آن بنجاست تغییر کند خواه قلیل باشد و خواه کثیر و طریق نجاست و طهارت آن بعد از این مذکور میشود و اگر قلیل باشد برسیدن نجاست نجس گردد هر چند که تغییر نکند	و آب مضاف برسیدن اندک نجاستی نجس میشود خواه بقدر کر یا زیاده بر کر یا کمتر از کر باشد و پاک میشود هرگاه که متصل شود به آب کثیر مطلق و آب مطلق شود	و آب اسار اگر سؤر حیوان نجس باشد نجس است و اگر سؤر حیوان پاک باشد حکم آب قلیل مطلق دارد که برسیدن نجاست نجس گردد و چون با آب کثیر مطلق ملاقات کند پاک گردد

جدول در بیان اقسام آب مطلق و طریق نجس شدن و پاک شدن هریک از آنها					
و آب جاری آبی را گویند که از زمین بجوشد غیر آب چاه	و آب ایستاده یا کر است و زیاده بر آن یا کمتر از کر و بیان حکم هردو شده		و آب باران یا در باریدنست یا ایستاده و بیان حکم هردو شده		و حکم آب چاه غیر حکم آبهای دیگر است
نجس میشود هرگاه که رنگ یا بو یا مزهٔ ان بنجاست تغییر کند خواه روان باشد و خواه ایستاده و برسیدن نجاست نجس نگردد هرچند که کمتر از کر باشد موافق مشهور و پاک میشود آبجاری هرگاه که تغییر او برطرف گردد خواه خود بخود تغییر او برطرف شود و خواه بسبب امر خارج و اگر رنگ یا بو یا مزه آب خود بخود بگردد مادام که آنرا آب مطلق گویند پاک و پاک کننده باشد	اگر کر یا زیاده بر کر باشد تا رنگ یا بو یا مزهٔ آن بنجاست تغییر نکند نجس نگردد و پاک شود هرگاه که تغییر او برطرف شود و ملاقات کند بکر پاک اما باید برطرف شدن تغییر یا پیش از ملاقات کر باشد یا با ملاقات کر	و اگر کمتر از کر باشد برسیدن نجاست نجس شود هرچند که رنگ یا بو یا مزهٔ آن بنجاست تغییر نکرده باشد و پاک میشود هرگاه که ملاقات کند بکر پاک یا متصل باب جاری گردد بحیثیتی که آنرا اتصال گویند	اگر در باریدن باشد حکم آب جاری دارد که تا بو یا مزه یا رنگ آن متغیر بنجاست نشود نجس نگردد و پاک میشود هرگاه که تغییر او برطرف گردد خواه بباریدن باران و خواه بچیز دیگر	و اگر ایستاده باشد اگر آب جمع شدهٔ آن بقدر کر یا زیاده بر کر باشد حکم آب کر دارد و اگر کمتر باشد حکم آب کم از کر دارد و در پاکی نیز حکم آب کر نجس یا آب کمتر از کر نجس دارد و بیان هردو پیش از این شده	و در نجس شدن آب چاه برسیدن نجاست خلاف کرده اند آنچه مشهور است آنست که آب چاه برسیدن نجاست نجس میشود هرچند بقدر کر یا زیاده بر کر باشد و چون قدر معینی که از برای هر نجاستی مقرر فرموده اند کشیده شود پاک گردد و بیان حکم آب چاه بعد از این بتفصیل خواهد شد . . .

جدول در بیان حکم آب چاه و آن چنانست که از برای هر نجاستی معین کرده اند که چه قدر آب باید کشید تا چاه پاک گردد و چون آنمقدار آب بکشند چاه پاک شود و از برای بعضی از نجاستها که معین نشده که چه قدر آب باید کشید تا چاه پاک شود اکثر علما بر آنند که تمام آب چاه را باید کشید پس اگر چاهی باشد که هرچند آب آنرا بکشند تمام نشود باید که چهار مرد تراوح کنند یعنی دو مرد آب بکشند تا مانده شوند دو مرد دیگر بیایند و آب بکشند تا مانده شوند و بعد از آن باز آن دو مرد اول آب بکشند و همچنین آب بکشند یک روز تمام از طلوع آفتاب تا غروب چاه پاک گردد و اگر آب چاه متغیر شود بنجاستی که او را مقدری باشد پس اگر در اثنای کشیدن آب مقدر تغیر او برطرف شود باید که آب مقدر را بکشند و اگر آب مقدر را بکشند و هنوز تغیر باقی باشد آنقدر آب بکشند که تغیر او برطرف گردد و حیواناتی که بعد از این در جدول مذکور میشود که اگر در چاه افتد فلان قدر آب باید کشید در صورتیست که آن حیوان در چاه بمیرد و اگر زنده بیرون آید آنحکم ندارد و بچه هر حیوانی حکم بزرگ آن دارد در کشیدن آب چاه

اگر شتر در چاه افتد و بمیرد	اگر گاو نر در چاه افتد و بمیرد	اگر شراب در چاه بریزد هرچند اندک باشد
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید
اگر مست کننده که در اصل روان باشد بچاه بریزد	اگر بوزه در چاه بریزد	اگر خون حیض یا نفاس در چاه بریزد
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید
اگر خون استحاضه در چاه بریزد	اگر منی در چاه بریزد و این در لمعه نیست اما مشهور است	اگر خر در چاه افتد و بمیرد و بعضی استر را نیز گفته اند
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	بقدر یک کر آب باید کشید

اگر گاو ماده در چاه افتد و بمیرد	اگر اسب در چاه افتد و بمیرد	اگر خون بسیار مثل خون ذبح گوسفند در چاه بریزد
بقدر یک کر آب باید کشید	بقدر یک کر آب باید کشید	پنجاه دلو آب باید کشید
اگر غایط تر در چاه افتد	اگر انسانی در چاه افتد و بمیرد	اگر خرگوش در چاه افتد و بمیرد
پنجاه دلو آب باید کشید	هفتاد دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید
اگر گوسفند در چاه افتد و بمیرد	اگر روباه در چاه افتد و بمیرد	اگر سگ در چاه افتد و بمیرد
چهل دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید
اگر گربه در چاه افتد و بمیرد	اگر خوک در چاه افتد و بمیرد	اگر آب باران ممزوج ببول و عذره و فضلهٔ سگ در چاه بریزد
چهل دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید	سی دلو آب باید کشید
و اگر عذره خشک در چاه افتد و از هم نپاشیده شد	اگر بول مرد در چاه بریزد	و اگر کبوتر و آنچه در جثه از او بزرگتر باشد در چاه افتد و بمیرد
ده دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید	هفت دلو آب باید کشید
و اگر موش در چاه افتد و بمیرد و باد کند	اگر بول پسر که سن او زیاده بر دو سال باشد و بالغ نشده باشد در چاه ریزد	اگر جنبی که بدنش خالی از نجاست عینی باشد در چاه غسل کند
هفت دلو آب باید کشید	هفت دلو آب باید کشید	هفت دلو آب باید کشید
اگر سگ در چاه افتد و زنده بیرون آید	اگر فضلهٔ مرغ نجاست خوار در چاه افتد	و اگر خون کم مثل خون ذبح کبوتر در چاه بریزد
هفت دلو آب باید کشید	پنج دلو آب باید کشید	ده دلو آب باید کشید
و اگر مار در چاه افتد و بمیرد	اگر گنجشک و بچه کبوتر و کوچکتر باشد در چاه افتد و بمیرد	اگر موش در چاه افتد و بمیرد و باد نکرده باشد
سه دلو آب باید کشید	یک دلو آب باید کشید	سه دلو آب باید کشید

و شیخ شهید علیه الرحمه در کتابهای دیگر خود گفته که از برای استر نیز یک کر آب باید کشید	و فقها گفته اند که اگر بول پسر شیرخواره که اکثر غذای او شیر باشد در چاه بریزد یک دلو آب باید کشید

و از جمله نجاستها بعضی بیک شستن پاک گردد و بعضی را دو مرتبه باید شست تا پاک گردد و بعضی را سه بار باید شست و بعضی را یکبار بخاک باید مالید و دو بار بآب باید شست و بعضی را هفت مرتبه باید شست تا پاک گردد و بیان هر یک از آنها در این جدول ها مذکور شده

نجاستی که بیک شستن پاک گردد	نجاستی که دو بار باید شست	نجاستی که سه مرتبه باید شست	نجاستی که یکبار بخاک باید مالید و دو بار باید شست تا پاک شود	نجاستی که هفت بار باید شست
و آن بول پسر شیرخواره است که اگر بدن یا جامه بآن نجس شود و خواهند که او را بآب قلیل طهارت دهند بیک آب ریختن پاک گردد و جامه را احتیاج بفشردن نیست	و آن در صورتیست که جامه بغیر بول پسر شیرخواره نجس شود و خواهند که او را بآب قلیل طهارت دهند یکبار آب باید ریخت و فشرد و بار دیگر که آب بریزند پاک گردد و اگر بدن باشد دو بار آب باید ریخت و این موافق رأی شهید اول است در لمعه و اکثر علما بر آنند که بدن و جامه را از برای نجاست بول دو مرتبه باید شستن و جامه را دو مرتبه باید فشردن بعد از هر آب ریختنی و نوبت غیر بول پسر شیرخواره چنانکه مذکور شد و اگر بنجاستهای دیگر نجس شده باشد بیک نوبت آب ریختن و یک فشردن پاک میگردد بعد از ازاله عین نجاست اگر رنگ آن باقی ماند پاکست .	و آن میت است که سه مرتبه آن را غسل باید داد یکبار بآب سدر و یکبار بآب کافور و یکبار بآب خالص پاک و غسل میت نیز مثل غسل جنابت است که هم غسل ترتیبی و هم ارتماسی توان داد	و آن در صورتیست که سگ ظرفی را بلیسد و خواهند که او را بآب قلیل طهارت دهند اوّلاً او را بخاک باید مالید و دو مرتبه بآب باید شست و بآب کثیر یکبار باید شست بعد از آنکه بخاک مالیده باشند	و آن در صورتیست که خوک ظرفی را بلیسد و خواهند که او را بآب قلیل طهارت دهند و همچنین اگر ظرفی بشراب نجس شود و موش نیز این حکم دارد و بعضی هفت مرتبه شستن را سنت میدانند

واز جمله نجاستها پنج نجاستست که در نماز معفو اند و شستن آنها از برای نماز در کار نیست و در این جدول بیان آنها شده

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
کسی که جراحت یا دملی داشته باشد که خون از آن روان باشد و نه ایستد پس با آن خون نماز میتوان کرد تا وقتی که آن دمل یا جراحت به شود و احتیاج بشستن آن نیست هرچند که آن خون زیاده بر درهم بغلی باشد	خونی که کمتر از درهم بغلی باشد با آن خون نماز میتوان کرد و درهم بغلی را گفته‌اند مقدار بند بالای شصت است و بعضی گفته‌اند مقدار گودی کف دستست و باید که آن خون غیر خون حیض و استحاضه و نفاس باشد و بعضی گفته‌اند که غیر خون سگ و خون کافر و خوک باشد و غیر آن سه خون باشد که مذکور شد	زنی که تربیت طفلی نماید و او را بغیر یک جامه نباشد و آنجامه ببول و غایط آن طفل نجس شود نماز در آن جامه صحیح است اما باید که در هر شبانه روزی یکبار آنجامه را بشوید و گفته‌اند که افضل آنست که نماز ظهر و عصر را در آخر وقت گذارد و جامه را طهارت دهد که چهار نماز را در جامهٔ پاک بجا آورده باشد	جامهٔ که ما لا یتم الصلوة به باشد بتنهائی یعنی عورترا بتنهائی نپوشاند مثل بند زیر جامه و بند چاقشور و عرقچین و غیره اگر نجس باشد نماز با آن میتوان کرد و گفته‌اند هرچند که آن بخون حیض و استحاضه و غیره نجس شده باشد نماز صحیح است	هر نجاستی که ازالهٔ آن متعذر باشد نماز با آن میتوان کرد مثل آنکه کسی را یک جامه باشد و آن نجس شده باشد و آب نباشد که آنرا بشوید و سرمای سختی باشد که برهنه نماز نتواند کرد با آن جامه اگر نماز کند نماز او صحیح باشد

در بیان حکم آب غساله و غساله حکم محل دارد پیش از آنکه او را بشویند یعنی هرگاه که چیز نجسی را بشویند آبی که از شستن اول جدا شود اگر آن آب ببدن یا جامه برسد آنرا دو بار باید شست و اگر آبی باشد که بعد از شستن دوم جدا شود و ببدن یا جامه برسد آنرا یکبار باید شست و این موافق قول شیخ شهید علیه الرحمه است

در بیان حکم آبی که با آن وضو ساخته باشند و آبی که آنرا در وضو استعمال کرده باشند هم پاکست وهم پاک کننده یعنی مرتبهٔ دیگر با آن وضو میتوان کرد و ازاله نجاست نیز با آن توان نمود

در بیان حکم آب استنجا و آب استنجا آبی را گویند که با آن موضع غایط شسته باشند و آب استنجا پاکست هرگاه که متغیر بنجاست نشده باشد و ملاقات بنجاستی از خارج نکرده باشد غیر نجاست مخرج غایط موافق قول محقق

در بیان حکم آبی که با آن غسل کرده باشند و آب قلیلی که آنرا در غسل استعمال کرده باشند پاکست بشرط آنکه پیشتر ازاله نجاست از بدن کرده باشند و آیا بار دیگر با آن آب رفع حدث میتوان کرد در آن خلافست و احوط آنست که بار دیگر با آن رفع حدث نتوان کرد برأی محقق والله اعلم

در بیان حکم آب مشتبه به نجس اگر کسی را دو ظرف آب باشد و یکی از آنها نجس شود و بر آن شخص مشتبه شود و نداند که کدام ظرف نجس و کدام پاکست واجبست که از هیچ کدام وضو نسازد و اگر بغیر از آن دو آب آب دیگر نداشته باشد باید که تیمم کند و وضو بهیچ یک از آنها نسازد

در بیان حکم آب مشتبه بمضاف و اگر دو آب باشد یکی مطلق و یکی مضاف و مشتبه شود گفته‌اند که از هر یک وضوی علیحده باید ساخت از برای آنکه یکی از این دو وضو صحیح خواهد بود تمام شد احکام آبها و بعد از این بیان نمازهای واجب و بیان مقدمات نماز خواهد شد بتوفیق الله تعالی

واما نماز یا واجب است یا سنت و درین جا بیان نمازهای واجب میشود و اقسام نماز واجب هفتست چنانکه درین جدول بیان شده

اوّل	دوّم	سوّم	چهارم
نماز پنج وقتهٔ شبانروزی که نماز صبح و ظهر و عصر و شام و خفتن است	نماز دورکعتی روز جمعه که آن نماز در روز جمعه بجای نماز پیشین است	نماز عیدین که روز عید ماه مبارک رمضان و روز عید قربانست	نماز آیات یعنی گرفتن آفتاب و ماه و زلزله و بادهای سرخ و سیاه و هر امر آسمانی که باعث ترس باشد
پنجم	**ششم**	**هفتم**	**هشتم**
نماز طواف خانهٔ خدا او نیز دو رکعت نماز است و بعد ازین بتفصیل مذکور میشود	نماز میّت و شروط و واجبات آن نیز بعد ازین بتفصیل بیان خواهد شد	نماز نذر مثل آنکه کسی نذر کند که دو رکعت نماز بجا آورد و بر او لازم گردد که آنرا بجا آورد	نماز شبه نذر مثل نمازی که بعهد یا بقسم لازم گردد یا کسی نماز میّتی را اجاره کند یا نمازی که از پدر فوت شود و بر پسر قضای آن لازم باشد

و آنچه تعلق بنماز دارد بر دو قسم است یا واجب است یا سنت و درینجا بیان واجبات میشود باب اوّل در مقدّمات نماز یعنی چیزی چند که پیش از نماز بجا باید آورد تا نماز صحیح باشد و آنها شش چیز اند چنانکه مجملاً درین جدول بیان آنها شده است

اوّل	دوّم	سوّم
طهارتست و طهارت اسم است از برای چیزی که سبب مباح بودن نماز گردد از وضو و غسل و تیمّم	برطرف کردن نجاست از بدن و جامه و طریق ازالهٔ آنها از بدن و جامه بعد ازین مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی	پوشانیدن مردان عورتین را و پوشانیدن زنان جمیع بدن را بغیر رو و کف دستها و پشت پاها و احکام لباس نیز مذکور خواهد شد
چهارم	**پنجم**	**ششم**
رعایت کردن وقت که هر نمازی را در وقت آن بجا آورند و بیان وقت نمازها بعد ازین خواهد شد انشاء الله تعالی	رعایت مکان یعنی مکانی که در آن نماز کنند باید که مکانی باشد که نماز کردن در آن صحیح باشد چنانکه بعد ازین بیان خواهد شد	رعایت قبله کردن یعنی باید که جهت قبله را معلوم کنند اگر معلوم نباشد و در نماز استقبال آن کنند چنانکه بیان خواهد شد

مقدّمه اوّل در بیان طهارت که آن وضو و غسل و تیمّم است و موجبات وضو و غسل چهارده چیز اند یعنی این چهارده چیز باعث وضو ساختن یا غسل کردن میشوند و از آن جمله هشت چیز باعث وضو ساختن گردد و چهار چیز باعث وضو و غسل باشد و دو چیز باعث غسل کردن گردد چنانکه هر یک ازین جدول معلوم میشود :

جدول در بیان چیزهائی که باعث وضوساختن میشود

اوّل	دوّم	سوّم	چهارم
بول که از موضع معتاد بود یا غیر موضع معتاد که موضع معتاد شود چنانکه فقها ذکر کرده اند	غایط که از موضع معتاد بود واو نیز مثل بولست که اگر غیر موضع معتاد موضع معتاد شود همان حکم دارد	باد که از موضع معتاد بود و اگر موضع معتاد در غیر موضع معتاد واقع شده باشد حکم موضع معتاد دارد در هر	خوابی که غلبه کند بر چشم و گوش اگر بینا و شنوا باشد والّا آنقدر خواب که بینا و شنوا را ناقض وضو باشد
پنجم	ششم	هفتم	هشتم
هر چیز که عقل را زایل کند خواه مستی باشد و خواه بیهوشی و خواه دیوانگی	استحاضهٔ قلیله و استحاضهٔ قلیله آنست که خون پنبه را آلوده کند امّا آنرا فرو نگیرد و از و در نگذرد	یقین در حدث و شک در وضو یعنی یقین داند که حدث از و سرزده است و شک داشته باشد در ساختن وضو	یقین در حدث و وضو و شک در آنکه کدام آخر بوده یعنی یقین داند که حدث از وی سرزده و یقین داند که وضو ساخته امّا شک کند در آنکه کدام آخر واقع شده

در بیان چیزهائی که باعث وضوساختن و غسل میشوند

اوّل	دوّم	سوّم	چهارم
حیض و اقل آن سه روز است و اکثر آن ده روز	نفاس و آن خونیست که با ولادت آید یا بعد از آن و پیش از ولادت	استحاضهٔ متوسطه و کثیره و استحاضهٔ متوسطه آنست	رسانیدن عضوی از اعضا را بمیت آدمی هرگاه نجس

اوّل	دوّم	سوّم	چهارم
و خون کمتر از سه روز حیض نباشد و خونی که از ده روز بگذرد آن زیادتی حیض نباشد	نفاس نباشد و اقل آن لحظهٔ بود و اکثر آن ده روز بقول مشهور	که خون پنبه را فرو گیرد و از و در نگذرد و کثیره آنست که از پنبه در گذرد	باشد یعنی بعد از مردن سرد شده باشد و اورا غسل نداده باشند یا غیر شهید که آن پاکست

در بیان چیزهائی که باعث غسل شوند

اوّل	دوّم
جنابت و آن وضو را باطل کند امّا موجب غسل باشد تنها و سبب آن دو چیز است یکی انزال منی خواه در خواب و خواه در بیداری دوّم پنهان شدن حشفه در قبل یا دبر و فقها در دبر خلاف کرده اند	موت یعنی هرگاه کسی بمیرد و مسلمان باشد یا در حکم مسلمان واجبست که او را غسل بدهند مگر شهید که او را غسل نباید داد
در بیان موجبات تیمّم یعنی اموری باعث تیمّم میشود	جدول در بیان چیزی چند که سبب وضو و غسل و تیمّم میشود غیر آن چیزها که پیشتر مذکور شد
و هر چیزی که سبب وضو ساختن یا غسل کردن گردد باعث تیمّم نیز میگردد امّا در صورتی که وضو ساختن یا غسل کردن مقدور نباشد پس آن چهارده چیز که سبب وضو و غسل اند سبب تیمّم میشوند هرگاه وضو ساختن یا غسل کردن مقدور نباشد	و گاه هست که واجب میشود وضو یا غسل یا تیمّم بسبب نذر یا عهد یا قسم یا کسی که عبادت میتی را اجاره کرده باشد یا مردی بمیرد و نماز او قضا شده باشد و بر پسر او بجا آوردن آن واجب گردد پس بسبب هر یک از این امور وضو یا غسل یا تیمّم واجب گردد

در بیان اموری که وضو یا غسل یا تیمم از برای آنها باید کرد و آنها سه چیز اند چنانکه درین جدول بیان شده

اوّل	دوّم	سوّم
نماز که بی طهارت صحیح نیست مگر نماز میّت که آنرا بی طهارت میتوان کرد با وجود جنابت و حیض	طواف خانهٔ کعبه که آنرا بی طهارت نمیتوان کرد مگر طواف سنّت که آنرا بی وضو میتوان کرد	رسانیدن عضوی از اعضا را بخط مصحف که آنرا نیز بی طهارت مس نمیتوان کرد

در بیان اموری که از برای آنها غسل باید کرد و اگر غسل کردن مقدور نباشد تیمم باید کرد و وضو را درین سه صورت دخلی نیست

اوّل	دوّم	سوّم
اگر کسی جنب باشد یا از حیض یا نفاس پاک شده باشد و غسل نکرده باشد و خواهد که داخل مسجد مکّه یا مدینه گردد واجبست که غسل کند تا داخل آن دو مسجد تواند شد و همچنین اگر زن استحاضهٔ متوسطه یا کثیره داشته باشد و در غسل اخلال کرده باشد	هرگاه جنب یا حایض یا زنی که صاحب نفاس باشد یا زنی که استحاضه داشته باشد و غسل نکرده باشد و خواهد در مسجدی مکث نماید هر مسجدی که باشد غیر مسجد مکّه و مدینه باید که غسل کند و اگر غسل کردن مقدور نباشد تیمّم کند تا مکث در مسجد تواند نمود	هرگاه جنب یا حایض یا زنی که صاحب نفاس باشد یا استحاضه داشته باشد و خواهد که سورهٔ عزیمه بخواند یعنی سورهٔ که سجدهٔ واجب دارد یا خواهد که بعضی از آن سورها را بخواند هرچند که یک آیه باشد یا کمتر باید که غسل کند و اگر غسل کردن مقدور نباشد تیمّم کند تا قرائت آن تواند نمود و اگر بسم الله تنها بقصد آن سوره خواهد که بگوید باید که غسل کند

جائی که مخصوص بغسل است و وضو و تیمّم را دخلی نیست

و آن در صورتیست که جنب یا حایض یا صاحب نفاس پاک شده باشد یا زنی که استحاضه متوسطه یا کثیره داشته باشد و خواهد که روزه بگیرد باید که پیش از صبح غسل کند و اگر غسل کردن مقدور نباشد تیمّم کردن بدل از غسل واجب نیست و شیخ شهید علیه الرّحمه میگوید که درین صورت اولی آنست که تیمّم کند هرگاه که غسل کردن مقدور نباشد

جائی که مخصوص تیمّم است و وضو و غسل را دخلی نیست

و آن در صورتیست که جنب یا حایض خواهند که از مسجد مکّه یا مسجد مدینه بیرون آیند باید که تیمّم کنند و بیرون آیند مثل آنکه کسی در یکی از آن دو مسجد بخوابد و محتلم شود یا زنی در یکی از آن دو مسجد حایض شود باید که تیمّم کند و بیرون آید .

مقدّمه اوّل نماز در بیان طهارت که آن اسم از برای وضو و غسل و تیمّم است و واجبات وضو دوازده چیز است

اوّل	دوّم	سوّم
نیّت است و باید که نیّت مقارن شستن ابتدای رو باشد و بر حکم نیّت بودن تا فارغ شدن از وضو .	شستن رو از رستنگاه موی سر تا زنخ در طول و در عرض آنچه شست و انگشت میانی فرو گیرد و واجبست در شستن رو از بالا بزیر آید	شستن دستها و باید که از آرنجها شروع کرده تا سر انگشتان را بشوید و اوّل دست راست را بشوید بعد از آن چپ را و اگر چیزی مانع رسیدن آب باشد ببشره مثل انگشتر تنگ واجبست که آنرا حرکت دهد تا آب بزیر او در رود

چهارم	پنجم	ششم
مسح کشیدن بر موی پیش سر یا بشرهٔ آن ببقیه تری آب وضو و مسح کشیدن سر بقدر یک انگشت هم اگر باشد کافیست و جایز است در مسح سر که از پائین ببالا رود	مسح بشرهٔ پاهاست از سر انگشتان تا بند پاها بقدری که آنرا مسح کشیدن گویند و باید که مسح پا نیز از تری آب وضو باشد و سزاوار آنست که اول پای راست را مسح کند و جایز نیست که از بند پا شروع کرده بزیر آید برای شیخ شهید علیه الرحمه	واجبست ترتیب که اول رو را بشوید و بعد از آن دست راست را و بعد از آن چپ را و بعد از آن مسح سر کند و بعد از آن مسح پاها و در پا نیز چون بعضی ترتیب را شرط میدانند بهتر آنست که اول راست را مسح کند بعد از آن چپ را
هفتم	**هشتم**	**نهم**
موالات و آن پی در پی کردن افعال وضوست بحیثیتی که اعضای سابق خشک نشوند مگر آنکه متعذر باشد مثل آنکه هوا گرم باشد و آب کم و تا عضو را بشوید عضو دیگر خشک شود	واجبست که خود افعال وضو را بجا آورد و اگر کسی دیگر او را وضو دهد وضو باطل گردد مگر آنکه او را عذری باشد مثل آنکه دستهای او شل باشد	باید که آب وضو هم پاک باشد و هم پاک کننده موافق مشهور و گلاب وغیره اگرچه پاک اند اما پاک کننده نیستند و باید که اعضای وضو نیز پاک باشند
دهم	**یازدهم**	**دوازدهم**
باید که آب وضو مباح باشد که اگر وضو بآب غصبی بسازد و داند که آن آب غصبی است وضو باطل گردد	واجبست که آب را بر اعضائی که باید شستن جاری کند که اگر دست را تر کند و بر آن اعضا بمالد وضو باطل گردد اما در مسح دست تر کشیدن کافیست	باید مکانی که در وقت وضو بآن قرار گیرد مباح باشد که اگر وضو بسازد در مکان غصبی و داند که آن مکان غصبیست و تواند که در جای دیگر وضو بسازد وضو باطل گردد

	جدول دوم در بیان غسل و واجبات آن دوازده چیز است
اول	نیتست و باید که نیت مقارن باشد بشستن جزئی از سر اگر غسل ترتیبی باشد و مقارن باشد بشستن تمام بدن اگر غسل ارتماسی باشد یعنی مقارن فرو رفتن بآب نیت کند
دوم	شستن سر و گردنست و آنچه از گوشها ظاهر باشد و رسانیدن آب بزیر موئی که مانع باشد از رسیدن آب ببشره
سوم	شستن جانب راست و ناف را با هر طرفی که خواهد بشوید
چهارم	شستن جانب چپست و عورتین را با هر طرفی که خواهد بشوید و بهتر آنست که با هر دو طرف بشوید
پنجم	واجبست حرکت دادن چیزی که مانع باشد از رسیدن آب ببشره در هر عضوی که باشد مثل انگشتر وغیره
ششم	حدث در اثنای غسل نکند نه حدث اصغر و نه حدث اکبر
هفتم	باید که خود افعال غسل را بجا آورد اگر تواند و اگر نتواند جایز است که کسی دیگر او را غسل دهد
هشتم	ترتیبست چنانکه مذکور شد ولی در پی شستن اعضا در غسل ترتیبی در کار نیست
نهم	باید که آب غسل پاک باشد و مضاف نباشد و باید که اعضای غسل پاک باشند
دهم	باید که آب غسل مباح باشد که اگر غسل کند بآب غصبی و داند که آن آب غصبی است غسل باطل گردد
یازدهم	باید که آب را بر اعضا جاری سازد که اگر دست را تر کند و بر اعضا بمالد غسل باطل گردد
دوازدهم	باید که مکان غسل مباح باشد و اگر در اثنای غسل در عضوی شک کند برگردد و آن عضو و ما بعد آنرا بشوید

	جدول سوم در بیان تیمم و واجبات آن دوازده چیز است
اول	نیت است و باید که مقارن زدن دستها بر زمین نیت کند و بر حکم نیت باشد تا فارغ

شدن از تیمم

دوم	باید که کف هر دو دست را بر زمین زند و اگر تواند و اگر نتواند آنچه مقدور باشد از دستها بر زمین زند
سوم	مسح پیشانی نماید از رستنگاه موی سر تا طرف بالای بینی و اگر تا طرف پائین بینی را مسح کند اولاست
چهارم	مسح پشت دست راست نماید بکف دست چپ از بند دست تا سر انگشتان
پنجم	مسح پشت دست چپ نماید بکف دست راست از بند دست تا سر انگشتان
ششم	هر چیز که مانع باشد بیرون کند مثل انگشتر و زهگیر و غیره
هفتم	موالاتست یعنی باید که افعال تیمم را پی در پی بجا آورد و در میان آنها فاصله نکند
هشتم	ترتیبست که اوّل دستها را بر زمین زند و بعد از آن مسح پیشانی کند و بعد از آن مسح دست راست و بعد از آن دست چپ
نهم	خاکی که بر آن تیمم میکند باید که پاک باشد و اعضای تیمم نیز پاک باشند و جایز است تیمم کردن بسنگ برای شهید اول
دهم	باید که خاکی که بر آن تیمم میکند مباح باشد که اگر دانسته بخاک غصبی تیمم کند تیمم باطل گردد
یازدهم	مکانی که در وقت تیمم بآن قرار میگیرد باید که مباح باشد چنانکه در وضو گذشت
دوازدهم	مسح جبه بکف هر دو دست باهم نماید و مسح هر دستی بکف آن دیگری و باید که تمام موضع مسح را فرو گیرد

اگر کسی شک کند در عضوی در اثنای تیمم برگردد بآن عضو که شک کرده و آنچه بعد از آن باشد و شک

در وضو نیز همین حکم دارد و تیمم باطل گردد هر گاه قدرت بوضو ساختن یا غسل کردن بهم رسد و اگر تیمم بدل از وضو باشد یکبار دست بر زمین باید زد و اگر بدل از غسل جنابت باشد دو مرتبه اوّل دست بر زمین زنند و مسح پیشانی نمایند و بار دیگر دست بزنند و مسح پشت دستها کنند و اگر تیمم بدل از غسلهای دیگر باشد دو مرتبه تیمم باید کرد یکمرتبه بدل از غسل و یکمرتبه بدل از وضو و اگر میّت را تیمم دهند سه مرتبه تیمم باید داد و سزاوار آنست که تیمم را در آخر وقت بجا آورند و بعضی این را واجب میدانند

مُقدّمهٔ دوّم نماز برطرف کردن نجاست از بدن و جامه است و واجبات آن سه چیز است و بیان احکام بیت الخلا است و واجبات ان دو چیز است چنانکه در این جدول بیان هر دو شده

اوّل	دوّم	سوّم	چهارم	پنجم
واجبست ازاله نجاسات عشر از بدن و جامه از برای نماز بآب پاک و پاک کنند چنانکه در مقدّمه کتاب مذکور شد	واجبست فشردن جامه هرگاه که آنرا درغیر آب کثیر بشویند درصورتی که به بول صبی نجس نشده باشد چنانکه مذکور شد	واجبست عدد شستنها یعنی بعضی را یکبار شستن کافیست و بعضی را دو بار باید شست و بعضی را سه مرتبه چنانکه پیشتر مذکور شد	واجبست بر کسی که به بیت الخلا رود عورت را بپوشاند و گفته اند که عورت را از نامحرم باید پوشانید و پوشانیدن از طفل بی تمیز لازم نیست	واجبست انحراف از قبله نماید بعورتین یعنی رو بقبله و پشت بقبله در بیت الخلا ننشیند و اینرا در لمعه تصریح کرده است

مقدّمه سوّم نماز در بیان پوشیدن عورت و لباس نمازگذار است و واجبات آن هشت چیز است چنانکه درین جدول بیان شده

اوّل	واجبست بر مرد که در نماز عورتین را بپوشاند خواه نامحرمی باشد و خواه نباشد و هر چند

که در خانهٔ تاریک و تنها نماز کند و گفته‌اند مراد از عورة قبل و دبر و خصیه است

دوّم	واجبست بر زن و خنثی که جمیع بدن را در نماز بپوشانند بغیر رو و کف دستها و پشت پاها و اگر زن بنده باشد پوشیدن سر واجب نیست بشرطی که هیچ چیز او آزاد نباشد
سوّم	واجبست در ساتر که پاک باشد مگر آن پنج صورت که در مقدمهٔ کتاب مذکور شد که نجاست آنها بخشیده شده است و با آن نماز میتوان کرد
چهارم	واجب است که پوست میته نباشد و بعضی گفته‌اند که اگر پوست میته را دباغی کنند پاک میگردد امّا همه قایل‌اند که با آن نماز نمیتوان کرد
پنجم	پوست و پشم و موی و کرک حیوانی نباشد که گوشت او حرام باشد هر چند که آن حیوان پاک باشد مثل شیر و غیره مگر خز خالص و سنجاب که با وجود آنکه گوشت آنها حرامست نماز در پوست آنها جایز است
ششم	باید که ساتر غصبی نباشد که نماز در جامهٔ غصبی جایز نیست و محقق گفته که اگر صاحب جامه اذن دهد غیر غاصب را یا غاصب را با وجود غصبیت نماز در آن صحیحست
هفتم	باید که لباس مرد و خنثی ابریشم خالص نباشد مگر در روز جنگ یا از برای ضرورت و باید که لباس مرد و خنثی طلا نباشد و زن را نماز در ابریشم خالص و طلا تجویز کرده‌اند
هشتم	چیزی که پشت پا را بپوشاند باید که ساق داشته باشد هر چند که ساق او کوتاه باشد و گفته‌اند که نماز در چیزی که پشت پا را بپوشاند و ساق نداشته باشد جایز نیست

مقدّمهٔ چهارم در بیان رعایت وقت و در اینجا بیان وقت پنج نماز یومیه میشود چنانکه در جدول است

اوّل وقت نماز پیشین	وقت زوال است و معلوم میشود زوال بظاهر شدن سایه از طرف مشرق و آخر وقت آن وقتیست که بداخل شدن نماز مغرب مقدار نماز عصر باقی ماند
اوّل وقت نماز پسین	وقتی است که از نماز ظهر فارغ شوند و آخر وقت آن وقتی است که وقت نماز مغرب داخل شود یعنی آفتاب غروب کند
اوّل وقت نماز شام	وقتی است که سرخی طرف مشرق برطرف گردد و آخر وقت آن وقتیست که بنصف شب مقدار نماز خفتن باقی ماند
اوّل وقت نماز خفتن	وقتی است که از نماز شام فارغ شوند و آخر وقت آن نصف شب است که اگر نصف از شب بگذرد و نماز مغرب را نکرده باشند قضا باید کرد
اوّل وقت نماز صبح	طلوع صبح صادق است که صبح دوّم نیز گویند و آخر وقت نماز صبح طلوع آفتابست که چون آفتاب طلوع کند نماز صبح قضا گردد

مقدّمهٔ پنجم رعایت مکان نماز است و در آن سه چیز واجب است چنانکه درین جدول بیان شده

اوّل	دوّم	سوّم
آنکه غصبی نباشد که نماز در مکان غصبی درست نیست مگر آنکه غصبیت آن را ندانند یا رخصت از مالک گرفته باشد امّا در غاصب خلاف کرده‌اند بعضی بر آنند که نماز غاصب با وجود اذن مالک صحیح نیست و بعضی صحیح میدانند	باید که نجس نباشد اگر محل سجده باشد و مکان سایر اعضا اگر نجس باشد باید که نجاست آن سرایت بمصلی و لباس آن نکند یعنی محل سجده باید مطلقا پاک باشد و سایر اعضا باید که نجاست سرایت نکند	محل سجده باید که زمین باشد یا چیزی که از زمین روید امّا باید که بحسب عادت خوردنی و پوشیدنی نباشد

مقدمه ششم نماز رعایت قبله است و در آن سه چیز معتبر است چنانکه درین جدول بیان شده

اول	باید که نمازگذار متوجه قبله شود اگر علم بآن داشته باشد و اگر علم نداشته باشد باید که بعلامات جهت قبله را معلوم کند و علامات بعضی از بلاد در جدول بعد ازین مذکور میشود
دوم	هرگاه که علامات مفقود شوند مثل آنکه ابری باشد که ستارها نمایان نباشند باید که تقلید کند و گفته اند باید که تقلید عادلی کند که دانا باشد بعلامات خواه مرد باشد و خواه زن
سوم	باید که هریک از نمازها را رو بچهار طرف بگذارد اگر جهت قبله را نداند و اگر وقت تنگ باشد نماز را رو بهر طرف که بگذارد مجزیست و رو بچهار طرف نماز کردن در کار نیست

جدول در بیان علامات قبلهٔ چند بلد که در الفیه مذکور است و آنها درین سه جدول بیان شده

علامت قبلهٔ اهل عراق	آنست که جُدَی را در وقت ارتفاع یا در وقتی که در غایت پستی باشد پس دوش راست گیرند و مغرب را بطرف راست و مشرق را بطرف چپ و مقابل عراق عکس این کنند
علامت قبلهٔ اهل شام	آنست که طلوع سهیل را میان چشمها و جُدَی را بر کتف چپ و غایب شدن بنات النعش را پشت گوش راست گیرند و اهل یمن عکس این کنند
علامت قبلهٔ اهل مغرب	آنست که بگردانند ثریا را بطرف راست و عیوق را بطرف چپ و گفته اند که ثریا و عیوق را در وقت طلوعشان بطرف راست و چپ گیرند و اهل مشرق عکس این کنند

پس این شصت واجبست که مقدم است بر نماز خواه نمازگذار در سفر باشد و خواه در حضر که این شصت چیز واجب اند و در سفر و حضر تفاوت نکنند اگرچه بعضی از آنها بدل اند از بعضی دیگر مثل تیمم که بدلست از وضو و غسل پس اگر کسی بسبب ضرورتی تیمم کند بدل از غسل واجبات غسل ساقط گردد و همچنین وضو

جدول در بیان احکام نماز مسافر و شروطی که باعث قصر نماز می شوند

بدانکه سفر باعث قصر نماز میشود بچند شرط که بعد ازین مذکور میشود و قصر یعنی دو رکعت کردن نمازهای چهار رکعتی که آن نماز ظهر و عصر و خفتن است و نماز صبح و شام در سفر و حضر تفاوت نکنند و سفر هرگاه که تمام وقت نماز را فرو گیرد نماز را قصر باید کرد خواه نماز ادا باشد و خواه قضا پس اگر وقت نماز داخل شود و کسی هنوز بسفر نرفته باشد و مقدار طهارت و نماز تمام بگذرد باید که نماز را تمام بگذارد و هرچند که بعد از آن بسفر رود و همچنین اگر بوطن باز آید و از وقت مقدار طهارت و یک رکعت نماز باقیمانده باشد باید که نماز را تمام کند و اگر نماز در حضر قضا شده باشد و در سفر قضای آن را بجا آورد باید که تمام کند و اگر در سفر قضا شده باشد و در حضر قضای آنرا بجا آورد باید که قصر کند و سفر باعث قصر نماز است در غیر چهار موضع

اول مسجد مکّه   دوّم مسجد مدینه   سوّم مسجد کوفه   چهارم حایر کربلای معلا

پس در غیر این چهار موضع قصر نماز واجب است و شرطهای قصر نماز پنج چیز است چنانکه درین جدول بیان هریک از آنها میشود بعون الله تعالی

شرط اوّل	قصد مسافت است و آن هشت فرسخ شرعی است پس اگر قصد رفتن هشت فرسخ داشته باشد یا قصد رفتن چهار فرسخ داشته باشد و خواهد که در همان روز یا همان شب برگردد باید که قصر نماز کند
شرط دوّم	باید که از موضع اقامت آنقدر دور شود که آواز اذان و دیوارها پوشیده شود پس هرگاه که قصد هشت فرسخ داشته باشد و این مقدار از موضع اقامت برود باید که نماز را قصر کند
شرط سوّم	باید که سفر مباح باشد که اگر سفر سفر معصیت باشد قصر نماز نمیتوان کرد و هرچند که قصد هشت فرسخ یا زیاده بر آن داشته باشد و از محل اقامت آنقدر دور شود که دیوارها و اذان پوشیده شوند
شرط چهارم	آنکه مسافر در اثناء سفر بوطن خود نرسد و همچنین اگر قصد ماندن ده روز در

غیر وطن نماید باید که نماز را اتمام کند و اگر کسی سی روز در جائی بماند و در ماندن آنجا تردد داشته باشد چون سی روز بگذرد باید که نماز را اتمام کند هر چند یک نماز باشد

شرط پنجم آنست که کثیر السفر نباشد و کثیر السفر را دو طریق گفته اند یکی آنست که سه سفر کند و در میان آنها ده روز در جائی اقامت نکند و قول دیگر کثیر السفر کسی باشد که در عرف او را کثیر السفر گویند مثل ملاح و مکاری پس مادام که کثیر السفر باشد قصر نماز نکند

باب دوم در بیان مقارنات نماز یعنی افعال نماز و آن هشت چیز است :

اول نیت دوم تکبیر احرام سوم قرائت چهارم قیام پنجم رکوع ششم سجود هفتم تشهد هشتم تسلیم و بیان هر یک بعد از این تفصیل خواهد شد

در بیان واجبات رکعت اول نماز و در رکعت اول نماز شصت و یک چیز واجبست

خواه نماز دو رکعتی باشد و خواه سه رکعتی و خواه چهار رکعتی اول نیت است و صفت نیت اینست که نماز فرض ظهر میگذارم مثلاً ادا یا قضا واجب تقرب بخدا و باید که این را در خاطر گذرانند و گفتن این لفظها در کار نیست بلکه گفتن این الفاظ مکروهست و واجبات نیت هفت چیز است دوم تکبیر احرام است یعنی گفتن الله اکبر بعد از نیت بی فاصله و واجبات آن یازده چیز است سوم قرائت یعنی خواندن حمد و سوره بعد از تکبیر احرام و واجبات آن شانزده چیز است چهارم قیام یعنی ایستادن و باید که در حال نیت و تکبیر احرام و قرائت ایستاده باشد و واجبات آن چهار چیز است پنجم رکوع و بعد از قرائت برکوع باید رفت و واجبات رکوع نه چیز است ششم سجود یعنی بعد از رکوع دو سجده باید کرد و واجبات سجود چهارده چیز است و مجموع این واجبات شصت و یک چیز میشود پس در رکعت اول این شصت و یک چیز واجبست و بیان آنها

تفصیل در این پنج صفحه جدول میشود بعون الله تعالی :

اول	باید که در حال نیت و تکبیر و قرائت ایستاده باشد و واجبست که راست بایستد
	که اگر در حال اختیار پشت را خم کند نماز باطل است .
دوم	استقلال یعنی در حال ایستادن تکیه بر چیزی نکند که اگر تکیه بر چیزی کند در حال اختیار باطل گردد
سوم	استقرار یعنی قرار گرفتن پس اگر راه رود یا بر راحله باشد هر چند که آنرا بسته باشند در حال
	اختیار نماز باطل گردد
چهارم	باید که قدمها نزدیک بهم باشد که اگر از هم دیگر دور باشد بحیثیتی که از حد ایستادن
	بیرون رود نماز باطل گردد
پنجم	نیت کند و واجب است در آن که قصد بجا آوردن نماز معین کند از ظهر و عصر و غیره
	یعنی معین کند که کدام نماز است که بجا می آورم
ششم	قصد وجوب کند اگر نماز واجب باشد و در نماز سنتی قصد سنت باید کرد
هفتم	قصد ادا کند هرگاه که نماز را در وقت خود بجا آورد
هشتم	قصد قضا کند هرگاه که نماز را در خارج وقت بجا آورد
نهم	قصد قربت کند یعنی نماز را بجا می آورم از برای قربت بخدای تعالی
دهم	باید که نیت را مقارن گرداند با تکبیر احرام یعنی بعد از نیت بی فاصله تکبیر احرام بگوید
یازدهم	واجبست بر حکم نیت بودن تا فارغ شدن از نماز و قصد منافی نماز نکند
دوازدهم	بعد از نیت تکبیر احرام بگوید و واجب است تلفظ کردن بآن یعنی الله اکبر را
	بزبان بگوید .

سیزدهم	باید که تکبیر را بعربی بگوید که اگر بعجمی بگوید در حال اختیار باطل گردد مثل آنکه گوید خدا بزرگتر است
چهاردهم	باید که درمیان تکبیر فاصله نکند که اگر فاصله کند بچیزی که آنرا فاصله گویند باطل گردد
پانزدهم	باید که تکبیر را مقارن گرداند با نیت که اگر فاصله کند باطل گردد
شانزدهم	درمیان حروف ندهد که اگر مد بدهد همزهٔ الله را بحیثیتی که استفهام شود باطل گردد
هفدهم	اکبر را مد ندهد بحیثیتی که جمع شود که اگر چنین کند باطل گردد
هیجدهم	رعایت ترتیب باید نمود که اگر اکبر الله بگوید مثلاً نماز باطل گردد
نوزدهم	باید که اخراج حروف از مخارج نماید چنانکه در باقی ذکرهای نماز واجب است
بیستم	واجب است که قطع همزه از الله نماید یعنی وصل نکند
بیست و یکم	قطع همزه از اکبر نماید یعنی های الله را با همزهٔ اکبر وصل نکند که اگر وصل کند باطل گردد
بیست و دوم	واجبست تکبیر را چنان بگوید که خود بشنود هرچند تقدیراً باشد
بیست و سوم	واجب است که بعد از تکبیر احرام حمد و سوره بخواند در رکعت اول هر یک از پنج نماز
بیست و چهارم	رعایت اعرابها و تشدیدها نماید بروجهی که منقولست بتواتر که اگر قرائت کند بقرائتهای شاذ باطل گردد
بیست و پنجم	رعایت ترتیب کلمه ها و آیه ها باید نمود بروجهی که منقول است بتواتر
بیست و ششم	الفاظ حمد و سوره را پی در پی بگوید که اگر درمیان سکوت طویل کند عمداً بحیثیتی که از نماز گذار بودن بیرون رود نماز باطل گردد
بیست و هفتم	رعایت کند که وقف بر آخر کلمه واقع شود نه در اثنای کلمه و محافظت کند نظم کلام را

بیست و هشتم	بلند قرائت کند در جائی که بلند قرائت باید کرد و آهسته قرائت کند در جائی که آهسته باید خواند و بیان آن در آخر جدول میشود
بیست و نهم	اول حمد را بخواند و آخر سوره را که اگر عمداً سوره را اول بخواند نماز باطل گردد
سی ام	بسم الله در اول حمد و سوره بگوید که اگر عمداً ترک بسم الله کند نماز باطل گردد
سی و یکم	باید که یک سوره بعد از حمد بخواند که اگر مقارن کند دو سوره را نماز باطل گردد بقولی
سی و دوم	اکمال هر یک از حمد و سوره نماید که اگر تبعیض کند در حال اختیار نماز باطل گردد
سی و سوم	باید که سورهٔ که بعد از حمد میخواند سورهٔ نباشد که در آن سجدهٔ واجب باشد و سورهٔ نباشد که بسبب خواندن آن وقت نماز فوت شود
سی و چهارم	بسم الله بقصد سوره معینی بگوید مگر آنکه خواندن سورهٔ معینی برو لازم شده باشد
سی و پنجم	نقل از سورهٔ بغیر آن نکند هرگاه که از نصف آن گذشته باشد و نقل از سورهٔ توحید و جحد در غیر نماز جمعه و نماز ظهر جمعه مطلقا جایز نیست
سی و ششم	باید که اخراج هر حرفی از مخرج منقول نماید که اگر مثلاً ضاد را از مخرج ظا بگوید باطل گردد
سی و هفتم	حمد و سوره را بزبان عربی بخواند که اگر بزبان دیگر ترجمه کند نماز باطل گردد
سی و هشتم	باید که آمین نگوید و اگر در جائی باشد که تقیه باید کرد گفتن آمین قصوری ندارد
سی و نهم	و باید که بعد از قرائت برکوع رود یعنی آنقدر خم شود که دستها بزانوها برسد و گذاشتن دست واجب نیست
چهلم	ذکر رکوع را بگوید و آن سُبحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَبِحَمْدِهِ است یا سه مرتبه سُبحانَ الله بگوید و اگر مضطر باشد یکبار سبحان الله گفتن کافیست

چهل و یکم	باید که ذکر را بعربی بگوید که اگر آنرا ترجمه کند باطل گردد و گفته اند در حال اضطرار ترجمه جایز است
چهل و دوم	باید که ذکر را بی فاصله بگوید که اگر فاصله کند بحیثیتی که از حد ذکر بیرون رود باطل گردد
چهل و سوم	باید که بقدر ذکر قرار بگیرد که اگر شروع کند در ذکر پیش از آنکه بحد رکوع رسد یا ذکر را در حال سر برداشتن از رکوع تمام کند باطل گردد
چهل و چهارم	باید ذکر را چنان بگوید که خود آنرا بشنود و اگر کر باشد چنان بگوید که اگر کر نبودی می شنیدی
چهل و پنجم	باید که سر از رکوع بردارد که اگر سر از رکوع برنداشته بسجود رود نماز باطل گردد
چهل و ششم	باید که بعد از سر برداشتن از رکوع قدری ساکن شود و آنرا حدی معین نباشد بلکه مسمای آن کافیست
چهل و هفتم	باید که سکون بعد از سر برداشتن از رکوع را طول ندهد که اگر آنرا طول دهد بحیثیتی که از مصلی بودن بیرون رود نماز باطل گردد
چهل و هشتم	بعد از رکوع سجده کند بر هفت عضو که آن پیشانی و کف دستها و زانوها و شصتهای پاهاست
چهل و نهم	باید که سنگینی خود را بر کل این هفت عضو اندازد که اگر بر بعضی مطلقا سنگینی نیندازد نماز باطل گردد و همچنین اگر سجده کند بر چیزی که بر آن قرار نتوان گرفت مثل برف و پنبه و غیره
پنجاهم	باید که پیشانی را بر چیزی گذارد که سجده کردن بر آن صحیح باشد و آن در مبحث مکان گذشت

پنجاه و یکم	باید که محل سجده با محل ایستادن مساوی باشد که اگر بلندتر یا پست تر باشد زیاده بر خشتی باطل گردد و قدر خشت را چهار انگشت بهم چسبیده گفته اند
پنجاه و دوم	باید که عضو سجده را بقدری بگذارد که گذاشتن عضو بر آن صادق باشد که اگر کمتر از آن گذارد باطل گردد
پنجاه و سوم	ذکر سجود را بگوید و آن سُبحانَ رَبِّیَ الاَعلی وَبِحَمدِهِ است یا سه مرتبه سُبحانَ الله و اگر مضطر باشد یکبار سبحان الله گفتن کافیست
پنجاه و چهارم	باید که بقدر ذکر قرار گیرد که اگر شروع در ذکر کند پیش از رسیدن بحد سجود یا سر بردارد پیش از تمام کردن ذکر باطل گردد
پنجاه و پنجم	باید که ذکر را بعربی بگوید که اگر آنرا در حال اختیار ترجمه کند باطل گردد
پنجاه و ششم	باید که ذکر را بی فاصله گوید که اگر فاصله کند در میان کلمه های آن عمداً بحیثیتی که از مصلی بودن بیرون رود نماز باطل گردد
پنجاه و هفتم	باید که ذکر را چنان بگوید که خود آنرا بشنود و اگر کر باشد چنان بگوید که اگر کر نبودی می شنیدی
پنجاه و هشتم	سر برداشتن از سجود است و گفته اند که سر برداشتن از سجده باید که بحد نشستن برسد
پنجاه و نهم	باید که بعد از سر برداشتن از سجدهٔ اول قدری ساکن شود و این بعد از سر برداشتن از سجده دوم واجب نیست
شصتم و شصت و یکم	سکون بعد از سجده اول را طول ندهد و باید که دو سجده بجا آورد و مجزی نیست یک سجدهٔ زیاده بر دو سجده جایز نیست و سجدهٔ دوم نیز مثل اول است

تمام شد شصت و یک واجب رکعت اول نماز بعد از این بیان واجبات رکعت دوم میشود و اگر نماز گذار مرد باشد باید که در دو رکعت نماز صبح و در دو رکعت اول نماز شام و خفتن قرائت را تمام بلند بخواند و در باقی آهسته بخواند و زن در تمام نماز ها باید که آهسته قرائت کند خواه نماز صبح و خواه خفتن و خواه ظهر و خواه عصر

واجبات رکعت دوم نماز چهل و چهار چیز است چون تشهد و تسلیم را داخل رکعت نمیدانند اما از واجبات نماز میدانند و واجبات تشهد نه چیز است چون اضافه شود پنجاه و سه چیز میشود و اگر نماز دو رکعتی باشد واجبات سلام نیز اضافه شود و آن نیز نه چیز است پس واجبات نماز دو رکعتی شصت و دو چیز میشود چنانکه در این جدول بیان شد

اول	استدامت حکم نیت یعنی بر حکم نیت باقی بودن و باقی واجبات نیت و تکبیر احرام در این رکعت ساقط میشود
دوم	قیام است و باید که در حال قرائت قائم باشد و واجبست در قیام انتصاب یعنی راست ایستادن که اگر در حال اختیار پشت را خم کند باطل گردد
سوم	واجب است در قیام استقلال یعنی تکیه نکردن بر چیزی که اگر در حال اختیار تکیه کند بر چیزی باطل گردد
چهارم	استقرار یعنی آرام گرفتن که اگر راه رود یا بر راحله باشد هر چند که او را بسته باشند یا بر ردی چیزی بایستد که قدم بر آن قرار نگیرد در حال اختیار باطل گردد
پنجم	باید که قدمها نزدیک بهم باشند که اگر از هم دور باشند بقدری که از حد

	ایستادن بیرون رود باطل گردد
ششم	خواندن حمد و سوره و درین رکعت نیز خواندن حمد و سوره هر دو باهم واجب است
هفتم	رعایت نمودن اعرابها و تشدیدها بر وجهی که متواتر است که اگر قرائت کند بقرائتهای شاذه باطل گردد
هشتم	بی فاصله خواندن کلمه ها و آیه ها بر وجه متواتر که اگر سکوت طویل کند یا در اثنای قرائت غیر حمد و سوره چیزی دیگر بخواند عمداً باطل گردد
نهم	رعایت کند که وقف بر آخر کلمه ها واقع شود و محافظت کند نظم کلام را که اگر ساکت شود بر هر کلمه باطل گردد
دهم	بلند بخواند در جائی که بلند باید خواند و آهسته بخواند در جائی که آهسته باید خواند چنانکه پیشتر گذشت
یازدهم	حمد را بر سوره مقدم دارد که اگر عمداً سوره را پیش از حمد بخواند باطل گردد و اگر از راه فراموشی چنین کند بار دیگر بعد از حمد سوره بخواند
دوازدهم	بسم الله در اول هر یک از حمد و سوره بگوید که اگر عمداً ترک گفتن بسم الله کند باطل گردد
سیزدهم	بعد از حمد یک سوره بخواند که اگر دو سوره را مقارن کند بقولی نماز باطل گردد و بعضی این را مکروه میدانند و بعضی حرام
چهاردهم	هر یک از حمد و سوره را تمام بخواند که اگر تبعیض کند در حال اختیار باطل گردد
پانزدهم	سوره که بعد از حمد میخواند سوره عزیمه نباشد و سوره نباشد که بسبب خواندن آن وقت نماز فوت شود

شانزدهم	قصد بسم الله از برای سورهٔ معین نماید بعد از حمد مگر آنکه سوره معیّن بر او لازم شده باشد
هفدهم	نقل از سوره بسوره دیگر نکند هرگاه که از نصف آن سوره گذشته باشد و از سورهٔ توحید و جحد مطلقا نقل نکند مگر در نماز جمعه و ظهر جمعه
هیجدهم	اخراج هر حرفی از مخرج منقول نماید که اگر ضاد را از مخرج ظا بگوید یا لام را کنده بگوید باطل گردد
نوزدهم	حمد و سوره را بزبان عربی بخواند که اگر آنرا بزبان دیگر ترجمه کند و بخواند باطل گردد
بیستم	ترک گفتن آمین کند و اگر در جائی باشد که تقیه باید کرد گفتن آمین جایز است
بیست و یکم	رعایت ترتیب کلمه‌ها و آیه‌ها نماید بروجهی که متواتر است
بیست و دوم	بعد از قرائت برکوع رود و واجبست انقدر خم شود که دستها بزانوها برسد امّا گذاشتن دستها بزانوها واجب نیست
بیست و سوم	گفتن ذکر رکوع است و آن سُبحَانَ رَبِّیَ العَظیم وَبِحَمدِه است یا سُبحانَ الله ۳ مرتبه بگوید یا یکمرتبه سبحان الله بگوید اگر مضطر باشد
بیست و چهارم	ذکر رکوع را بعربی بگوید که اگر ترجمه کند آنرا در حال اختیار باطل گردد
بیست و پنجم	ذکر را بی فاصله بگوید که اگر فاصله کند میان الفاظ آن بحیثیتی که از حد ذکر بیرون رود باطل گردد
بیست و ششم	قرار گرفتن بقدر ذکر که اگر شروع در ذکر کند پیش از رسیدن بحد رکوع یا تمام کند آنرا بعد از سر برداشتن باطل گردد
بیست و هفتم	ذکر را چنان بگوید که خود آنرا بشنود و اگر کر باشد چنان بگوید که اگر شنوا بودی می شنیدی

	و این تقدیر است
بیست و هشتم	سر برداشتن از رکوع که اگر بسجود رود و سر از رکوع برنداشته باشد باطل گردد مگر آنکه فراموش کرده باشد
بیست و نهم	بعد از سر برداشتن از رکوع قدری ساکن شود و آنرا حدی نیست بلکه مسمای آن کافیست
سی ام	سکون بعد از سر برداشتن از رکوع را طول ندهد که اگر آنرا طول دهد بحدی که از نماز گذار بودن بیرون رود نماز باطل گردد
سی و یکم	بعد از رکوع بسجود رود و واجبست سجده کردن بر هفت عضو چنانکه در رکعت اول نماز مذکور شد
سی و دوم	باید که سنگینی خود را بر کل این هفت عضو اندازد که اگر بر بعضی مطلق سنگینی نیندازد باطل گردد چنانکه پیشتر بیان شد
سی و سوم	پیشانی را بر چیزی گذارد که سجده کردن بر آن صحیح باشد چنانکه در مبحث مکان نماز گذشت
سی و چهارم	محلّ سجده باید که با محلّ ایستادن مساوی باشد و اگر بلندتر یا پست‌تر باشد باید زیاده بر یک خشت نباشد و آنرا گفته اند که چهار انگشت بهم چسبیده است
سی و پنجم	گذاشتن اعضای سجده بر زمین بقدری باید که گذاشتن بر آن صادق باشد که اگر کمتر باشد باطل گردد
سی و ششم	ذکر سجود و آن سُبحَانَ رَبِّیَ الاَعلیٰ وَبِحَمدِه یا ۳ مرتبه سُبحَانَ الله است و اگر مضطر باشد یک مرتبه سُبحَانَ الله کافیست .
سی و هفتم	قرار گرفتن بقدر ذکر در حال سجده که اگر سر بردارد پیش از تمام شدن ذکر یا شروع کند

	در ذکر پیش از رسیدن بحد سجود باطل گردد
سی و هشتم	ذکر را بعربی بگوید که اگر ذکر سجود را در حال اختیار ترجمه کند باطل گردد
سی و نهم	موالات ذکر یعنی ذکر را بی فاصله بگوید که اگر فاصله کند میان کلمات آن بقدری که از مصلی بودن بیرون رود باطل گردد
چهلم	ذکر را چنان بگوید که خود بشنود و اگر کر باشد یا مانعی داشته باشد تقدیر کند چنانکه مکرر مذکور شد
چهل و یکم	سر برداشتن از سجده و گفته اند که سر برداشتن باید که بحد نشستن برسد و کافی نیست مطلق سر برداشتن اجماعاً
چهل و دوم	بعد از سر برداشتن از سجدهٔ اول قدری ساکن شود هرچند که اندک باشد و بعد از سجده دوم ساکن شدن واجب نیست
چهل و سوم	سر برداشتن بعد از سجده اول را طول ندهد که اگر عمداً آن را طول دهد بحدی که از نمازگذار بودن بیرون رود نماز باطل گردد
چهل و چهارم	سجدهٔ دیگر مثل سجدهٔ اول بجا آورد و آنچه در سجدهٔ اول واجب است در ثانی هم واجب است بغیر سکون بعد از سر برداشتن از سجده

تمام شد واجبات رکعت دوم نماز و بعد از سجده دوم باید که تشهد بخواند خواه نماز دو رکعتی باشد و خواه سه رکعتی و خواه چهار رکعتی و واجبات تشهد نه چیز است چنانکه درین جدول بیان آنها میشود

اول	نشستن از برای خواندن تشهد که اگر نشسته آن را نخواند عمداً و اختیار

	نشسته خواندن داشته باشد نماز باطل گردد
دوم	قرار گرفتن بقدر خواندن تشهد و گفته اند که اگر شروع کند در تشهد پیش از آنکه بحد نشستن رسد یا برخیزد و پیش از تمام کردن آن نماز باطل گردد
سوم	گفتن دو شهاده و آن شهادت بر وحدانیت خدای تعالی و رسالت پیغمبر صلی الله علیه و آله است
چهارم	واجب است بعد از دو شهاده صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
پنجم	واجب است بعد از صلوات بر پیغمبر صلوات فرستادن بر آل پیغمبر صلی الله علیه و آله
ششم	تشهد را بعربی بگوید و گفته اند اگر کسی بعربی آن را نتواند گفت و وقت نماز تنگ باشد جایز است که ترجمه کند
هفتم	رعایت کند ترتیب آن را که اول دو شهاده را بگوید و بعد از آن صلوات بر پیغمبر فرستد و بعد از آن بر آل آن
هشتم	باید که تشهد را بی فاصله بخواند که اگر فاصله کند بسکوت طویل که از نمازگذار بودن بیرون رود نماز باطل گردد
نهم	تشهد منقول را بخواند و آن اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ است و اگر بجای اشهد مثلاً اعتقد بگوید یا واو و اشهد ان محمد را نگوید یا لفظ اشهد را نگوید مجزی نیست و اگر لفظ وحده لا شریک له یا لفظ عبده را نگوید ضرر ندارد و واجب است که تشهد را چنان بگوید

که خود بشنود و اگر کر باشد یا مانعی باشد چنان بگوید که اگر کر نبود یا مانعی نبود می شنیدی

اگر نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی باشد بعد از تشهد بر خیزد بر کعت سوّم و اگر نماز دو رکعتی باشد بعد از تشهد باید که تسلیم بجا آورد و این جدول در بیان تسلیم است و واجبات آن نه چیز است چنانکه درین جدول بیان شده

اوّل	نشستن از برای تسلیم و گفته اند اگر در حال اختیار عمدًا ترک نشستن کند نماز باطل گردد
دوّم	قرار گرفتن بقدر تسلیم که اگر آن را واقع سازد بدون طمأنینه عمدًا در حال اختیار نماز باطل گردد
سوّم	رعایت ترتیب کند میان کلمات آن که اگر عمدًا ترتیب میان کلمات آن بجا نیاورد نماز باطل گردد
چهارم	باید که آن را بعربی بگوید و اگر عربی آن را نداند و وقت نماز تنگ باشد و تا آن را بیاموزد نماز فوت شود ترجمه میتوان کرد
پنجم	باید که تسلیم را بعد از تشهد بجا آورد و واجب نیست قصد بیرون آمدن از نماز هر چند که اگر قصد کند احوط است
ششم	موالات یعنی بی فاصله کلمات آن را بگوید و گفته اند که اگر عمدًا فاصله کند میان کلمات آن بکلامی نماز باطل گردد
هفتم	واجب است که یکی ازین دو عبارت را بگوید یا بگوید السّلام عَلَیکُم وَرَحمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ و یا بگوید السّلامُ عَلَینا وَعَلیٰ عِبادِ اللّهِ الصّالحین و اگر عبارت اوّل را بگوید اولی است از برای آنکه سبب بیرون آمدن از نماز است بی خلاف

هشتم	رعایت کند آن چیزی را که مذکور شد که اگر سلام را نکره کند یعنی الف لام آنرا بیندازد یا رحمت را جمع کند که رحمات گوید یا برکات را برکت گوید عمدًا نماز باطل گردد
نهم	هر یک از آن دو عبارت را که اوّل بار گوید بهمان قصد بیرون آمدن از نماز کند و گر بدومی قصد کند جایز نیست و واجب است که سلام را چنان بگوید که خود بشنود هر چند تقدیرا باشد

تمام شد نماز دو رکعتی و واجبات آن صد و بیست و سه چیز است چنانکه بتفصیل مذکور شد و اگر نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی باشد بعد از تشهد و پیش از تسلیم بر خیزد بر کعت سوّم و واجبات رکعت سوّم هرگاه که قرائت حمد کنند سی و نه چیز میشود از برای آنکه واجبات خواندن سوره ساقط میگردد و بیان واجبات آن را نیز در جدول مینمایم هر چند ذکر آن موجب تکرار میشود امّا چون با دو رکعت اوّل تفاوت دارد ذکر آن نمودم و جدول رکعت سوّم نماز اینست

اوّل	قیام و باید که در حال قرائت ایستاده باشد تا آنکه برکوع رود و واجب است ایستادن در حال اختیار پشت را خم نکردن
دوّم	استقلال یعنی تکیه بر چیزی نکند در حال اختیار
سوّم	استقرار یعنی آرام گرفتن که راه نرود و بر راحله نباشد چنانکه مذکور شد
چهارم	نزدیکی قدمها که قدمها از هم دیگر بسیار دور نباشد چنانکه گذشت
پنجم	استدامت حکم نیّت یعنی قصد چیزی که منافی نماز باشد نکند
ششم	خواندن حمد تنها بدون سوره

هفتم	رعایت اعرابها و تشدیدها بروجه منقول متواتر
هشتم	رعایت ترتیب کلمها و آیهها بروجه متواتر
نهم	موالات یعنی پی در پی خواندن و فاصله نکردن
دهم	واقع ساختن وقفها بر آخر کلمها و محافظت نظم کلام
یازدهم	آهسته خواندن قرائت خواه مرد باشد و خواه زن
دوازدهم	بسم الله در اول حمد گفتن
سیزدهم	اکمال حمد یعنی تمام خواندن آن
چهاردهم	اخراج حروف از مخارج مقرر نمودن
پانزدهم	تلاوت نمودن حمد بعربی و ترجمه نکردن
شانزدهم	ترک آمین گفتن مگر در صورت تقیه
هفدهم	رکوع کردن یعنی خم شدن بحدی که دستها بزانوها برسد
هیجدهم	گفتن ذکر رکوع چنانکه پیشتر مذکور شد
نوزدهم	بعربی گفتن ذکر و ترجمه نکردن در حال اختیار
بیستم	موالات یعنی فاصله نکردن در میان اجزای ذکر
بیست و یکم	قرار گرفتن بقدر تمام شدن ذکر
بیست و دوم	شنوانیدن ذکر مر نفس خود را هر چند تقدیرا باشد
بیست و سوم	سر برداشتن از رکوع بعد از تمام شدن ذکر
بیست و چهارم	قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع

بیست و پنجم	طمأنینه بعد از رکوع را بسیار طول ندادن
بیست و ششم	بسجود رفتن و سجده کردن بر هفت عضو
بیست و هفتم	تکیه کردن بر اعضا و سنگینی خود را بر محل آنها انداختن
بیست و هشتم	گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده کردن بر آن صحیح باشد
بیست و نهم	مساوی بودن محل سجده با محل ایستادن
سی ام	گذاشتن عضو بر زمین بقدری که گذاشتن بر آن صادق باشد
سی یکم	ذکر مقرر سجود را گفتن چنانکه گذشت
سی و دوم	قرار گرفتن در حال سجود بقدر ذکر
سی و سوم	بعربی گفتن ذکر و ترجمه نکردن آن
سی و چهارم	موالات در ذکر یعنی فاصله نکردن در آن
سی و پنجم	شنوانیدن ذکر مر نفس خود را هر چند تقدیرا باشد
سی و ششم	سر برداشتن از سجود که بحد نشستن رسد
سی و هفتم	قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجدهٔ اول
سی و هشتم	طمأنینهٔ مذکور را بسیار طول ندادن
سی نهم	سجدهٔ دیگر مثل سجدهٔ اول بجا آوردن

اگر نماز چهار رکعتی باشد بعد از سجده دوم برخیزد برکعت چهارم و اگر نماز سه رکعتی باشد بعد از سجدهٔ دوم بنشیند و تشهد و تسلیم بجا آورد چنانکه در رکعت دوم بیان شد پس واجبات نماز سه رکعتی با تشهد و تسلیم صد و هفتاد و یک چیز میشود و در رکعت چهارم نیز مثل رکعت سوم است الا آنکه در نماز

سه رکعتی در رکعت سوم تشهّد و تسلیم بجا باید آورد و در نماز چهار رکعتی بعد از رکعت چهارم و در سایر واجبات تفاوت نکند پس در نماز چهار رکعتی دویست و ده چیز واجب خواهد بود هرگاه که قرائت حمد کرده شود و جایز است که در رکعت سوم و چهارم بجای حمد تسبیحات اربع بخواند و تسبیحات اربع اینست سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ یک روایت آنست که این مجموع را یک مرتبه بگوید که چهار تسبیح گفته شود و روایت دیگر آنست که سه مرتبه این را بگوید امّا در هر مرتبه الله اکبر را نگوید که نه تسبیح گفته شود و روایت دیگر آنست که سه مرتبه بگوید امّا در مرتبه اوّل و دوّم الله اکبر را نگوید و در مرتبه سوّم بگوید که ده تسبیح گفته شود و روایت دیگر آنست که مجموع را سه مرتبه بگوید که دوازده تسبیح گفته شود و محقّق صورت آخر را احوط میداند و واجب است که اگر بجای حمد تسبیح بخوانند ترتیب و موالات بجا آورد و بعربی تسبیحات را بگویند و آهسته بگویند

واین جمیع واجبات نماز است و اگر خواهند که آنها را بشمارند چنین است که درین جدول بیان شده

واجبات رکعت اوّل نماز	واجبات رکعت دوّم نماز
شصت و یک چیز است	چهل و چهار چیز میشود بی تشهّد و تسلیم
واجبات رکعت سوّم نماز	واجبات رکعت چهارم نماز
سی و نه چیز میشود بی تشهّد و تسلیم	سی و نه چیز بی تشهّد و تسلیم

و اگر بجای حمد در رکعت سوّم و چهارم تسبیح بخوانند در هر رکعتی سی و دو چیز واجب خواهد بود

واجبات نماز دو رکعتی با تشهّد و تسلیم	واجبات نماز سه رکعتی با تشهّد و تسلیم	واجبات هر یک از نمازهای چهار رکعتی
صد و بیست و سه چیز است	صد و هفتاد و یک چیز است	دویست و ده چیز است

پس در پنج نماز شبانه روزی در حضر هشتصد و بیست و چهار چیز واجب است

و واجبات این پنج نماز در سفر سیصد و شصت و سه چیز میشود چون دو رکعت آخر از نماز ظهر و عصر و خفتن ساقط میشود

و اگر در رکعتهای آخر نمازها تسبیح بجای حمد بخواند هشتصد و هفتاد و پنج چیز واجب میشود

و بیست و پنج چیز منافیات نماز اند که بعد از این مذکور میشود چون آنها را با واجبات نماز جمع کنند هزار و نه چیز میشود از برای آنکه شصت چیز مقدّمات نماز اند و نهصد و بیست و چهار چیز مقارنات یعنی افعال نماز و بیست و پنج چیز منافیات این مجموع هزار و نه چیز میشود تمام شد واجبات نماز یومیّه و بعد از این خللی که در نماز واقع شود بیان میکنم و منافیات نیز در ضمن آن بیان خواهد شد بتوفیق خدای تعالی و چون منافیات چند چیز را با هم یک منافی شمرده اند بیست و پنج چیز میشود و اگر هر یک را علیحده شمارند بیشتر میشود و فقیر هر یک را علیحده بیان نمودم

باب سوّم در بیان احکام خللی که در نماز واقع شود و آن بر چند قسم است

چنانکه بعد ازین مذکور میشود و اوّلا در اینجا بیان چیز چند میکنم که دانستن آنها ضرور است و باید دانست که چیزهائی که در نماز رعایت آنها در کار است یا داخل در حقیقت نماز است یا خارج از نماز است و آنکه داخل در حقیقت نماز است یا رکن است یا واجب غیر رکن

و رکن آنست که بسبب زیادتی و کمی آن عمداً و سهواً غالباً نماز باطل گردد و بیان ارکان بعد ازین خواهد شد

و واجب غیر رکن را اگر عمداً زیاد یا کم کنند نماز باطل گردد و اگر از روی فراموشی زیاد یا کم

کم کنند نماز باطل نگردد

وآنکه خارج از حقیقت نماز است یا شرط صحت نماز است یا چیز چند است که در نماز ترک آنها باید نمود

وچیزهائی که شرط صحت نماز است مثل طهارت از حدث وبرطرف کردن نجاست از بدن وجامه وسایر مقدمات نماز است چنانکه پیشتر مذکور شد

وچیزهائی که در نماز ترک آنها باید نمود آنهارا منافیات نماز گویند مثل ترک سخن گفتن وترک فعل کثیر وغیره چنانکه بعد ازین مذکور خواهد شد

در بیان خلل وعمد وسهو وشک وغیره وخلل زیادتی یا کمی ایست که در نماز واقع شود و واقع شدن آن یا بعنوان عمد است یا سهو یا شک وعمد آنست که کسی چیزیرا داند وقصداً آنرا بجا آورد وسهو آنست که خللرا از روی فراموشی واقع سازد وشک آنست که در چیزی تردد داشته باشد که آیا آن را بجا آورده یا نیاورده وبهر دو طرف گمان او مساوی باشد واگر در کردن ونکردن چیزی تردد داشته باشد وگمان او بیک طرف بیشتر باشد آن طرفی را که گمان بیشتر دارد آنرا ظن گویند وطرفی راکه گمان کمتر دارد وهم گویند وعلم آنست که کسی چیزی را داند وجهل آنست که نداند پس اگر اصل چیزیرا داند مثل آنکه خواندن حمد وسوره را داند آن را علم باصل گویند واگر وجوب آن را داند یعنی داند که خواندن حمد وسوره در نماز واجب است آن را علم بحکم شرعی گویند واگر داند که نخواندن حمد وسوره مثلاً عمداً نماز را باطل میکند این را علم بحکم وضعی گویند واضطرار آنست که کسی چیزیرا از راه ناچاری واقع سازد واختیار در مقابل اضطرار است وچون این امور معلوم شد پس خللی که در نماز واقع شود بر دو قسم است یک قسم آنست که نماز را باطل میکند وقسم دیگر آنست که باطل نمیکند

وآن قسمی که نماز را باطل کند آنهارا منافیات نماز ومتروک نیز گویند وآن نیز بر دو قسم است

اوّل آنست که عمداً وسهواً نماز را باطل کند مثل حدث کردن در نماز وفعل کثیر وغیره

دوّم آنست که اگر عمداً واقع شود نماز باطل گردد واگر سهواً واقع شود باطل نگردد مثل سخن گفتن وغیره

وخللی که نماز را باطل نکند بر پنج قسم است چنانکه مجملاً درین جدولها بیان شده وبعد ازین بتفصیل بیان خواهد شد

اوّل	آنست که بسبب آن چیزی لازم نگردد یعنی نه تلافی باید نمود ونه سجدهٔ سهو ونماز صحیح باشد .
دوّم	آنست که تلافی باید نمود واما سجدهٔ سهو لازم نگردد ونماز صحیح باشد
سوّم	آنست که هم تلافی باید نمود وهم سجدهٔ سهو ونماز صحیح باشد
چهارم	آنست که سجدهٔ سهو لازم شود بدون تلافی ونماز صحیح باشد
پنجم	آنست که باعث نماز احتیاط گردد با سجدهٔ سهو یا بی سجدهٔ سهو وبیان این هفت شق در هفت جدول خواهد شد بعون الله تعالی

فصل اوّل - در بیان خللی که عمداً وسهواً مبطل نماز است وآنهارا منافیات نماز گویند وبعضی سهواً سبب باطل شدن نماز میشوند اگر وقت باقی باشد وحکم اختیار واضطرار وغیره را نیز بمناسبت مقام بیان نمودم

اول حدث کردن در نماز وحدث در موجبات وضو وغسل مذکور شد،	اگر دانسته وقصداً باشد	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر از روی اختیار باشد	اگر بسبب اضطرار باشد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد خواه نباشد	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل گردد از برای آنکه یا عمد خواهد بود یا سهو	نماز باطل گردد مگر آنکه سلس البول داشته باشد یا مبطون باشد
دوم وضو ساختن یا غسل کردن با آب نجس وبا آن وضو یا غسل نماز کردن	اگر عمداً یعنی دانسته وقصداً باشد	اگر سهواً یعنی بسبب فراموشی باشد	اگر نجاست آب را نداند	اگر نداند که طهارت با آب نجس باطل
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل است خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد
سوم پشت بقبله کردن در نماز هرچند در بعضی از نماز باشد	اگر عمداً پشت بقبله کند	اگر سهواً پشت بقبله کند	اگر بسبب اضطرار باشد	اگر بسبب ظن پشت بقبله کند
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل است اگر وقت باقی باشد واگر باقی نباشد بعضی نماز را صحیح میدانند	نماز صحیح است هرگاه که در جنگ باشد ووقت نماز تنگ شود	نماز باطل است اگر وقت باقی باشد واگر وقت بیرون رفته باشد صحیح است
چهارم گردیدن از قبله بحدی که قبله بطرف راست یا بطرف چپ باشد	اگر عمداً باشد	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر بسبب اضطرار باشد	اگر بسبب ظن باشد
	نماز باطل است خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل است اگر وقت باقی باشد واگر وقت بیرون رفته باشد صحیح است	نماز صحیح است هرگاه در جنگ باشد ونماز کند	نماز صحیح است اگر وقت بیرون رفته باشد واگر وقت باقی باشد بعضی نماز را باطل میدانند

پنجم فعل کثیر هرگاه بحیثیتی باشد که در عرف او را نماز گذار نگویند وفعل قلیل مثل کفش کندن ویک ضرب عقرب کشتن مبطل نیست	اگر عمداً فعل کثیر واقع شود	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر اختیاراً واقع شود	اگر اضطراراً واقع شود
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل گردد اگر وقت باقی باشد	اگر با عمد باشد حکم عمد دارد وبا سهو حکم سهو	نماز صحیح است هرگاه در جنگ باشد ونماز کند چنانکه مذکور خواهد شد
ششم سکوت طویل هرگاه بحیثیتی باشد که در عرف آن را نماز گذار نگویند	اگر عمداً واقع شود	اگر بسبب فراموشی واقع شود	اگر اختیاراً واقع شود	اگر اضطراراً واقع شود
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل است وبعضی نماز را صحیح میدانند	اگر با عمد باشد حکم عمد دارد وبا سهو حکم سهو	حکم اضطرار بنظر فقیر نرسیده که نماز باطل گردد یا صحیح باشد
هفتم زیاد کردن یا کم کردن رکنی از ارکان نماز که آن نیت وتکبیر احرام وقیام ورکوع ودو سجده است	اگر عمداً زیاد یا کم کند	اگر بسبب فراموشی زیاد یا کم کند	اگر بسبب ندانستن زیاد یا کم کند	اگر اختیاراً زیاد یا کم کند
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل گردد خواه حکم شرعی را نداند وخواه حکم وضعی را	نماز باطل گردد از برای آنکه یا بعمد برگردد یا بسهو
هشتم نماز را پیش از داخل شدن وقت بجا آوردن چنانکه در جدول بیان میشود	اگر عمداً واقع سازد	اگر بسبب فراموشی واقع سازد	اگر در محل ظن کند وعلم بدخول وقت بهم تواند رسانید	اگر بظن عمل کند وعلم بدخول وقت نتواند بهم رسانید
	نماز باطل است خواه تمام آن را پیش از وقت بجا آورده باشد وخواه بعضی از آن را	نماز باطل گردد اگر تمام آن را پیش از وقت بجا آورده باشد ودر بعضی خلاف کرده‌اند	نماز باطل گردد اگر تمام آن را پیش از وقت بجا آورده باشد	نماز باطل گردد خواه تمام را پیش از وقت کرده باشد وخواه بعضی از آن را

نهم واقع ساختن نماز درمکان نجس اگرمسجد جبهه باشد ومکان سایر اعضا هرگاه که نجاست سرایت کند	اگر عمداً واقع سازد	اگر بسبب فراموشی واقع سازد	اگر نجاست مکان را نداند	اگر جاهل بحکم باشد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل گردد اگر وقت باقی باشد واگر باقی نباشد بعضی صحیح و بعضی باطل میدانند	نماز صحیح است وبعضی گفته اند اگر وقت باقی باشد اعاده باید کرد و مشهور صحت است	نماز باطل گردد هرگاه که عمداً نماز کرده باشد
دهم واقع ساختن نماز درجامهٔ نجس هرگاه نجاستی باشد که بخشیده نشده باشد وازاله آن تواند نمود	اگر عمداً واقع سازد	اگر بسبب فراموشی واقع سازد	اگر نجاست جامه را نداند	اگر از راه اضطرار واقع سازد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز باطل است اگر وقت باقی باشد موافق مشهور	نماز صحیح است اگر وقت باقی نباشد واگر باقی باشد بعضی گفته اند اعاده باید کرد	نماز صحیح است هرگاه کندن جامه وازالهٔ نجاست مقدور نباشد
یازدهم واقع ساختن نماز در جامه غصبی هرگاه رخصت از صاحب جامه نگرفته باشد	اگر عمداً واقع سازد	اگر بسبب فراموشی واقع سازد	اگر غصبیت جامه را نداند	اگر از راه اضطرار واقع سازد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	بعضی مطلقا باطل میدانند و بعضی مطلقا صحیح میدانند و بعضی در خارج وقت صحیح میدانند	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز صحیح است هرگاه که کندن جامه مقدور نباشد
دوازدهم واقع ساختن نماز در مکان غصبی هرگاه اذن از مالک نگرفته باشد	اگر عمداً واقع سازد	اگر بسبب فراموشی واقع سازد	اگر غصبیت مکان را نداند	اگر از روی اضطرار واقع سازد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	بعضی مطلقا باطل میدانند و بعضی مطلقا صحیح میدانند و بعضی خارج وقت صحیح میدانند	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	نماز صحیح است مثل آنکه کسیرا درمکان غصبی حبس کرده باشند

سیزدهم وضو ساختن یا غسل کردن بآب غصبی یا تیمم کردن بخاک غصبی ویا آن طهارت نماز گذاردن	اگر عمداً باشد	اگر از روی فراموشی باشد	اگر غصبی بودن آنرا نداند	واگر جاهل بحکم باشد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	یک قول نماز باطلست اگر وقت باقی باشد قول دیگر مطلقا باطلست قول دیگر مطلقا صحیح است واین مشهوراست	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد	اگر عامد باشد نماز باطل است واگر ساهی باشد حکم سهو دارد
چهاردهم واقع ساختن نماز در پوست میته وچون حکم جامه نجس مذکور شد این را نیز بمناسبت ذکر نمودم واگرنه میبایست در فصل دوم مذکور سازم	اگر عمداً باشد	اگر از روی فراموشی باشد	اگر نداند که پوست میته است	اگر نداند که پوست میته است
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد وخواه نباشد مگر مضطر باشد	نماز را صحیح میدانند خصوصاً اگر وقت بیرون رفته باشد	وبعد از نماز ظاهر شود نماز صحیح است اگر آنرا از دست مسلمان یا در بلاد اسلام از مجهولی گرفته باشد	وبعد از نماز ظاهر شود نماز باطل است اگر از دست کافر یا در بلاد کفر از مجهولی گرفته باشد

پانزدهم حفظ نکردن عدد رکعتهای نماز یعنی نمازگذار نداند که چند رکعت از نماز بجاآورده مثل آنکه نداند که در رکعت اوّل یا دوّم یا سوّم یا چهارم است نماز باطل گردد درصورتی که ظنّ او بطرفی غالب نباشد که اگر ظنّ او بر چیزی غالب باشد بنا را برآن میگذارد و نماز را تمام میکند

شانزدهم شک در دو رکعت اوّل از نمازهای چهار رکعتی وشک در رکعتهای نماز دو رکعتی مثل نماز صبح وجمعه وکسوف وغیره وشک در عدد رکعتهای نماز مغرب باعث باطل شدن نماز است وگفته اند اگر بطرفی ظنّ بهم نرساند نماز باطلست واگر ظنّ بطرفی بهم رساند بنارا

بر آن میگذارد و نماز صحیح است بنا بر مشهور و بعضی گفته اند که در دو رکعت اوّل علم باید و ظنّ کافی نیست

هفدهم کم کردن یک رکعت یا زیاده بر آن از نماز و بخاطر آمدن آن بعد از فعل منافی که عمدًا و سهوًا نماز را باطل کند مثل پشت بقبله کردن و غیره نماز باطل گردد و اگر بعد از فعل منافی بخاطر آید که آن منافی عمدًا نماز را باطل کند نه سهوًا مثل حرف زدن و غیره میان علما خلافست و مشهور آنست که آنچه ترک کرده بجا آورد و نماز صحیحست و بعضی نماز را باطل میدانند .

هیجدهم اگر کسی یک رکعت در نماز زیاد کند و بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته باشد نماز باطل است و اگر بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته باشد نماز صحیحست برای شهید اوّل علیه الرّحمه و بعضی گفته اند اگر تشهّد خوانده باشد نماز صحیح است .

نوزدهم حفظ نکردن دو رکعت اوّل نماز سبب باطل شدن نماز است و گفته اند فرق میان این شق و شک در دو رکعت اوّل نماز آنست که در شک گاهی کردن دو رکعت و گاهی نکردن آن بخاطر میرسد و هیچ طرف ترجیح ندارد بر دیگری و درین شق مطلق بخاطر نمیرسد که چند رکعت کرده و فرق میان این دو شق کردن خالی از اشکال نیست .

بیستم از جمله منافیات نماز آنست که نماز گذار مشغول الذّمه باشد بحق کسی و قادر باشد باداى آن و اداى آن فورًا واجب باشد مثل ردّ امانت که مطالبهٔ آن کنند و ردّ عین مغصوب و غیره پس تا بری الذّمه نشود نماز او صحیح نباشد و این درصورتیست که وقت نماز وسعت داشته باشد که اگر وقت تنگ شده باشد گفته اند نماز صحیحست اگرچه با تنگی وقت نیز گفته اند که احتمال منافات دارد

بیست و یکم از جملهٔ منافیات بالغ شدن است در اثنای نماز و مراد از بالغ شدن در اینجا آنست که بسن بلوغ برسد یعنی اگر مرد باشد پانزده سال او تمام شود و اگر زن باشد نه سال و بلوغ را روییدن

موی ظهار نیز گفته اند امّا در اینجا بسیار بعید است و مراد از بلوغ جنب شدن نیست از برای آنکه آن حدث است پس هرگاه در اثنای نماز بالغ شود نماز باطل گردد و باید که نماز را اعاده کند بنیّت وجوب

فصل دوّم در بیان خللی که عمدًا اگر واقع شود نماز باطل گردد نه سهوًا و اینها نیز از جملهٔ منافیات نماز اند و بیان اینها درین جدول شده و حکم اختیار و اضطرار و غیره نیز بمناسبت مقام بیان میشود

اوّل گذاشتن یکی از دستها بر آن دیگری یعنی بطریق سنّیان دست بسته نماز کردن و این را تکفیر گویند و بعضی گفته اند تکفیر دست راست را بر دست چپ گذاشتن است و بعضی دیگر گفته اند که فرقی نیست خواه دست راست را بر چپ گذارند یا عکس و خواه دستها را بالای ناف گذارند یا بزیر ناف	اگر عمدًا چنین کند	اگر از روی فراموشی باشد	اگر اختیارًا چنین کند	اگر بسبب اضطرار چنین کند
	نماز باطل گردد خواه داند که دست بستن مبطل نماز است و خواه نداند	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه وقت بیرون رفته باشد	اگر عمدًا باشد نماز باطل گردد و اگر با سهو باشد نماز صحیح است	نماز صحیح است هرگاه از برای تقیّه دست بسته نماز کند
دوّم سخن گفتن در نماز بدو حرف یا زیاده بر آن هرگاه که قرآن و دعا و ردّ سلام نباشد و گفته اند اگر یک حرف بگویند که افادهٔ معنی تمام کند حکم	اگر عمدًا سخن گوید	اگر از روی فراموشی باشد	اگر اختیارًا باشد	اگر مضطر باشد
	نماز باطل گردد مگر آنکه	نماز صحیح است هرچند که غیر	اگر با عمد باشد نماز باطلست	نماز باطل گردد امّا گناهی بر او

سخن گفتن دارد مثل ق یعنی نگه دار دین فعل امر است از وقی یقی وع که امر است از وعی یعی و مانند آن .	دعا یا قرآن یا رد سلام باشد	قرآن و دعا و رد سلام باشد	و با سهو صحیح چنانکه مذکور شد	نباشد برای مجتهد الزمانی

سوم	اگر عمداً باشد	اگر از روی فراموشی باشد	اگر از روی اختیار باشد	اگر مضطر باشد
خوردن چیزی یا آشامیدن آب وغیره نماز را باطل کند مگر در نماز وتر هرگاه کسی تشنه باشد و خواهد که روزه بگیرد در تشهد که اگر نماز را تمام کند صبح طلوع کند جایز است که آب بیاشامد و نماز را تمام کند و بعضی بسبب خوردن و آشامیدن نماز را باطل نمیدانند مگر منافی دیگر بعمل آید	نماز باطل گردد برای شهید علیه الرحمه و جمعی از علماء	نماز صحیح است مگر منافی دیگر بعمل آید که عمداً و سهواً مبطل باشد مثل فعل کثیر وغیره	نماز باطل است هرگاه با عمد باشد و اگر با سهو باشد صحیح است	نماز صحیح است اگر در نماز وتر باشد و اضطرار در غیر نماز وتر حکمش ظاهر نیست

چهارم	اگر عمداً واقع شود	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر با اختیار باشد	اگر مضطر باشد
بقهقهه خندیدن در نماز و گفته اند خندهٔ بقهقهه آنست که با آن آوازی باشد و اما تبسم نماز را باطل نکند و آن خنده ایست که با آن آوازی نباشد اگرچه تبسم کردن در نماز مکروه است اما مبطل نیست .	نماز باطل گردد و تبسم عمداً نماز را باطل نکند اما مکروه است	نماز صحیح است هرچند بقهقهه خندیده باشد	نماز باطل است اگر عمداً واقع شود و اگر با سهو واقع شود نماز صحیح است	یعنی خنده بروجهی سر زند که محافظت خود نتواند نمود نماز باطل گردد برای شهید ثانی

پنجم	اگر عمداً گریه کند	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر اختیاری باشد	اگر اضطراراً باشد
گریه کردن از برای امور دنیا مثل آنکه گریه کند از برای میتی یا تلف شدن مالی و مانند آن و اما گریه از برای امور آخرت مثل ذکر بهشت یا دوزخ یا ترس خدای تعالی از افضل اعمالست بلکه سنت است بتکلف خود را بگریه داشتن اما باید که مشتمل بدو حرف یا زیاده بر آن نباشد	نماز باطل گردد هرگاه گریه از برای امور دنیا باشد	نماز صحیح است اگرچه گریه از برای امور دنیا باشد	نماز باطل است اگر عامد باشد و اگر با فراموشی باشد نماز صحیح است .	یعنی گریه از برای امور دنیا بروجهی سر زند که محافظت خود نتواند نمود باطل گردد برای شهید ثانی

ششم	اگر عمداً ترک کند	اگر سهواً ترک کند	اگر جاهل باشد بحکم شرعی	اگر حکم وضعی را نداند
ترک واجبی از واجبات نماز خواه آن واجب رکن باشد و خواه غیر رکن و احکام ترک رکن و سایر واجبات نماز از روی فراموشی در جدولهای بعد از این بتفصیل بیان خواهد شد	نماز باطل گردد خواه رکن باشد و خواه واجب غیر رکن	نماز صحیح است اگر ترک رکنی از ارکان نماز نکرده باشد	نماز باطل است اگر عمداً ترک کند خواه رکن باشد و خواه غیر رکن غیر جهر و اخفات	نماز باطل گردد اگر عمداً ترک کند خواه رکن باشد خواه غیر رکن غیر جهر و اخفات

هفتم	اگر عمداً زیاد کند	اگر سهواً زیاد کند	اگر جاهل بحکم شرعی باشد	اگر جاهل بحکم وضعی باشد
زیاد کردن واجبی از واجبات خواه رکن باشد و خواه غیر رکن و گفته اند اگر طمأنینهٔ بعد از سر برداشتن از رکوع یا طمأنینهٔ بعد از سر برداشتن از سجدهٔ اول را زیاد کند و بحدی نرسد که از نماز گذار بودن بیرون رود نماز باطل نگردد بقول شهید ثانی رحمه الله	نماز باطل گردد خواه رکن باشد و خواه واجب غیر رکن	نماز صحیح است اگر زیادتی رکن واقع نشده باشد	نماز باطل است اگر عمداً زیاد کند و اگر سهواً زیاد کند نماز باطلست اگر رکن باشد	نماز باطل است با عمد و با سهو نماز باطل است اگر زیادتی رکن بعمل آید

هشتم	اگر عمداً واقع شود	اگر سهواً واقع شود	اگر اختیاراً واقع شود	اگر مضطر باشد
انحراف از قبله و گفته اند اگر انحراف بتمام بدن واقع شود نماز باطل است و اگر برو واقع شود تنها و بحد استدبار نرسد نماز باطل نگردد اما مکروهست پس پشت بقبله کردن سهواً مبطل است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد و یمین و یسار اگر وقت باقی باشد و انحراف سهواً مبطل نیست خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد اگر بتمام بدن باشد نه تنها برو	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	اگر با عمد باشد نماز باطل گردد و اگر با سهو باشد نماز صحیح است	نماز صحیح است هرگاه در جنگ باشد و نماز کند چنانکه در استدبار گذشت

نهم	اگر عمداً چنین کند	اگر سهواً چنین کند	اگر جاهل بحکم شرعی باشد	اگر جاهل بحکم وضعی باشد
عقص شعر یعنی مرد موی سر خود را در میان سر جمع کند و گره زند و نماز کند اگر زن چنین کند و نماز کند نماز او باطل نگردد و بعضی گفته اند نماز کردن مردان با چنین حالی حرام است اما نماز باطل نگردد و بعضی مکروه میدانند و بعضی قایل بکراهت شدیده شده اند	نماز باطل گردد برای شهید اول علیه الرحمه	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل است اگر با عمد باشد و با سهو نماز صحیح است	نماز باطل است اگر با عمد باشد و با سهو نماز صحیح است

دهم	اگر عمداً چنین کند	اگر سهواً چنین کند	اگر جاهل بحکم شرعی باشد	اگر جاهل بحکم وضعی باشد
تطبیق و آن چنانست که دستها را برهم نهند و در حال رکوع آنها را در میان رانها گذارند و درین نیز خلاف کرده اند بعضی نماز را باطل میدانند و بعضی حرام دانند اما نماز را باطل نمیدانند و بعضی مکروه میدانند	نماز باطل گردد برای شهید اول علیه الرحمه	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد هرگاه عامد باشد و با سهو نماز صحیح است	نماز باطل گردد هرگاه با عمد باشد و با سهو نماز صحیح است

یازدهم	اگر عمداً با برهنه بودن عورت نماز کند	اگر از روی فراموشی با برهنه بودن عورت نماز کند	اگر داند که عورت برهنه است و نماز کند	اگر نداند که عورت برهنه است و نماز کند
کشف عورت در نماز یعنی برهنه بودن عورت در نماز اگر عمداً باشد نماز باطل است بشرط آنکه مضطر نباشد و اگر سهواً باشد در آن سه قولست یکی آنست که اگر وقت باقی باشد نماز باطل است و اگر وقت بیرون رفته باشد صحیح است خواه در تمام نماز برهنه باشد و خواه در بعضی از آن و قول دیگر آنست که اگر در تمام نماز برهنه باشد نماز باطل است و اگر در بعضی از نماز برهنه باشد صحیح خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد و بقول دیگر نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد و خواه در تمام نماز برهنه باشد و خواه در بعضی از آن و این قول مشهور است و جهل نیز حکم سهو دارد .	نماز باطل است خواه در تمام نماز باشد و خواه در بعضی از آن و خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد مگر مضطر باشد	نماز صحیح است خواه در تمام نماز باشد و خواه در بعضی از آن و خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد بنا بر قول مشهور	هرچند جاهل بحکم باشد نماز باطل است اگر مضطر نباشد و اگر مضطر باشد نماز صحیح است مثل آنکه ساتری نداشته باشد	اگر بسبب ندانستن فراموشی باشد حکم آن بیان شد و اگر در اصل نداند نماز صحیح است چنانکه در سهو گذشت .

و چون زیادتی و کمی رکنی از ارکان نماز عمداً و سهواً مجملاً بیان شد که مبطل نماز است درین جدول زیادتی و کمی ارکان سهواً بیان میشود و کمی رکن سهواً در صورتی نماز را باطل میکند که از محل آن گذشته باشد که تدارک آن نتوان نمود و زیادتی رکن سهواً در بعض صورتها مبطل نماز نیست و بیان این احکام در این جدول شده والله المستعان

جدول در بیان ترک رکنی از ارکان نماز بسبب فراموشی	در بیان فوت محل هر یک از ارکان و حکم صحت و بطلان نماز	جدول در بیان احکام زیادتی رکنی از ارکان نماز بسبب فراموشی
اگر کسی نیت نماز را فراموش کند یعنی در اصل در خاطر او نباشد که نماز میکند و از برای خدا میکند نه آنکه بلفظ نگفته و این معانی در خاطر او باشد از برای آنکه نیت بودن همان معانیست در خاطر چنانکه مذکور شد	و چون تکبیر احرام بگوید بخاطر او آید نماز باطل گردد خواه نیت را رکن دانند و خواه شرط از برای آنکه ترک شرط نماز را باطل کند هر چند سهواً باشد .	و زیادتی نیت بنا بر مذهب جماعتی که از ارکان میدانند باید که نماز را باطل کند از برای آنکه زیادتی رکن نماز را باطل کند هر چند سهواً باشد و بنا بر مذهب جماعتی که شرط میدانند ممکن است که نماز باطل نگردد و صحیح برای شهید ثانی آنست که زیادتی نیت اگر تلفظ بآن نکرده باشند مبطل نماز نباشد خواه رکن باشد و خواه شرط
اگر کسی قیام یعنی ایستادن را فراموش کند در قیامی که رکن است خلاف کرده اند بعضی گفته اند که قیام مطلقا رکن است و بعضی گفته اند آنچه از قیام مشتمل رکنی باشد رکن است پس قیام در حال نیت یا قیام در حال تکبیر احرام رکن است و شهید اول علیه الرحمه قیام متصل برکوع را رکن میداند پس قیامی که با آن رکوعی نباشد رکن نخواهد بود .	پس اگر قیام در حال نیت را فراموش کند نماز باطل گردد موافق مذهب بعضی و اگر قیام در حال تکبیر را فراموش کند نماز باطل گردد موافق مذهب مشهور و اگر قیام متصل برکوع را فراموش کند نماز باطل گردد برای شهید اول و جمعی از علما	و زیادتی قیامی که با آن رکن دیگر ضم نگردد نماز را باطل نکند پس اگر کسی بایستد در جائی که باید بنشیند از روی فراموشی و برکوع نرود نماز باطل نگردد و اگر رکن دیگر با آن ضم شود زیادتی آن سهواً نیز نماز را باطل کند مثل آنکه بایستد در جائی که باید نشست و برکوع نیز برود نماز باطل گردد اینست تحقیق رکنیت قیام والله اعلم .

اگر کسی تکبیر احرام را فراموش کند یعنی بعد از نیت بی فاصله تکبیر بقصد تکبیر احرام نگوید	هر وقت که بخاطر آید نماز باطل گردد هر چند که برکوع نرفته باشد و گفته اند سبب باطل شدن نماز فوت مقارنت با نیت است .	و اگر کسی دو تکبیر احرام بگوید نماز باطل گردد هر چند سهواً باشد و گفته اند اگر هر دو را بقصد تکبیر احرام بگوید نماز باطل گردد نه بقصد مطلق ذکر که اگر ثانی را بقصد مطلق ذکر بگوید نماز باطل نگردد برای شهید ثانی
و اگر کسی رکوع را فراموش کند و گفته اند که نیت رکوع وقتی حاصل شود که آن قدر خم شوند که دستها بزانوها برسد پس اگر شروع در خم شدن نمایند و هنوز بآن حد نرسیده باشند رکن حاصل نشده باشد و ذکر رکوع و قرار گرفتن بقدر ذکر و سر برداشتن از رکوع را واجب میدانند و داخل در حقیقت رکوع نمیدانند بنا بر قول مشهور .	و چون پیشانی را بر زمین گذارد بخاطر او آید نماز باطل گردد موافق مشهور و بعضی گفته اند که اگر در دو رکعت آخر باشد هر چند هر دو سجده را هم کرده باشد برخیزد و رکوع را بجا آورد و آن سجده ها را حساب نکند و نماز را تمام کند	و زیادتی رکوع نماز را باطل کند هر چند سهواً باشد پس اگر در یک رکعت دو رکوع بجا آورد نماز باطل گردد اجماعاً مگر در صورتی که شک کند در رکوع در وقتی که ایستاده باشد باید که برکوع رود و چون برکوع رود و هنوز سر بر نداشته اگر بیادش آید که پیشتر رکوع کرده بود بعضی گفته اند که سر از رکوع بر نداشته بسجود رود و نماز صحیح است اما مشهور بطلان نماز است
و اگر کسی هر دو سجده را فراموش کند و گفته اند که هر دو سجده باهم رکن اند و این قول مشهور است پس اگر کسی یک سجده را سهواً ترک کند یا یک سجده زیاده سهواً بجا آورد نماز باطل نگردد و برین قول بحث کرده اند که هر گاه رکنیت از مجموع من حیث المجموع حاصل شود میباید که اگر یک سجده را سهواً ترک کنند مجموع من حیث المجموع بعمل نیامده باشد و شهید اول گفته که رکن مسمی سجود است و بر آن نیز بحث می آید و این رساله گنجایش بیان این امور ندارد والله اعلم	و چون در رکعت بعد از آن برکوع رود بخاطرش آید نماز باطل گردد موافق مشهور اگر یک سجده را فراموش کرده باشد و بعد از رکوع بخاطرش آید نماز باطل نمیشود و حکم آن بعد از این ان شاء الله بیان خواهد شد	و زیادتی دو سجده در یک رکعت سبب باطل شدن نماز گردد هر چند سهواً باشد پس اگر کسی در یک رکعت چهار سجود بجا آورد نماز باطل گردد اجماعاً و اما در نماز جماعت چنین نیست پس اگر کسی از روی فراموشی پیشتر از پیش نماز برکوع یا سجود رود برمیگردد و بار دیگر با پیش نماز برکوع یا سجود میرود و همچنین اگر بگمان آنکه پیش نماز سر برداشته سر بردارد از رکوع یا سجود باید که برگردد و با پیش نماز سر بردارد و مشهور آنست که درین صورت بسبب زیادتی رکن نماز باطل نگردد

قسم دوم خلل آنست که نماز را باطل نکند فصل سوم در بیان خللی که بسبب آن چیزی لازم نگردد یعنی نه تلافی لازم شود و نه سجده سهو و نماز صحیح است و آن در صورتیست که واجبی از واجبات نماز غیر رکن را فراموش کند و بعد از گذشتن از محل آن بخاطر آید و بیان اقسام آن درین جدول شده بعون الله تعالی

در بیان اجزای نماز	در بیان فوت محل هر یک از اجزا	در بیان احکام	در بیان صحت و بطلان نماز
اگر کسی خواندن حمد و سوره هر دو را فراموش کند	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید یعنی آنقدر خم شده باشد که دستها بزانوها رسد	نه تلافی قرائت باید نمود و نه سجده سهو موافق مشهور	و نماز صحیح است
اگر کسی خواندن حمد را تنها فراموش کند و سوره خوانده باشد	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز نباید کرد بنا بر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر کسی در دو رکعت اول نماز خواندن سوره را فراموش کند و حمد تنها بخواند	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز نباید کرد بنا بر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر کسی خواندن بعضی از حمد یا بعضی از سوره را فراموش کند خواه آیتی باشد یا زیاده بر آن یا کمتر از آن	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنا بر قول مشهور	و نماز صحیح است

اگر صفتی از صفات قرائت را فراموش کند مثل ترتیب یا اخراج حروف از مخارج یا سایر واجبات آن را	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنا بر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر بلند خواندن را فراموش کند در جائی که بلند باید خواند و آهسته بخواند یا آهسته خواندن را فراموش کند و بلند بخواند .	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنا بر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر ذکر رکوع یا بعربی گفتن آن یا قرار گرفتن بقدر ذکر را فراموش کند اما باید که بحد رکوع خم شده باشد	و چون سر از رکوع بردارد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنا بر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر سر برداشتن از رکوع یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع را فراموش کند	و چون بحد سجود رسد بخاطرش آید و حد سجود آنست که پیشانی بزمین رسد	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنا بر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر ذکر سجده اول یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا سجده کردن بر بعض اعضا غیر جبهه را فراموش کند	و چون سر از سجده اول بردارد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنا بر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر نشستن بعد از سجده اول یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجده اول را فراموش کند	و چون بحد سجده دوم رسد بخاطرش آید	تلافی نباید کرد و سجده سهو نیز لازم نگردد بنا بر قول مشهور	و نماز صحیح است

اگر ذکر سجدهٔ دوّم یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا سجده کردن بر بعض اعضا غیر جبهه را فراموش کند	و چون سر از سجده دوّم بردارد بخاطرش آید	نه تلافی باید نمود و نه سجدهٔ سهو بنا بر قول مشهور و بعضی از برای هر زیادتی و کمی که غیر مبطل باشد سجدهٔ سهو لازم میدانند	و نماز صحیح است
اگر واجبی از واجبات نماز را بسبب فراموشی زیادتی بفعل آورد امّا باید که غیر رکن باشد	و زیادتی واجب المحلّی نمیباشد که بعد از فوت محلّ یا پیش از آن بخاطر آید	سجدهٔ سهو لازم نگردد مگر در چند صورت که بعد ازین مذکور خواهد شد	و نماز صحیح است

وسجدهٔ سهو از برای سهوی که در سجدهٔ سهو یا نماز احتیاط واقع شود لازم نگردد یعنی اگر در سجدهٔ سهو یا نماز احتیاط چیزیرا فراموش کند که اگر در نماز اصل آن را فراموش کند موجب سجده گردد در اینجا موجب سجدهٔ سهو نگردد و همچنین نماز احتیاط

واگر کسی شک کند که آیا در نماز از او سهوی حاصل شده یا نشده یا شک کند که آیا از او شکی حاصل شده یا نشده چیزی بر او لازم نگردد

واگر کسی سهو بسیار کند بحیثیتی که در عرف او را کثیر السهو گویند حکم سهو از و ساقط گردد یعنی سجدهٔ سهو و نماز احتیاط بر او لازم نگردد و بعضی گفته اند کثیر السهو آنست که در سه نماز پی در پی سهو کند یا در یک نماز سه سهو از او سر زند

واگر پیش نماز در چیزی شک کند و مأموم آن را حفظ کرده باشد آن شک اعتبار ندارد و حکم شک ساقط گردد و همچنین اگر مأموم شک کند و امام آن را حفظ کرده باشد آن شک اعتبار ندارد .

واگر کسی شک کند در چیزی و ظنّ او بر طرفی غالب گردد عمل بظنّ نماید و حکم شک ساقط گردد

فصل چهارم از قسم دوّم در بیان خللی که اگر در نماز واقع شود تلافی آن باید نمود بدون سجدهٔ سهو و آن در صورتیست که واجبی از واجبات نماز را فراموش کند و پیش از آنکه از محلّ آن بگذرد بخاطر آید باید که آنرا تلافی کنند و سجدهٔ سهو لازم نگردد و نماز صحیح باشد و بیان آنها درین جدول شده بعون الله تعالی

در بیان فراموش کردن هر یک از واجبات نماز	در بیان محلّ هر یک از واجبات نماز	در بیان احکام	در بیان صحت و بطلان نماز
اگر کسی خواندن حمد و سوره را فراموش کند	و هنوز بحدّ رکوع نرسیده بخاطرش آید یعنی آن قدر خم نشده باشد که دستها بزانو برسد هر چند که شروع در خم شدن کرده باشد	باید که برگردد و قرائت کند و بعد از آن برکوع رود	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی خواندن حمد را تنهائی فراموش کند و سوره را خوانده باشد	و هنوز بحدّ رکوع نرسیده بخاطرش آید و حدّ رکوع مذکور شد	باید که برگردد و حمد را بخواند و بار دیگر سوره را بعد از حمد بخواند اگر خواهد همان سوره را بخواند و اگر خواهد سورهٔ دیگر بخواند	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد

اگر کسی بعضی از حمد یا سوره را فراموش کند اگرچه یک آیه باشد یا کلمه یا تشدید یا صفتی از صفات قرائت را فراموش کند	و هنوز بحد رکوع نرسیده بخاطرش آید هرچند که از برای رکوع شروع در خم شدن کرده باشد	برگردد و آنچه را ترک کرده بجا آورد و مابعد آن را تا ترتیب بعمل آید	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر بلند خواندن قرائت را فراموش کند در جائی که بلند باید خواند و آهسته بخواند یا آهسته خواندن را فراموش کند و بلند بخواند	و هنوز بحد رکوع نرسیده بخاطرش آید و حد رکوع بیان شد	محل خلافست بعضی برانند که تدارک باید نمود و بعضی برآنند که تدارک نباید نمود هرچند که پیش از خم شدن از برای رکوع بخاطرش آید و اظهر برأی مجتهد الزمانی قول آخر است	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
و اگر کسی ذکر رکوع را فراموش کند یعنی بقدر رکوع خم شده باشد و ذکر آنرا فراموش کند	و هنوز از حد رکوع بیرون نرفته بخاطرش آید	باید که ذکر را تدارک کند و بعد از آن سر از رکوع بردارد	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
و اگر کسی رکوع را فراموش کند و مراد از رکوع خم شدن است بحدی که دستها بر زانوها برسد	و هنوز بحد سجود نرسیده بخاطرش آید یعنی پیشانی را بزمین نگذاشته بیادش آید	باید که برخیزد و راست بایستد و بعد از آن برکوع رود و با آن خم شدنی که از برای سجود کرده اکتفا نکند هرچند که از خم شدن بحد رکوع رسیده باشد	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد

و اگر سر برداشتن از رکوع یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع را فراموش کند	و هنوز بحد سجود نرسیده بخاطرش آید هرچند که از برای سجود خم شده باشد	باید که برگردد و فراموش شده را تدارک کند و اگر قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع را فراموش کرده باشد برگردد و راست بایستد و اندک توقف کند و بسجود رود	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر ذکر سجدهٔ اول یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا سجده کردن بر بعض اعضاء غیر جبهه را فراموش کند	و پیش از سر برداشتن از سجدهٔ اول بخاطرش آید	باید که آن چیز را که فراموش کرده تدارک نماید خواه ذکر باشد خواه سجده بر بعض اعضا و غیره	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجدهٔ اول را فراموش کند	و پیش از آنکه سر از برای سجدهٔ دوم بزمین گذارد بخاطرش آید	باید که بنشیند و اندکی قرار گیرد و بعد از آن بسجدهٔ دوم رود	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی ذکر سجدهٔ دوم یا درنگ کردن بقدر ذکر یا گذاشتن بعضی اعضا بر زمین غیر جبهه را فراموش کند	و پیش از سر برداشتن از سجدهٔ دوم بخاطرش آید	آن چیز را که فراموش کرده باید که تلافی نماید خواه ذکر باشد و خواه گذاشتن بعض از اعضا بر زمین و خواه غیر آن	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد

اگر کسی یک سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	برگردد و سجدهٔ فراموش شده را بجا آورد و قرائت را از سر گیرد اگر کرده باشد و اگر بعد از سجدهٔ اول نشسته باشد و قرار گرفته بقصد واجب بعمل آورده باشد بار دیگر نشستن و قرار گرفتن در کار نیست	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد بنا بر مشهور
اگر کسی یک سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	برگردد و آن سجدهٔ فراموش شده را بجا آورد و اگر بعد از سجدهٔ اول در اصل نشسته باشد و قرار نگرفته باشد باید که اول بنشیند و اندک قرار گیرد و بعد از آن بسجود رود	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد بنا بر قول مشهور
اگر کسی یک سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	و بعد از آن سجده که بجا آورده نشسته باشد و قرار گرفته باشد اما نه بقصد واجب بلکه بقصد جلسهٔ استراحت در این صورت خلاف است رأی شهید آنست که همان نشستن و قرار گرفتن کافیست	نماز صحیح برأی شهید اول وجمعی از علما و سجدهٔ سهو لازم نگردد

اگر کسی هر دو سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	باید که برگردد و هر دو سجده را تدارک کند و درین صورت نیز میان علما خلاف است بعضی قایل شده اند که نماز باطل میگردد	اما مشهور آنست که نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی یک سجدهٔ رکعت آخر نماز را فراموش کند	و بعد از تشهد و پیش از سلام گفتن بخاطرش آید	باید که برگردد و آن سجده را بجا آورد و تشهد را بار دیگر بخواند	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی دو سجدهٔ رکعت آخر نماز را فراموش کند	و بعد از تشهد و پیش از سلام گفتن بخاطرش آید	باید که برگردد و هر دو سجده را بجا آورد و تشهد را بار دیگر بخواند	نماز صحیح و سجدهٔ سهو لازم نگردد
اگر کسی یک سجده را فراموش کند و در یک سجده شک داشته باشد	و بعد از ایستادن و پیش از رکوع آن یکی بخاطرش آید و در آن دیگری شک کند	این صورت محل اشکالست رأی شهید ثانی و بعضی از علما آنست که هر دو سجده را بجا آورد و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که همان سجدهٔ فراموش شده را بجا آورد	نماز صحیح است و برای مجتهد الزمانی اگر اعاده نماز نیز بکند شاید احوط باشد
اگر کسی تشهد اول نماز را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رکوع بخاطرش آید	باید که بنشیند و تشهد را بجا آورد و برخیزد و قرائت را از سر گیرد اگر قرائت کرده باشد و اگر نکرده باشد قرائت کند	نماز صحیح است و سجدهٔ سهو لازم نگردد

اگر کسی تشهد آخر نماز را فراموش کند	و پیش از سلام بخاطرش آید	برگردد و تشهد را بجا آورد و بنا بر مذهب جماعتی که سلام را سنت میدانند رجوع کند بتشهد مادام که از نماز منصرف نشده باشد	و نماز صحیح است

فصل پنجم در بیان خللی که هم تلافی باید نمود و هم سجدهٔ سهو و بیان آن در این جدول شده

در بیان فراموش کردن افعال نماز	در بیان گذشتن از محل هر یک از افعال	در بیان احکام از تلافی و سجدهٔ سهو	در بیان صحت و بطلان نماز
اگر کسی یک سجده از نماز فراموش کند	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	باید که بعد از نماز تلافی آن سجده نماید و سجدهٔ سهو نیز بجا آورد موافق مذهب مشهور	و نماز صحیح است
و اگر کسی یک سجدهٔ رکعت آخر نماز را فراموش کند	و بعد از آنکه سلام گوید بخاطرش آید	باید که سجدهٔ فراموش شده را تلافی نماید	و نماز صحیح است
اگر کسی تشهد اول نماز را فراموش کند	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	باید که بعد از نماز تلافی آن تشهد نماید و سجدهٔ سهو نیز بجا آورد موافق مذهب مشهور	و نماز صحیح است

و اگر کسی تشهد آخر نماز را فراموش کند	و بعد از آنکه سلام گوید بخاطرش آید	باید که تشهد را بجا آورد و سجدهٔ سهو واجب گردد برأی بعضی از علما و مجتهد الزمانی گفته اند که سجدهٔ سهو احوط است اگرچه دلیلی ندارد	و نماز صحیح است
اگر کسی صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله یا آل او را در تشهد فراموش کند	و بعد از رکوع بخاطرش آید اگر از تشهد اول باشد و بعد از سلام بخاطرش آید اگر از تشهد آخر باشد	باید که بعد از نماز صلوات فراموش شده را بجا آورد و سجدهٔ سهو نیز بجا آورد موافق رأی شهید اول علیه الرحمه و بعضی قضای آنرا واجب نمیدانند	و نماز صحیح است

فصل ششم در بیان خللی که باعث سجدهٔ سهو گردد بدون تلافی و بیان آن درین جدول شده و احوط برأی شهید اول و اکثر علما آنست که سجده سهو از برای هر زیادتی و کمی که در نماز واقع شود بجا باید آورد اما باید که آن زیادتی و کمی نماز را باطل نکند

اول اگر کسی از روی فراموشی سلام را در غیر موقع بجا آورد باید که بعد از نماز سجدهٔ سهو بجا آورد و براین نقل اجماع کرده اند مگر محمد بن یعقوب کلینی که در این صورت قایل بوجوب سجدهٔ سهو نشده است و باقی علما واجب میدانند .

دوم اگر کسی از راه فراموشی در اثنای نماز سخنی گوید که مشتمل بدو حرف باشد یا یک حرف که افادهٔ معنی تمام کند مثل ق و غیره که غیر قرآن و دعا و ذکر و رد سلام باشد باید که بعد از نماز سجدهٔ سهو بجا آورد و درین صورت خلافی میان علما ظاهر نمیشود

سوم اگر کسی از روی فراموشی بایستد در جائی که باید نشست یا بنشیند در جائی که باید ایستاد

باید که بعد از سلام نماز سجدهٔ سهو بجا آورد موافق رأی شهید واکثر علما مگر آنکه خواندن تشهّد را
فراموش کند و برخیزد بقرائت و در آن اثنا بخاطرش آید که تشهّد نخوانده برمیگردد و تشهّد
میخواند باز برمیخیزد بقرائت اگرچه درین صورت هم قیام در موضع قعود است امّا سجدهٔ سهو لازم
نگردد چنانکه مذکور شد

چهارم اگر کسی شک کند میان رکعت چهارم و پنجم در نماز چهار رکعتی باید که بعد از سلام
نماز سجدهٔ سهو بجا آورد و مفصّل احکام این در مبحث شک در میان رکعات نماز مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی و تقدّس

در بیان کیفیت تلافی اجزای فراموش شدهٔ نماز و احکام آن از سجده و صلوات و تشهّد و غیره

و اولی آنست که واجب باشد که اجزای فراموش شدهٔ نماز را بعد از نماز بی فاصله بجا آورند
برای شهید اوّل علیه الرّحمه و شرطست در آنها آنچه در نماز شرطست از طهارت و پوشانیدن
عورت و روبقبله بودن وغیره و اگر چند فعل را در نماز فراموش کرده باشد باید که بعد از نماز
اوّل فعلهای فراموش شده را بترتیبی که فراموش کرده بجا آورد و بعد از آن از برای
هریک سجدهٔ سهو بترتیب بعمل آورد اگر بحدّ کثیر السهو نرسیده باشد زیراکه سجدهٔ سهو از کثیر
السهو ساقط میشود

و اگر کسی یک سجده را در نماز فراموش کرده باشد و خواهد که بعد از نماز تدارک
آن کند باید که نیّت چنین کند

که سجدهٔ فراموش شدهٔ نماز ظهر را مثلاً بجا می آورم ادا واجب تقرّب بخدا و نیّت قضا کند
اگر وقت بیرون رفته باشد یا در نماز قضا آن را فراموش کرده باشد و مقارن نیّت پیشانی

و سایر اعضا را بزمین گذارد موافق رأی شهید اوّل علیه الرّحمه و اگر در نمازی که از میّت اجاره
کرده باشد یا در نمازی که از برای پدر میکند چنین سهوی واقع شود نیّت چنین کند که بنیابت فلان
میّت سجدهٔ فراموش شده را بجا میآورم بجهت آنکه واجب است بر و باصالة و بر من بنیابت ادا
تقرّب بخدا و باید که سجده بر جبهه و شش عضو دیگر بجا آورد و ذکر سجود و قرار گرفتن بقدر ذکر و
سایر واجبات سجود را بجا آورد و باید که محلّ سجده پاک باشد و از جنسی باشد که سجده کردن بر آن
جایز باشد چنانکه در سجدهٔ نماز مذکور شده است .

و اگر تشهّد را فراموش کرده باشد نیّت چنین کند که تشهّد فراموش شدهٔ فلان نماز را
بجا می آورم ادا یا

قضا واجب تقرّب بخدا و بعد از آن تشهّد را بخواند و سایر واجبات تشهّد را چنانکه مذکور شد
بجا آورد و اگر صلوات بر پیغمبر را فراموش کرده باشد مثل تشهّد است و سایر احکام تشهّد و صلوات
مثل احکام سجدهٔ فراموش شدهٔ نماز است

در بیان کیفیت سجدهٔ سهو و احکام آن و سجدهٔ سهو دو سجده اند که بعد از اجزای فراموش
شدهٔ نماز یا بعد

از سلام نماز بجا باید آورد و واجب است در آن دو سجده آنچه واجب است در سجدهٔ نماز از
سجده کردن بر هفت عضو و آنکه مسجد پیشانی پاک باشد و از جنسی باشد که سجده کردن بر آن
صحیح باشد و قرار گرفتن بقدر ذکر وغیره و امّا ذکر این دو سجده غیر ذکر سجدهٔ نماز است و شرطست
در این دو سجده با طهارت بودن و پوشانیدن عورت و روبقبله کردن وغیره و اگر بعد از
نماز و پیش از سجدهٔ سهو از کسی حدثی صادر شود واجب است که طهارت کند و بعد از آن سجده

سهو را بجا آورد و متعدد میشود سجدهٔ سهو هرگاه که اسباب متعدد باشند هرچند در یک نماز باشد مثل آنکه کسی در یک رکعت یک سجده را فراموش کند و در رکعت دیگر تشهد را فراموش کند پس بعد از نماز از برای هریک سجدهٔ سهوی علیحده باید کرد مگر آنکه بحد کثیر السهو رسد و بعضی از علماء گفته اند که در نیت سجدهٔ سهو قصد ادا یا قضا کردن در کار نیست و اجود برای شهید آنست که قصد ادا یا قضا باید نمود و در کتاب بیان نیت ادا یا قضا را واجب میداند و بعضی از علما گفته اند که در نمازی که از برای میت میکنند خواه باجاره باشد و خواه پسر بزرگتر قضای نماز فوت شدهٔ پدر کند اگر سهوی واقع شود که باعث سجدهٔ سهو باشد باید که در نیت ذکر میت بکنند و بیشتر بر آنند که ذکر میت در سجدهٔ سهو در کار نیست

در بیان نیت سجدهٔ سهو

و نیت چنین کند که دو سجدهٔ سهو بجا می آورم از برای سهوی که نماز ظهر کرده ام مثلاً از برای آنکه واجب است تقرب بخدا و مقارن نیت پیشانی را بر زمین گذارد و گفته اند که تعیین سبب سجدهٔ سهو در کار نیست هرگاه سبب یک چیز باشد و اگر چند چیز باشد واجب است یعنی اگر کسی تشهد را مثلاً تنهائی فراموش کرده باشد واجب نیست که در نیت سجدهٔ سهو قصد کند که سجدهٔ سهو را از برای تشهد فراموش شده بجا می آورم و اگر تشهد و یک سجده باشد مثلاً باید که هر سجدهٔ سهوی که بجا می آورد قصد کند که از برای کدام بجا می آورم و شهید در کتاب ذکری تعیین سبب را مطلقا واجب میداند

در بیان ذکر سجده سهو

و در هر مرتبه که سر بسجده گذارد این ذکر را بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و اگر خواهد این ذکر را بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ و هریک از این دو ذکر را که در دو سجدهٔ سهو بگوید کافیست و طریق دیگر نیز نقل کرده اند .

در بیان تشهد سجدهٔ سهو

و چون سر از سجدهٔ دوم بردارد بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و در تشهد خلاف کرده اند که آیا البته باید که تشهد صغیر بخوانند چنانکه مذکور شد یا اگر تشهد کبیر که در نماز میخوانند نیز بخوانند کافیست و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که اکتفا بتشهد صغیر کنند چنانکه مذکور شد و بعد از تشهد سلام بجا آورند مثل سلام نماز موافق مشهور و ابن صلاح خلاف کرده میگوید که سلام بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم باید داد

فصل هفتم در بیان خللی که باعث نماز احتیاط گردد و آن شک در عدد رکعتهای نماز است

پس اگر شک در عدد رکعتهای نماز دو رکعتی باشد مانند نماز صبح و جمعه و عید یا در نماز سه رکعتی باشد مانند نماز شام یا در عدد دو رکعت اول از نمازهای چهار رکعتی باشد مشهور آنست که نماز باطل گردد چنانکه مذکور شد و اگر در نماز چهار رکعتی یقین بتحقق دو رکعت اول داشته باشد و در زیادتی شک کند دوازده صورت را از آن که موافق مشهور است در این جدول بیان نمودم چنانکه شهید اول علیه الرحمه ذکر کرده

جدول در بیان شک در عدد رکعتهای نماز	اگر شک پیش از رکوع باشد	اگر در ثنای رکوع باشد	بعد از رکوع و پیش از سجود	در اثنای سجود	بعد از سجود	جدول در بیان احکام از نماز احتیاط و سجدهٔ سهو و صحت و بطلان نماز
اگر کسی شک کند میان دو و سه	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز صحیح است	اگر بعد از کامل کردن سجود باشد بنا را بر سه گذارد و باقیمانده را تمام کند و سلام دهد و بعد از آن یکرکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد
اگر کسی شک کند میان سه و چهار	نماز صحیح است	نماز صحیح است	نماز صحیح است	نماز صحیح است	نماز صحیح است	بنا را بر چهار گذارد و باقی مانده را تمام کند و سلام دهد و بعد از آن یکرکعت ایستاده یا دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا آورد
اگر کسی شک کند میان دو و چهار	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز صحیح است	اگر بعد از دو سجده باشد بنا را بر چهار گذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد
اگر کسی شک کند میان دو و سه و چهار	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز صحیح است	بنا را بر چهار گذارد و اولاً دو رکعت نماز احتیاط را ایستاده بجا آورد و بعد از آن دو رکعت نشسته و بعضی گفته اند که اختیار دارد خواهد نماز ایستاده را مقدم دارد و خواهد ایستاده را مؤخر
اگر کسی شک کند میان دو و پنج	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	یک وجه باطل و دیگر وجه صحیح است	مشهور باطل بودن نماز است و یک احتمال آنست که بنا را بر دو گذارد و دو رکعت دیگر بجا آورد و نماز را اتمام کند و تشهد بخواند و سلام دهد.

اگر کسی شک کند میان سه و پنج	احتمال صحت دارد	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	یک وجه باطل و یکوجه صحیح است	مشهور باطل بودن نماز است و یک احتمال آنست که بنا را بر سه گذارد و یکرکعت دیگر بجا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد که نماز تمام گردد
اگر کسی شک کند میان دو و سه و پنج	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	یک وجه باطل و دیگر وجه صحیح است	مشهور باطل بودن نماز است و یک احتمال اینست که بنا را بر کمتر گذارد و تشهد و تسلیم بجا آورد و نماز را تمام کند
اگر کسی شک کند میان دو و چهار و پنج	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز صحیح است	یک وجه آنست که بنا را بر کمتر گذارد و نماز را تمام کند و وجه دیگر آنست که بنا را بر چهار گذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد و سجدهٔ سهو نیز بجا آورد
اگر شک کند میان دو و سه و چهار و پنج	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز صحیح است	یک وجه آنست که بنا را بر کمتر گذارد و نماز را تمام کند و وجه دیگر آنست که بنا را بر چهار گذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت دیگر نشسته بجا آورد و سجدهٔ سهو نیز بجا آورد
اگر کسی شک کند میان چهار و پنج	نماز صحیح است	نماز باطل است	نماز برای شهید صحیح است	نماز برای شهید صحیح است	نماز صحیح است	اگر پیش از رکوع باشد بنشیند و سلام بجا آورد و نماز را تمام کند و بعد از آن یکرکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد و سجدهٔ سهو نیز بجا آورد و اگر بعد از رکوع یا پیش از تمام کردن سجده ها باشد بعضی نماز را باطل میدانند و اصح برای شهید آنست که نماز را تمام کند و سجدهٔ سهو بجا آورد و اگر بعد از سجود باشد نماز را تمام کند و دو سجدهٔ سهو بجا آورد

تتمه شکیات	اگر شک پیش از رکوع باشد	اگر در اثنای رکوع باشد	بعد از رکوع و پیش از سجود	در اثنای سجود	بعد از سجود	
اگر شک کند میان سه و چهار و پنج	نماز صحیح است	نماز باطل است	نماز صحیح است	نماز باطل است	نماز صحیح است	اگر پیش از رکوع باشد بنشیند و تشهد و تسلیم بجا آورد و نماز را تمام کند و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد و احتیاطاً دو سجدهٔ سهو نیز بکند و اگر بعد از رکوع باشد خواه پیش از سجود یا بعد از آن یک وجه آنست که بنا را بر سه گذارد و نماز را اتمام کند و وجه دیگر آنست که بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد و دو سجدهٔ سهو نیز بجا آورد و این برای شهید اقوی است
اگر شک تعلق گیرد برکعت ششم یا زیادتر	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز باطل است	اکثر شقوق نماز باطل است	مشهور میان علما باطل بودن نماز است و بعضی بر آنند که بنا را بر کمتر نهد و حکم این مثل حکم تعلق شک برکعت پنجم است

پس اگر شخصی شک کند در فعلی و از محل آن فعل گذشته باشد و داخل در فعل دیگر شده باشد آن شک اعتبار ندارد و اگر محل آن فعل باقی باشد آن را بجا میآورد و نماز صحیح است خواه شک در دو رکعت اوّل باشد و خواه دو رکعت آخر و خواه رکن باشد و خواه واجب غیر رکن و چون بعضی از علما گفته اند که هر شکی که در رکعت اوّل واقع شود نماز باطل میشود احوط برای مجتهد الزمانی است که عمل بمقتضای شک کرده اعاده نیز بکند خصوصاً در صورتی که شک تعلق برکن دو رکعت اوّل گرفته باشد و اگر در فعلی شک کند و محل آن باقی باشد و آن را بجا آورد و بعد از آن بخاطرش آید که آن فعل را پیشتر کرده بود اگر آن فعل رکن باشد مانند تکبیر احرام و رکوع و غیره نماز باطل گردد و اگر غیر رکن از واجبات دیگر باشد ضرر ندارد و اگر بعد از گذشتن از محل شک کند و برگردد و آن فعلی را که در آن شک کرده بجا آورد مشهور آنست که نماز باطل گردد و هر شکی که بعد از فارغ شدن از نماز عارض شود اعتبار ندارد خواه در رکعات باشد و خواه در افعال و اگر شک کند که آیا از برای نماز ظهر مثلاً نیت ظهر کردم یا نیت عصر جمعی گفته اند که اعادهٔ نماز باید نمود و اظهر برأی مجتهد الزمانی آنست که شکش اعتبار ندارد خواه در اثنای نماز باشد و خواه بعد از آن و در این جدول شک در افعال نماز و گذشتن از محل هر یک بیان شده

در بیان شک در افعال نماز	در بیان محل هر یک از اجزا	در بیان احکام از صحت و بطلان نماز و غیره
اگر کسی شک کند در نیت	بعد از آنکه تکبیر احرام گفته باشد	شک آن اعتبار ندارد و نماز را تمام کند و صحیح است
اگر کسی شک کند در تکبیر احرام	بعد از آنکه شروع در قرائت حمد کرده باشد	شک آن اعتبار ندارد و نماز را تمام کند و صحیح است

اگر شک کند در خواندن حمد	بعد از آنکه شروع بسوره کرده باشد	محل خلافست واظهر برأی مجتهد الزمانی آنست که ملتفت نشود واحوط آنست که اعاده نماز نیز بکند
واگر کسی شک کند در قرائت	بعد از آنکه شروع در قنوت کرده باشد	محل خلاف است واقوی برأی مجتهد الزمانی آنست که ملتفت نشود ونماز صحیح است
واگر کسی شک کند در قرائت	بعد ازانی که شروع در خم شدن کرده باشد وهنوز بحد رکوع نرسیده باشد	اظهر برأی مجتهد الزمانی آنست که اعتبار ندارد واحوط آنست که نماز را تمام کند واعاده نیز بکند
واگر شک کند در قرائت	وبحد رکوع رسیده باشد	البته ملتفت نشود ونماز را تمام کند وصحیح است
واگر شک کند در رکوع	در وقتی که ایستاده باشد	باید که رکوع را بجا آورد ونماز را تمام کند وصحیح است
واگر شک کند در ذکر رکوع یا درنگ کردن در آن یا سایر واجبات آن	بعد از سر برداشتن از رکوع	درین صورت شک آن اعتبار ندارد ونماز را تمام کند وصحیح است
واگر کسی شک کند در رکوع	واز برای سجود خم شده باشد وهنوز سر بسجده نگذاشته باشد	محل خلاف است واحوط برأی مجتهد الزمانی آنست که التفات نکرده نماز را تمام کند واحتیاطاً اعاده نیز بکند
واگر کسی شک کند در رکوع	بعد از رفتن بسجود	ملتفت نشود ونماز را تمام کند وصحیح است
اگر شک کند که سجده کرده ام یا در اصل سجده نکرده ام	واین شک را وقتی کند که نشسته باشد	باید که دو سجده بجا آورد ونماز را تمام کند وصحیح است

واگر شک کند که یک سجده کرده ام یا دو سجده	ونشسته باشد	باید که یک سجده را بجا آورد ونماز صحیح است
اگر شک کند که درست سر از سجدهٔ اول برداشته یا درنگ بعد از آن را بجا آورده یا نیاورده	واز برای سجدهٔ دوم خم شده باشد وهنوز سر بسجده نگذاشته باشد	محل خلافست واظهر برأی مجتهد الزمانی آنست که ملتفت نشود
اگر شک کند در درست سر برداشتن از سجدهٔ اول یا درنگ کردن در آن	وسر بسجدهٔ دوم گذاشته باشد	باید که البته ملتفت بشک نشود ونماز صحیح است .
واگر کسی شک کند در سجده	بعد از شروع در برخواستن وهنوز راست ایستاده باشد	خلاف است واظهر برأی مجتهد الزمانی آنست که برگردد وسجده ها را بجا آورد
واگر کسی شک کند در سجود	بعد از آنکه راست ایستاده باشد	ملتفت نشود ونماز را تمام کند وصحیح است
اگر شک کند در ذکر سجود یا درنگ کردن در آن یا سایر واجبات آن غیر گذاشتن جبهه بر زمین	بعد از سر برداشتن از سجود	شکش اعتبار ندارد ونماز را تمام کند وصحیح است
اگر شک کند در سجده	بعد از شروع در خواندن تشهد	اشهر واظهر برأی مجتهد الزمانی آنست که اعتبار ندارد
اگر شک کند در تشهد	در اثنای برخواستن	محل خلافست واظهر برأی مجتهد الزمانی آنست که التفات نکند وشاید که اعاده احوط باشد
اگر شک کند در تشهد	بعد از راست ایستادن	باید که ملتفت نشود ونماز را تمام کند وصحیح است

دربیان واجبات و شروط و کیفیت نماز احتیاط و واجب است در نماز احتیاط آنچه در نماز اصل واجب است

و باید که نیت کند و نیت چنین کند که دو رکعت نماز ایستاده میکنم جهت احتیاط نماز فرض ظهر مثلاً از برای آنکه واجب است ادا تقرّب بخدا و اگر یک رکعت کند باید که نیت یک رکعت کند و اگر نشسته کند باید که قصد نشستن کند و اگر بعد از وقت باشد قصد قضا کند و بعد از نیت تکبیر بگوید و بعد از آن حمد بخواند بی سوره و آهسته قرائت کند و درین نماز بجای حمد تسبیحات اربع نخواند که مجزی نیست و در سایر واجبات و تشهّد و تسلیم مثل نماز اصل است و ظاهراً قنوت ندارد و معتبر است در نماز احتیاط آنچه در نماز اصل معتبر است از طهارت و استقبال قبله و پوشانیدن عورة و غیره و اگر در میان نماز اصل و نماز احتیاط منافی واقع شود مثل حدث یا پشت بقبله کردن و غیره رأی شهید اوّل علیه الرّحمه آنست که نماز اصل باطل نگردد و بعضی از مجتهدین نماز را باطل میدانند و همچنین اگر وقت بیرون رود نماز باطل نگردد و امّا در نماز احتیاط نیت قضا باید نمود و اگر بعد از نماز احتیاط یا در اثنای آن ظاهر شود که نماز اصل کم بوده ملتفت نشود برأی شهید اوّل و بعضی گفته اند که اگر در اثنای نماز احتیاط باشد اعادهٔ نماز باید کرد و اگر در اثنای نماز احتیاط ظاهر شود که نماز اصل تمام بوده اختیار دارد خواهد نماز را تمام کند و اگر خواهد قطع کند تمام شد احکام نماز احتیاط بعون الله تعالی

دربیان احکام شک پیشنماز و مأموم در نماز جماعت اگر امام در چیزی شک

کند و مأموم آن را حفظ کرده باشد امام رجوع بیقین مأموم میکند و اگر مأموم شک کند رجوع بیقین امام میکند و شک اعتبار ندارد و ضابطه آنست که صاحب شک رجوع بصاحب

یقین یا ظن میکند و صاحب ظن رجوع بصاحب یقین خواه امام باشد و خواه مأموم و احتمالات آن بعد از این در این جدول بیان میشود و اگر شک کنند در چیزی خواه در افعال نماز و خواه در عدد رکعتهای نماز و دیگری که نه پیشنماز باشد و نه مأموم ایشان را خبر دهد بیکی از دو طرف آن چیزی که شک در آن کرده اند اگر از آن گفته ظن بهم رسد بنا را بر آن میگذارند اگرچه آن شخص عادل نباشد یا طفل باشد و اگر از گفتهٔ او ظن بهم نرسد عمل بحکم شک خود میکنند اگرچه خبر دهنده عادل باشد موافق مشهور و اگر امام کاری بکند که سبب سجدهٔ سهو باشد و مأموم آن کار را نکند سجدهٔ سهو بر امام واجب گردد و در وجوب سجده بر مأموم خلاف کرده اند و برأی مجتهد الزّمانی واجب نبودن سجده بر مأموم اقوی است و واجب بودن آن احوط است و اگر مأموم کاری بکند که موجب سجدهٔ سهو باشد و امام آن کار را نکند شکّی نیست که بر امام چیزی لازم نگردد و آیا درین صورت بر مأموم سجدهٔ سهو واجب باشد یا نباشد خلاف کرده اند و اظهر و احوط برأی مجتهد الزّمانی آنست که واجب باشد و بعد از این در جدول احتمالات شک امام و مأموم بیان میشود .

هرگاه که امام در چیزی شک کند و مأموم یقین بآن داشته باشد	باید که امام عمل بیقین مأموم کند هرچند که مأموم یکی باشد و عادل نباشد و از قول او ظن بهم نرسد	مثل آنکه امام شک کند میان سه و چهار و مأموم جزم داشته باشد بسه و بیاید که امام را تردّدی بهم رسیده باید که امام را خبردار گرداند باینکه سه مرتبه سبحان الله گوید یا مثلاً این آیه را بخواند که سیقولون ثلثه و مانند آن و بر امام واجب است که عمل بقول آن کند هرچند که ظن بهم نرسد
اگر مأموم در چیزی شک کند و امام یقین بآن داشته باشد	باید که مأموم رجوع بیقین امام کند	مثل آنکه مأموم شک کند میان یک و دو و امام یقین بدو داشته باشد باید که مأموم تابع امام شود و بشک خود اعتبار نکند و شک در میان یک و دو در غیر صورت مبطل نماز است بقول مشهور

اگر امام شک کند و مأموم ظن داشته باشد	امام رجوع بظن مأموم کند موافق مشهور	مثل آنکه امام شک کند میان دو و سه و مأموم ظن بسه داشته باشد امام رجوع بظن مأموم کند
اگر مأموم شک کند و امام ظن داشته باشد	مأموم عمل بظن امام کند	مثل آنکه مأموم شک کند میان چهار و پنج و امام ظن بچهار داشته باشد مأموم رجوع بظن امام کند
اگر امام در چیزی یقین و مأموم در چیزی ظن داشته باشد	مأموم رجوع بیقین امام کند	موافق مشهور و بعضی از متأخرین میل کرده اند بآنکه از هم جدا شوند صاحب یقین بیقین خود و صاحب ظن بظن خود عمل کند اما مشهور قول اولست
اگر مأموم یقین و امام ظن داشته باشد	امام رجوع بیقین مأموم کند	مشهور آنست که صاحب ظن رجوع بصاحب یقین کند و خلاف متأخرین درین صورت هم جاریست
اگر هریک از امام و مأموم یقین در چیزی داشته باشند اما یقین هریک مخالف آن دیگری باشد	باید که هریک عمل بیقین خود کنند	مثل آنکه امام یقین داشته باشد بچهار و مأموم یقین داشته باشد بسه از هم جدا شوند امام نماز را تمام کند و سلام دهد و مأموم قصد انفراد کرده یک رکعت دیگر بکند
اگر هریک از امام و مأموم ظن در چیزی داشته اما ظن هریک مخالف آن دیگری باشد	باید که هریک عمل بظن خود کنند	مثل آنکه امام ظن داشته باشد بسه و مأموم ظن داشته باشد بچهار مأموم تشهد بخواند و سلام گوید و امام یک رکعت دیگر بجا آورد

و اگر امام و مأموم هردو شک داشته باشند خالی ازین نیست که شک ایشان یا موافق است یا مخالف و درصورتیکه مخالف باشد امر مشترکی در میان شکهای ایشان هست یا نیست و باز خالی ازاین نیست که مأمومان متفقند یا مختلف و بیان شقوق و احکام هریک درین جدول شده است الله ولی التوفیق

اگر شک امام و شک مأموم متفق باشد و شک ایشان مبطل نماز باشد	باید که همه نماز را از سر گیرند	مثل آنکه شک کنند در میان یک و دو نماز باطل است چنانکه پیشتر مذکور شد و باید که نماز را از سر گیرند
اگر شک امام و شک مأموم متفق باشد و شک ایشان مبطل نباشد	باید که همه عمل بحکم آن شک کنند	مثل آنکه همه شک کنند میان سه و چهار بنا را بر چهار میگذارند و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده کنند و ظاهراً اگر نماز احتیاط را بجماعت نکنند احوط باشد برأی مجتهد الزمانی
اگر شک امام و شک مأموم مخالف هم دیگر باشد و اما امر مشترکی در میان شک هردو باشد	باید که همه رجوع بآن امر مشترک کنند و نماز را تمام کنند	مثل آنکه امام شک کند میان دو و سه و مأموم میان سه و چهار پس سه امر مشترک است چون هردو در احتمال سه شریکند بنا را بر سه میگذارند و نماز را تمام می کنند و نماز احتیاط درکار نیست و اگر امام شک کند در میان دو و سه و چهار پس امر مشترک میان سه و چهار است بنا را بر چهار میگذارند و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا می آورند و اگر اعادهٔ نماز نیز بکنند شاید احوط باشد .

اگر شک امام مخالف ماموین و شک ماموین نیز مخالف هم باشد و امر مشترکی در میان همه نباشد	باید که همه رجوع بامر مشترک کنند	مثل آنکه امام شک کند میان دو و چهار و بعضی از ماموین شک کنند میانه سه و چهار و بعضی میان چهار و پنج بنا را بر چهار میگذارند و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز نشسته میکنند
اگر شک امام مخالف ماموین باشد خواه ماموین متفق باشند و خواه مخالف و امر مشترکی در میان نباشد	باید که جدا شوند و هر یک عمل بحکم شک خود کنند	مثل آنکه امام شک کند میان دو و سه و ماموم میان چهار و پنج امام بنا را بر سه میگذارد و نماز را تمام میکند و بعد از نماز یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته میکند و ماموم بنا را بر چهار میگذارد و تشهد میخواند و سلام میدهد و بعد از نماز سجدهٔ سهو بجا می آورد

در بیان احکام کثیر الشک و کثیر السهو و در حدی که چون شک بآن حد رسد او را کثیر الشک گویند خلاف کرده اند و رأی اکثر علما آنست که اگر کسی آنقدر شک کند که در عرف گویند که او بسیار شک میکند کثیر الشک است و این قول برأی مجتهد الزمانی اقوی است و بعضی گفته اند اگر کسی در سه نماز پی در پی شک کند یا در یک نماز سه شک کند کثیر الشک است و مجتهد الزمانی گفته اند که از بعض احادیث ظاهر میشود که اگر کسی مدتی برین حال باشد که در هر سه نماز یک شک کند او کثیر الشک است و چون سه نماز بی شک بجا آرد از آن حکم بیرون می آید و مشهور قول اول است پس هرگاه کسی کثیر الشک شود حکم شک ازاو ساقط است چنانکه بعد ازین در جدول بیان میشود و اگر در جائی بسبب شک سجدهٔ سهو واجب باشد بر کثیر الشک واجب نیست و اگر کثیر الشک عمل باحکام شک کند موافق مشهور نامشروع کرده است و اگر در میان نماز تدارک فعلی کند که باعتبار

کثرت شک نباید کرد مشهور آنست که نمازش باطل گردد و جدول بیان احکام کثیر الشک اینست

اگر کثیر الشک در فعل واجبی از واجبات نماز شک کند	باید که آن را تدارک نکند هرچند که وقت آن فعل واجب باقی باشد	و اگر بعد از گذشتن از محل آن واجب بخاطرش آید که آنرا نکرده بود یعنی تا در محل آن واجب بود شک داشت در کردن و نکردن و چون از محل آن گذشت بخاطرش آمد که آنرا نکرده نمازش صحیح است و بر او چیزی نیست .
و اگر شک کند در رکنی از ارکان نماز	باید که آن را تدارک نکند هرچند که از محل آن رکن نگذشته باشد	و اگر بعد از گذشتن از محل آن رکن بخاطرش آید که آن را نکرده بود نمازش باطل گردد موافق مشهور و احوط برأی مجتهد الزمانی آنست که نماز را تمام کند و اعاده نیز بکند
و اگر شک کند در یک سجده یا شک کند در تشهد	باید که تدارک نکند هرچند که از محل آنها نگذشته باشد	و اگر بعد از گذشتن از محل آن بخاطرش آید که آنرا نکرده بود باید که بعد از نماز آن را بجا آورد و سجدهٔ سهو لازم نگردد و مجتهد الزمانی گفته اند که احتیاطاً سجدهٔ سهو نیز بکند .
و اگر کثیر الشک شک کند در عدد رکعتهای نماز	باید که بنا را بر اکثر گذارد مگر آنکه اقل اصح باشد که بنا را بر اقل میگذارد مثل آنکه در نماز چهار رکعتی شک کند میان سه و چهار بنا را بر چهار میگذارد که اکثر است	و اگر کثیر الشک شک کند در رکعتهای نماز و بنا را بر اکثر گذارد در جائی که بنا را بر اکثر باید گذاشت و بعد از آن بخاطرش آید که یک رکعت کم کرده مثل آنکه شک کند میان سه و چهار در نماز چهار رکعتی باید که بنا را بر چهار گذارد و باقی مانده را بجا آورد و نماز را تمام کند پس اگر بعد از آن بخاطرش آید که سه رکعت کرده بود و اگر بعد از نماز مبطلی بعمل نیاورده که عمداً و سهواً نماز را باطل کند مثل حدث و غیره آن رکعت را

	و نماز را تمام میکند و نماز احتیاط از او ساقط است و اگر شک کند میان چهار و پنج مثلاً بنا را بر چهار میگذارد که اقل و اصح است و بعد از نماز سجدهٔ سهو از او ساقط است	بجا می آورد و اگر مبطل چنین بعمل آورده باید که نماز را اعاده کند

در بیان احکام کثیر السهو و اگر کسی سهو بسیار کند که اعمال نماز را فراموش کند بعضی گفته اند که او حکم کثیر الشک ندارد و شک و سهوی که بکند باید که احکام آن را بجا آورد و این قول برای مجتهد الزمانی اقوی است و بعضی گفته اند که او نیز حکم کثیر الشک دارد و بسیاری سهو باعث آن میشود که شک آن نیز اعتبار نداشته باشد و احکام کثیر السهو درین جدول بیان میشود

اگر کثیر السهو واجبی از واجبات نماز را فراموش کند	اگر پیش از گذشتن از محل آن واجب بخاطرش آید باید که آن را تدارک کند و نمازش صحیح است .	و اگر بعد از گذشتن از محل بخاطرش آید که آن واجب را نکرده است باید که تدارک نکند و نمازش صحیح است
و اگر رکنی از ارکان نماز را فراموش کند	اگر پیش از گذشتن از محل آن رکن بخاطرش آید که آن را نکرده باید که آن را تدارک کند و نمازش صحیح است	و اگر بعد از گذشتن از محل آن رکن بخاطرش آید که آن رکن را نکرده است نمازش باطل است

و اگر سجدهٔ نماز یا تشهد را فراموش کند	اگر پیش از گذشتن از محل آن بخاطرش آید که آن را نکرده است باید که آنرا تدارک کند و نمازش صحیح است	و اگر بعد از گذشتن از محل آن بخاطرش آید که آن را نکرده است باید که بعد از نماز آن را تدارک کند و اما گفته اند که سجدهٔ سهو از او ساقط میشود و اظهر و احوط به رای مجتهد الزمانی آنست که سجدهٔ سهو را نیز بجا آورد

در بیان بقیهٔ احکام سهو و شک و آن در پنج جدول بیان میشود اول آنکه بباید دانست که شک وقتی اعتبار دارد که هر دو طرف آن مساوی باشد که اگر ظن بیک طرف غالب باشد عمل بآن میباید کرد خواه در دو رکعت اول نماز باشد و خواه دو رکعت آخر و خواه در عدد رکعتها باشد و خواه در افعال بنا بر مشهور و بعضی گفته اند که در دو رکعت اول علم می باید و ظن کافی نیست و اگر در دو رکعت اول عمل بظن کند و اعاده نیز بکند برای مجتهد الزمانی احوط است و احکام ظن در این جدول بیان شده است

اگر شخصی شک کند در میان دو و سه در نماز چهار رکعتی	اگر گمانش بدو بیشتر باشد باید که دو رکعت دیگر بکند	و اگر گمانش بسه بیشتر باشد یکرکعت دیگر میکند و نماز احتیاط در کار نیست
و اگر در نماز چهار رکعتی شک کند در میان سه و چهار	اگر گمانش بسه بیشتر باشد یک رکعت دیگر میکند	و اگر گمانش بچهار بیشتر باشد سلام میگوید و چیزی بر او نیست و ابن بابویه علیه الرحمه گفته که درین صورت سجدهٔ سهو بکند
و اگر در نماز چهار رکعتی شک کند در میان چهار و پنج	اگر گمانش بچهار بیشتر باشد سلام میگوید	و اگر گمانش به پنج بیشتر باشد نمازش باطل است مگر آنکه بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته باشد

دوم شک در حصول سهو اعتبار ندارد چنانکه درین جدول بیان شده است و چند مسئله دیگر بمناسبت مقام ذکر نمودم

اگر کسی شک کند که آیا سهوی از او حاصل شده یا نشده بر او چیزی نیست و همچنین اگر شک کند که آیا شکی از او حاصل شده یا نشده بر او چیزی نیست	اگر داند که سهوی از او حاصل شده و شک کند که آیا آن سهوی بود که حکمی دارد یا سهوی بود که حکمی ندارد باید که ملتفت بآن نشود	اگر در سجده های سهو یا نماز احتیاط یا افعال فراموش شده نماز شک کند که آیا کرده ام یا نه اظهر برأی مجتهد الزمانی است که واجب است که آن را بجا آورد
اگر یقین داند که شکی در نماز کرده بود که موجب نماز احتیاط بود و شک کند که آیا شک میان سه و چهار بود یا دو و چهار گفته اند که هم دو رکعت ایستاده میکند و هم دو رکعت نشسته	اگر یقین داند که بسبب سهوی از این دو چیز را در نماز ترک کرده اما نداند که آن یک سجده بود یا تشهد احوط برأی مجتهد الزمانی آنست که هر دو را بجا آورد و دو سجده سهو نیز بکند	اگر داند که یا رکوع را ترک کرده یا یک سجده را اما بخصوص نداند که کدام بوده احوط برأی مجتهد الزمانی آنست که یک سجده را بکند با سجده سهو و اعاده نماز نیز بکند و برأی شهید ثانی احتمال قوی دارد که نماز باطل نشود

سوم در بیان احکام سهوی که در نماز احتیاط یا سجده های سهو یا در اجزای فراموش شده نماز واقع شود و احکام هر یک از آنها در این جدولها بیان میشود

اگر شخصی فعلی از افعال نماز احتیاط را فراموش کند و پیش از گذشتن از محل آن بخاطرش آید باید که آن فعل را تدارک کند مثل آنکه خواندن حمد را فراموش کند و پیش از آنکه بحد رکوع رسد بیادش آید باید که آنرا تدارک کند	و اگر فعلی از افعال نماز احتیاط را فراموش کند و بعد از گذشتن از محل بخاطرش آید احوط برأی مجتهد الزمانی آنست که احکام نماز اصل را در آن رعایت کند از تدارک ما فات و سجده سهو برأی شهید اول سجده سهو از برای سهوی که در نماز احتیاط واقع شود لازم نمیگردد	اگر کسی نماز احتیاط یا افعال فراموش شده نماز یا سجده های سهو را فراموش کند و بعد از نماز بجا نیاورد هر وقت که بخاطرش آید باید که بجا آورد و مجتهد الزمانی گفته اند که نیت ادا یا قضا ظاهرا در کار نباشد و اما به رأی شهید اول علیه الرحمه در کار است

اگر در سجده فراموش شده نماز که بعد از نماز تدارک میکند پیش از سر برداشتن از آن بخاطرش آید که فعلی را ترک کرده مثل ذکر و غیره باید که آن را تدارک کند چون از محل آن نگذشته است	و اگر بعد از سر برداشتن از سجده بخاطرش آید که فعلی را ترک کرده است مثل ذکر یا طمأنینه بقدر ذکر و غیره تدارک آن در کار نیست	و اگر در تشهد فراموش شده نماز چیزی را فراموش کند و بعد از آن بخاطرش آید که آن را نکرده باید که آن را بجا آورد و بعضی گفته اند که تدارک در کار نیست
اگر واجبی از واجبات سجده سهو را فراموش کند اگر پیش از فوت محل بخاطرش آید باید که آن را تدارک کند و اگر بعد از سر برداشتن از سجده بخاطرش آید بر او چیزی نیست و احوط برأی مجتهد الزمانی آنست که سجده را تمام کند و اعاده نیز کند	و اگر در سجده های سهو یک سجده را فراموش کند و پیش از شروع در تشهد بخاطرش آید باید که آنرا تدارک کند	و اگر یک سجده از سجده های سهو را فراموش کند و بعد از شروع در تشهد بخاطرش آید باید که آن را بجا آورد و سجده سهو از برای فراموش کردن سجده سهو لازم نگردد بلکه تدارک کافی است

چهارم در بیان احکام شکی که در عدد رکعتهای نماز احتیاط یا افعال آن یا در عدد سجده های سهو یا در افعال آنها یا در اجزای فراموش شده واقع شود و مشهور میان علما آنست که التفات باین شک نباید کرد و اگر شک در عدد رکعتهای نماز احتیاط یا عدد سجده های سهو واقع شود بنا را بر طرف صحیح گذارند چنانکه درین جدولها بیان شده است

اگر کسی شک کند در دو رکعت نماز احتیاط که یک رکعت کرده ام یا دو بنا را بر دو میگذارد و نماز را تمام می کند و نماز احتیاط از برای شک در نماز احتیاط لازم نمیگردد	و اگر شک کند که دو رکعت کرده ام یا سه رکعت بنا را بر دو میگذارد که صحیح است و نماز را تمام میکند و سجده سهو لازم نمیگردد	و اگر در رکوع یا سجود نماز احتیاط یا سایر واجبات آن شک کند باید که تدارک نکند هر چند که محل آن باقی باشد

واگر در سجدهٔ سهو شک کند که آیا یک سجده کرده‌ام یا دو بنا را بر دو میگذارد

واگر شک کند که دو سجده کرده‌ام یا سه بنا را بر دو میگذارد که صحیح است

واگر شک کند در سایر واجبات سجده‌های سهو مثل ذکر و غیره تدارک نمیکند هرچند که محل آن باقی باشد واگر آنچه وقتش باقی باشد بجا آورد و اعاده نیز بکند به رأی مجتهد الزمانی احوط است

واگر در سجدهٔ فراموش شدهٔ نماز که بعد از نماز تدارک میکند شک کند که یک سجده کرده‌ام یا دو ظاهراً بنا را بر یک میگذارد و گاه باشد که اعاده باید کرد

واگر در ذکر آن یا قرار گرفتن در ذکر یا سایر واجبات سجدهٔ فراموش شده شک کند باید که ملتفت بآن نشود خصوصاً اگر از محل آن گذشته باشد

واگر در جزئی از اجزای تشهد فراموش شدهٔ نماز شک کند ملتفت بآن نشود چنانکه در سجده مذکور شد

پنجم اگر شک در عدد رکعتهای نماز گرفتن آفتاب یا ماه یا زلزله یا سایر آیات کنند نماز باطل گردد واگر در عدد رکوعها شک کند بنا را بر کمتر میگذارد و نماز را تمام می کند بنا بر مشهور واقوی به رأی مجتهد الزمانی نیز اینست ، تمام شد مبحث شک و سهو بتوفیق الله تعالی

خاتمه در بیان واجبات نمازهای دیگر غیر نماز یومیه و آن مشتمل بر ده فصل است فصل اول در بیان احکام نماز قضا هرگاه از شخصی نمازی از نمازهای یومیه فوت شود واجب است که قضای آنرا بجا آورد مگر بسبب یکی از این شش امر نماز فوت شود که قضا لازم نگردد و بعضی هفت چیز گفته‌اند و فقیر هفت چیز را در جدول بیان نمودم و در هرکدام که خلاف بود ذکر خلاف نیز نمودم و اموری که باعث ساقط شدن قضا میشوند

اول صغر سن و شخصی که بالغ نشده باشد نمازهائی که پیش از بلوغ از او فوت شود بعد از آن که بالغ شود قضای آنها بر او واجب نباشد

دوم جنون و شخصی که دیوانه شود نمازهائی که در ایام دیوانگی از او فوت شود بعد از آنکه عاقل شود قضای آنها واجب نباشد

سوم حیض و نمازهائی که از زن حائض در ایام حیض فوت شود بعد از پاک شدن قضا ندارد و اگرچه آن زن کاری بکند که باعث آمدن خون حیض شود

چهارم نفاس و نماز فوت شدهٔ ایام نفاس نیز قضا ندارد هرچند که آن زن کاری بکند که باعث ولادت و آمدن خون گردد بقول شهید ثانی علیه الرحمه

پنجم کفر اصلی و چون کافر مسلمان شود نمازهائی که در ایام کفر اصلی فوت شده قضا ندارد و اگر مرتد شود و باز مسلمان گردد قضای نماز ایام ارتداد لازم است

ششم اغما یعنی بیهوشی و نمازی که بسبب بیهوشی فوت شود قضا لازم نگردد هرگاه که از اول وقت تا آخر بیهوش باشد موافق مشهور گفته‌اند که اگر شخصی چیزی بخورد که موجب خوابی شود که همه وقت نماز در خواب باشد پس اگر نمیدانست که خوردن آن موجب خواب چنین است قضای نماز واجب نیست و اگر میدانست که خوردن آن موجب چنین خوابیست اما آنرا بواسطهٔ معالجهٔ مرض بقول طبیب حاذق خورد و دوا منحصر در آن بود یا باکراه بجبر داو داده باشند قضا لازم نگردد و الا قضا لازم است

هفتم هرگاه شخصی محدث باشد و تا آخر وقت نماز نه آب یابد که وضو یا غسل کند و نه خاک که تیمم کند نماز از او ساقط گردد و اما در وجوب قضای آن نماز خلاف کرده‌اند و شهید اول و بعضی از علما اولی وجوب قضا را میدانند و اشبه به رأی محقق آنست که قضا واجب نباشد و اما اگر از وقت مقدار زمان طهارت و نماز گذشته باشد و او عمداً نماز نکرده باشد و بعد از آن آب و خاک بهم رسد قضای آن نماز واجب است .

واز جملهٔ نمازهای واجبی نماز جمعه و نماز عید رمضان و نماز عید قربان قضا ندارد و قضای نماز کسوف و خسوف واجب است هرگاه که تمام قرص گرفته باشد خواه عمداً ترک آن کرده باشد و خواه سهواً و خواه

علم بگرفتن آفتاب یا ماه نداشته باشد و بعد از بیرون رفتن وقت علم بآن بهم رساند و اگر بعضی از قرص گرفته باشد و او عمداً یا سهواً ترک نماز کند قضا واجب گردد به رأی شهید اول و محقق و اگر علم بآن نداشته باشد و بعد از بیرون رفتن وقت علم بآن بهم رساند قضا واجب نگردد موافق مشهور و بعضی قضای این نماز را مطلقا واجب میدانند و بعضی مطلقا واجب نمیدانند هر چند که عمداً ترک کرده باشد بشرطی که تمام قرص نگرفته باشد و باقی احکام نماز قضا هشت چیز است چنانکه بعد از این در جدولها بیان میگردد

اوّل هرگاه نمازی از نمازهای یومیه از شخصی فوت شود و آن شخص در وقت فوت آن بالغ و عاقل و خالی از حیض و نفاس باشد و کافر اصلی نباشد قضای آن واجب گردد و همچنین نمازی که در وقت خواب یا مستی از شخصی فوت شود قضای آن واجب گردد و حکم نمازی که بسبب خواب از شخصی فوت شود پیش از این بتفصیل مذکور شد

دوّم رعایت ترتیب در میان نمازهای قضا واجب است یعنی ترتیبی که فوت شده قضای آن را بجا باید آورد و اگر ترتیب آنها را داند و اگر ترتیب آنها مجهول باشد جمعی از علما برآنند که تکرار نماز باید نمود تا ترتیب حاصل شود و بعضی گفته اند که ترتیب ساقط میشود و این قول برأی شهید اول علیه الرحمه اقوی است

سوم واجب است در نماز قضا رعایت عدد یعنی اگر نمازی در حضر فوت شده باشد قضای آنرا باید که تمام بجا آورد و قصر نکند هر چند که در سفر قضای آنرا بجا آورد و اگر نمازی در سفر فوت شده باشد باید که قضای آنرا قصر کند هر چند که در حضر قضای آن کند مگر نماز مغرب که قصر آن نباید کرد مطلقا

چهارم باید که رعایت هیات نکند یعنی اگر از شخصی نمازی در حال خوف مثلاً فوت شده باشد و قضای آنرا در حال غیر خوف بجا آورد باید که آن را قصر کند اما نباید که نماز را بهمان هیات که در حال خوف بجا می آورد بجا آورد و هیات نماز خوف بعد از این مذکور خواهد شد

پنجم هرگاه وقت نماز حاضره تنگ شده باشد واجب است که آن را بر نماز قضا مقدم دارند اجماعاً و اگر وقت وسعت داشته باشد بعضی گفته اند اگر نماز قضا یک نماز باشد واجب است که مقدم دارند و بعضی گفته اند که اگر نماز قضا از همان روز باشد واجب است که مقدم دارند و بعضی گفته اند که مقدم داشتن نماز قضا بر نماز حاضره واجب نیست و مقدم داشتن قضا سنت است خواه یک نماز باشد و خواه از همان روز باشد یا نباشد و قول آخر برأی شهید اول و ثانی اقوی است

ششم هرگاه که از مکلف نماز بسیار فوت شده باشد و شمار عدد آنرا نداند باید که آن قدر نماز بگذارد که بر ظنش غالب شود که وفا بآن نموده خواه نماز فوت شده چند نماز مختلف باشد یا یک نماز فریضه مکرر از او فوت شده باشد و اگر شخصی شک داشته باشد مثلاً که ده نماز از او فوت شده است یا بیست نماز و اما داند که نماز فوت شده آن منحصر در یکی از این دو عدد است لازم است قضای آن عدد که بیقین برائت بهم رسد برأی شهید ثانی علیه الرحمه یعنی قضای بیست نماز باید نمود و در این صورت وجه بنا بر کمتر نهادن ضعیف است یعنی قضای ده نماز گذاردن

هفتم هرگاه شخصی شروع کند بقضای نمازی و در اثنای آن بخاطرش آید که پیشتر از آن نمازی از او فوت شده است باید که عدول کند بنماز سابق اگر عدول کردن ممکن باشد یعنی عدد رکعت نمازی که میگذارد زیاده بر عدد رکعت نماز سابق نشده باشد و اگر بر رکعت زاید برخواسته باشد و اما هنوز برکوع نرفته باشد باید که عدول کند و اگر برکوع رفته باشد باید که آن نماز را تمام کند و بعد از آن تدارک نماز سابق نماید و بعد از تدارک نماز سابق اعاده نمازی که گذارده لازم نباشد موافق رأی شهید ثانی

هشتم هرگاه از شخصی نمازی از نمازهای فریضهٔ یومیه فوت شده باشد و نداند که کدام نماز است از سه حال بیرون نیست یا میداند که آن یک نماز از او در حضر فوت شده است اما نمیداند که کدام نماز است و یا میداند که آن یک نماز در سفر از او فوت شده است اما نمیداند که کدام نماز است و یا مشتبه است براو یعنی نمیداند که آن یک نماز در سفر فوت شده است یا در حضر و همچنین اگر دو نماز فوت شده باشد و نداند که کدام دو نماز است یا سه نماز فوت شده باشد یا چهار نماز فوت شده باشد یا پنج نماز فوت شده باشد و بیان حکم هر یک از اینها در این جدولها میشود

اگر در حضر یک نماز از شخصی فوت شده باشد و نداند که کدام نماز است	اگر در سفر از شخصی یک نماز فوت شده باشد و نداند که کدام نماز است	اگر مشتبه باشد که نداند که آن یک نماز مجهول در سفر فوت شده یا در حضر
باید که نماز صبحی و مغربی و نماز چهار رکعتی بگذارد و آن را اطلاق کند میان نماز ظهر و عصر و نماز عشا و در قرائت آن چهار رکعتی اختیار دارد خواهد جهر کند و اگر خواهد اخفات کند	باید که دو نماز بگذارد نماز مغربی و یک نماز دو رکعتی مطلق میان صبح و ظهر و عصر و عشا،	باید که سه نماز بگذارد و یک نماز دو رکعتی مطلق میانهٔ صبح و ظهر و عصر و عشا و یک چهار رکعتی مطلق میانهٔ ظهر و عصر و عشا و یک نماز مغربی نیز بجا آورد
اگر در حضر دو نماز از شخصی فوت شده باشد و نداند که کدام دو نماز است	اگر در سفر دو نماز از شخصی فوت شده باشد و نداند که کدام دو نماز است	اگر مشتبه باشد که نداند که آن دو نماز مجهول در سفر فوت شده یا در حضر
باید که چهار نماز بگذارد صبحی و چهار رکعتی و مغربی و چهار رکعتی دیگر و چهار رکعتی اول را اطلاق کند میان ظهر و عصر و چهار رکعتی دوم را اطلاق کند میان عصر و عشا و باید که نماز مغرب میان دو چهار رکعتی باشد	باید که سه نماز بگذارد دو رکعت مطلقی و بعد از آن نماز مغربی و بعد از آن نماز دو رکعتی مطلقی و باید که نماز مغرب در میان دو نماز دو رکعتی باشد	باید که پنج نماز بگذارد دو رکعتی مطلق و بعد از آن چهار رکعتی مطلق و بعد از آن نماز مغربی و بعد از آن دو رکعتی مطلق و بعد از آن چهار رکعتی دیگر مطلق
اگر در حضر سه نماز از شخصی فوت شده باشد و نداند که آن کدام سه نماز است	اگر در سفر سه نماز فوت شده باشد و نداند که آن کدام سه نماز است از یومیه	اگر مشتبه باشد که نداند که آن سه نماز مجهول در سفر فوت شده یا در حضر
باید که پنج نماز شبانه روزی را به ترتیب بگذارد	باید که چهار نماز بگذارد دو رکعتی مطلق نماز دو رکعتی مطلق دیگر بعد از آن نماز مغربی و بعد از نماز مغرب دو رکعتی دیگر مطلق	باید که هفت نماز بگذارد دو رکعتی مطلق و بعد از آن ظهر و عصری تمام بعد از آن دو رکعتی مطلق بعد از آن مغربی بعد از آن دو رکعتی مطلق و بعد از آن نماز عشائی تمام بگذارد

اگر در حضر چهار نماز فوت شده باشد	اگر در سفر چهار نماز مجهول فوت شده باشد	اگر چهار نماز فوت شود و سفر و حضر مشتبه باشد
باید که پنج نماز حاضر را بگذارد	باید که پنج نماز مسافر را بگذارد	هشت نماز بگذارد صبحی بعد از آن ظهری تمام بعد از آن ظهر قصری بعد از آن عصری تمام بعد از آن عصر قصری بعد از آن مغربی بعد از آن عشای تمام و بعد از آن عشای قصری

و همچنین اگر پنج نماز شبانه روزی فوت شود و نداند که در سفر فوت شده یا در حضر پس هشت نماز بهمین طریق بگذارد و اگر نمازی در حال صحت از شخصی فوت شده باشد و آن شخص در آن حال قادر بر ایستادن و همهٔ افعال نماز باشد جایز است که قضای آن را در حال بیماری که قادر بایستادن و غیره نباشد قضای آن را بجا آورد و افعال آن را بحسب مقدور بجا آورد و لازم نیست بر او که منتظر ایام صحت و قدرت باشد پس بیماری که قادر بایستادن نباشد جایز است که نشسته نماز کند خواه نماز ادا باشد و خواه قضا و اگر قادر بنشستن نباشد بر جانب راست خوابیده نماز کند و اگر از آن نیز عاجز شود بر جانب چپ و چون از آن نیز عاجز شود بر پشت بخوابد بطریق وقت احتضار و رکوع و سجود را باشارهٔ سر بجا آورد و اگر از اشارهٔ بسر نیز عاجز باشد بچشم اشاره کند پس پوشانیدن چشمها بجای رکوع و سجود است و گشودن چشمها بجای سر از رکوع و سجود برداشتن است اما باید که از برای سجود چشمها را بیشتر بهم گذارد و قرائت و باقی ذکرها را بجا آورد و گفته اند که اگر از همه عاجز شود باید که افعال نماز را بترتیب بخاطر بگذراند و اگر بیماری نشسته نماز بگذارد و در آن اثنا قدرت بایستادن بهم رساند

باید که بایستد و قرائت کند امّا که باید در حال برخواستن قطع قرائت کند و چون برخیزد از همانجا که قطع کرده شروع کند و اگر قرائت را اتمام کرده باشد بایستد از برای رکوع و شخصی که ایستاده نماز میکند اگر در اثنای قرائت عاجز شود از ایستادن باید بنشیند و نماز را نشسته باتمام رساند امّا باید که در حال نشستن قطع قرائت نکند موافق رای شهید اوّل علیه الرحمه و بعضی بر آنند که باید در هر دو حال قطع قرائت کند و بعضی دیگر گفته اند که در هر دو حال باید قطع قرائت نکند و در همهٔ این احکام فرقی نیست میان نماز ادا و قضا .

فصل دوّم در بیان احکام و کیفیت نماز خوف و احکام آن سه چیز است چنانکه در این جدول بیان شد

اوّل خوف موجب قصر نماز گردد در سفر اجماعاً و در حضر هرگاه آنرا بجماعت بگذارند و اگر در حضر تنهائی بگذارند بعضی از علما بر آنند که قصر نباید کرد و بعضی گفته اند که قصر باید نمود و مشهور آنست که قصر باید نمود	دوّم واجب است با خود داشتن سلاح مثل شمشیر و نیزه و غیره و در برداشتن سلاح نجس خلاف کرده اند و بیشتر علما بر آنند که میباید برداشت هر چند که نجس باشد و اگر برداشتن آن مانع واجبی از واجبات نماز گردد برداشتن آن با عدم اضطرار جایز نیست	سوّم هرگاه خوف حاصل شود از دشمنی یا دزدی یا سبعی یعنی حیوان درنده جایز است که نماز خوف بگذارند هر چند در حضر باشد و اگر شخصی در گل فرو رفته باشد یا غرق شده باشد باید که بقدر امکان نماز را بجا آورد و ایما کند از برای رکوع و سجود امّا باید که نماز را قصر نکند مگر آنکه در سفر باشد یا خوف حاصل گردد .

در بیان کیفیت نماز خوف هرگاه که آن را بجماعت بگذارند و خوف بمعنی ترس است

پس هرگاه که خوف حاصل شود و دشمنان در غیر جهت قبله باشند و اهل اسلام اراده نمایند که نماز را بجماعت بجا آورند و ترسند که در اثنای نماز دشمنان بر ایشان حمله آورند باید که دو فرقه شوند اگر احتیاج بزیاده از دو فرقه نباشد یک فرقه نماز را بجماعت بگذارند و فرقهٔ دیگر محافظت و حراست ایشان نمایند و پیش نماز با یک فرقه یک رکعت بگذارد و چون برکعت دوّم برخیزد فرقهٔ که اقتدا کرده اند قصد انفراد نمایند و رکعت دوم را منفرد بگذارند و چون فارغ شوند بحراست مشغول شوند و فرقهٔ دیگر آیند و پیشناز در اثنای قرائت رکعت دوّم باشد در رکعت اوّل خود برکعت دوّم پیش نماز اقتدا کنند و چون پیش نماز تشهد بنشیند ایشان برخیزند و رکعت دوّم را بانفراد یعنی بتنهائی بگذارند و پیش نماز تشهد را طول دهد تا با ایشان سلام را بجا آورد و اگر نماز مغرب باشد پیش نماز اختیار دارد به هر یک از این دو فرقه که خواهد یک رکعت را بگذارد و بفرقهٔ دیگر دو رکعت را و جایز است که پیشناز با یک فرقه نماز را باخر رساند و نوبت دیگران نماز را با فرقهٔ دیگر بجا آورد و این نماز دوّم پیش نماز نافله خواهد بود بنابر مذهب جماعتی که جایز میدانند که اقتدای نماز فریضه بنماز سنتی نمایند و درین جا خلاف کرده اند

در بیان کیفیت نماز مطارده و مطارده یعنی حمله آوردن بیکدیگر و آن نمازیست که در حال جنگ بجا آورند

پس هرگاه که جنگ درگیرد در آن وقت بهر طریق که ممکن باشد ایستاده یا سواره یا در حال راه رفتن نماز را بگذارند و اگر رو بقبله کردن در کل نماز مقدور نباشد در هر قدری که تواند رو بقبله کند

اگرچه در تکبیر احرام باشد وبس واگر در آن هم مقدور نباشد رو بقبله کردن ساقط گردد و باید که سجده بر یال اسب یا کوهه زین کند واگر رکوع وسجود متعذر باشد اشاره بسر کافیست واگر نتواند اشاره بچشم کند واگر آن راهم نتواند بدل هر رکعتی بجای قرائت در رکوع وسجود و واجبات آنها کافیست که سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ بگوید امّا باید که اوّل نیّت و تکبیر احرام بجا آورد وبعد از آن بجای هر رکعتی تسبیحات اربع بگوید و در آخر تشهّد و تسلیم بجا آورد و در نماز مغرب باید که سه مرتبه تسبیحات اربع را بگوید بدل هر رکعتی یک مرتبه و در آن چهار نماز دیگر در هر کدام دو مرتبه باید گفت بدل دو رکعت

فصل سوّم در بیان نماز جمعه و واجبات آن و در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السّلام درین میان علما خلافست

بعضی از علما آن را واجب تخییری میدانند یعنی مکلّف در روز جمعه واجب است که یا نماز جمعه یا نماز ظهر را بگذارد امّا افضل آنست که نماز جمعه بگذارد وبعضی گذاردن نماز جمعه را در زمان غیبت حرام میدانند وجمعی از علما آن را واجب عینی میدانند یعنی در روز جمعه واجب است که نماز جمعه بگذارند بجای نماز ظهر ومجتهد الزّمانی سلّمه الله تعالی آن را واجب عینی میدانند ونماز جمعه دو رکعت نماز است مثل نماز صبح امّا در نماز صبح یک قنوت در رکعت دوّم سنّت است ودر نماز جمعه دو قنوت سنّت است در رکعت اوّل قنوت را بعد از قرائت وپیش از رکوع باید خواند ودر رکعت دوّم قنوت را بعد از رکوع باید خواند امّا هر دو قنوت سنّت است وباید که جمع میان نماز جمعه ونماز ظهر نکنند که اگر نماز جمعه صحیح واقع شود مجزیست از نماز ظهر ونماز جمعه با وجود وجوب از هشت نفر ساقط است چنانکه درین جدول بیان میشود یعنی برین هشت نفر واجب نیست که از برای نماز جمعه حاضر شوند وامّا اگر حاضر شده باشند واجب میشود که نماز جمعه را بجا آورند ونماز جمعه نیز بسبب ایشان منعقد میگردد موافق مشهور بغیر زنان که بسبب ایشان نماز منعقد نمیشود وبر ایشان نماز واجب نگردد هرچند که در جائی که نماز جمعه بگذارند حاضر شوند ودر بنده خلاف کرده اند وآن هشت نفر که نماز جمعه از ایشان ساقط است درین جدول بیان میشود

اوّل	دوّم	سوّم	چهارم	پنجم
زن	بنده	مسافر	کور	پیر عاجز
ششم	هفتم	هشتم		
بیمار عاجز	شلی که از راه رفتن عاجز باشد	کسی که از او تا جائی که نماز جمعه گذارده میشود زیاده که دو فرسخ باشد		

و واجبات مخصوصهٔ نماز جمعه نه چیز است چنانکه درین جدولها بیان هر یک از آنها میشود

اوّل ملاحظهٔ وقت و وقت آن از زوال آفتابست تا آنکه سایه که بعد از زوال حاصل میشود مثل شاخص شود موافق قول مشهور وبعضی از علما بر آنند که وقت نماز جمعه مثل وقت نماز ظهر است یعنی تا وقتی که نماز ظهر را توان کرد نماز جمعه را نیز میتوان کرد

دوّم صحیح است نماز جمعه هرگاه شروع بآن کرده باشند پیش از بیرون رفتن وقت هرچند که همین تکبیر احرامی گفته باشند برأی شهید اوّل وبعضی گفته اند که اگر یک رکعت را در وقت بجا آورده باشند نماز جمعه صحیح است والّا باید که نماز ظهر بجا آورند وقول ثانی موافق رأی شهید ثانی است

سوم باید که نماز جمعه را بجماعت بگذارند که بتنهائی گذاردن آن حرامست و گفته اند که اگر مأموم در وقت خطبه و رکعت اوّل نماز حاضر نشده باشد و وقتی حاضر شود که امام در رکوع رکعت دوم باشد باید که تکبیر بگوید و ملحق گردد و این رکعت را رکعت اوّل نماز خود حساب کند و باقی را بجا آورد

چهارم باید جماعتی که نماز جمعه میگذارند کمتر از پنج نفر نباشند که یکی از ایشان پیش نماز باشد یعنی بغیر پیش نماز باید که چهار نفر دیگر باشند که مجموع پنج نفر باشند موافق مشهور و بعضی گفته اند باید که با امام هفت نفر باشند یعنی مجموع هفت نفر باشند

پنجم واجب است که پیش از نماز دو خطبه بخوانند که هر یک از آنها مشتمل باشد بر حمد و ثنای خدای تعالی و صلوات بر پیغمبر ص و آل او و وعظ و خواندن یک سورهٔ کوتاه یا یک آیه تامة الفائده

ششم باید که خطیب در وقت خطبه خواندن ایستاده باشد اگر قدرت بایستادن داشته باشد و در میان دو خطبه لمحهٔ بنشیند و آیا طهارت شرط است در خطبه یا نه خلاف کرده اند و اصح برأی شهید ثانی و بعضی از علما آنست که شرط باشد و اشبه برأی محقق آنست که شرط نباشد

هفتم باید که خطبه را چنان بخواند که عدد معتبر که پنج نفرند یا زیاده تر بشنوند موافق قول اکثر و آیا واجب است ترک حرف زدن در اثنای خطبه و متوجّه شنیدن آن شدن در هر دو خلاف کرده اند بعضی هر دو را واجب میدانند و بعضی هر دو را سنّت میدانند

هشتم منعقد نمیگردد نماز جمعه مگر با امام علیه السلام یا نایب خاص آن یا با فقیه در هنگامی که اجتماع ممکن باشد در حال غیبت امام علیه السلام

نهم هرگاه دو جماعت در دو جا نماز جمعه بگذارند واجب است که در میان ایشان یک فرسخ یا زیاده بر آن فاصله باشد که اگر فاصله کمتر از یک فرسخ باشد و هر دو یک بار شروع در نماز کرده

باشند نماز هر دو باطل است و اگر یکی پیشتر شروع کرده باشد هر چند که همین تکبیر احرامی گفته باشد نماز او صحیح و آخری باطلست .

فصل چهارم در بیان نماز عیدین یعنی نماز عید قربان و نماز عید رمضان و واجب اند این دو نماز بشرط نماز جمعه

و باید که آنرا بجماعت بگذارند و با اختلال شروط سنّت است گذاردن آن و افضل آنست که آن را بجماعت بگذارند و بتنهائی نیز جایز است که نماز عید را بگذارند هرگاه که گذاردن آن سنّت باشد و واجبات مخصوصهٔ آن سه چیز است چنانکه درین جدول ها بیان آنها می شود و جدول اینست

اوّل	دوّم	سوّم
رعایت وقت و وقت آن از طلوع آفتاب روز عید است تا زوال و اگر شخصی این نماز را بجا نیاورد تا آنکه وقت بیرون رود قضا ندارد خواه دانسته ترک کند و خواه از روی فراموشی چنانکه در مبحث قضا مذکور شد	باید که پنج تکبیر بعد از قرائت در رکعت اوّل بگوید و چهار تکبیر بعد از قرائت رکعت دوّم و بعد از هر تکبیری قنوت باید خواند و در وجوب نه تکبیر و قنوتها خلاف کرده اند بیشتر علما واجب و بعضی سنّت میدانند	باید که بعد از نماز دو خطبه بخوانند و در وجوب این دو خطبه نیز خلاف کرده اند بعضی از علما واجب و اکثر سنّت میدانند و باید که این دو خطبه را بعد از نماز بخوانند و مقدّم داشتن آنها بر نماز بدعت است

و کیفیّت نماز چنین است : که اوّل نیّت کنند و بعد از آن تکبیر احرام بگویند و بعد از آن حمد بخوانند و بعد از حمد هر سورهٔ که خواهند بخوانند و بعد از آن پنج تکبیر بگویند و بعد از هر تکبیری یک قنوت بخوانند و بعد از آن تکبیر رکوع را میگویند و برکوع میروند و بعد از رکوع دو سجده

بجا می آورند و بر میخیزند و حمد و سوره میخوانند و بعد از آن چهار تکبیر میگویند و بعد از هر تکبیری یک قنوت میخوانند و بعد از آن تکبیر رکوع را میگویند و برکوع میروند و بعد از آن دو سجده میکنند و تشهد میخوانند و سلام میدهند و دور نیست که این نه قنوت را هر قنوتی که خواهد بخواند و اگر این قنوت منقول را بخواند بهتر است بقول اکثر علما و قنوت منقول اینست که اللّهمّ اهل الکبریاء والعظمة واهل الجود والجبروت واهل العفو والرحمة واهل التقوی والمغفرة اسالک بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیداً ولمحمّد صلّی الله علیه وآله ذخراً وشرفاً ومزیداً ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تدخلنی فی کلّ خیر ادخلت فیه محمّداً وآل محمّد وان تخرجنی من کلّ سوء اخرجت منه محمّداً وآل محمّد صلواتک علیه وعلیهم اجمعین اللّهمّ انّا نسئلک خیر ما سئلک به عبادک الصالحون ونعوذ بک ممّا استعاذ منه عبادک المخلصون پس تکبیرات زاید در این نماز نه تکبیر است بغیر تکبیر احرام و تکبیر رکوع و سجود و قنوت نیز نه است و واجب است این نماز بر جماعتی که نماز جمعه برایشان واجب است و از جماعتی که نماز جمعه ساقط است این نماز نیز ساقط است مثل کور و زن و بنده وغیره

فصل پنجم در بیان نماز آیات یعنی گرفتن آفتاب و ماه و زلزله و بادهای سیاه و زرد و هر امر آسمانی که باعث خوف باشد

و واجب است نماز از برای گرفتن آفتاب و ماه و زلزله و در باقی آیات خلاف کرده اند بعضی نماز را از برای تمام آنها واجب میدانند و بعضی سنّت و امّا برأی شهید اوّل و بیشتر علما نماز از برای امور مذکور واجب است و در این جدول بیان وقت هر یک از آنها میشود و جدول اینست

در بیان وقت نماز گرفتن آفتاب و ماه	در بیان وقت نماز زلزله	در بیان اوقات آیات دیگر
و وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای گرفتن آفتاب و ماه است و آخر وقت آن شروع در انجلا موافق قول اکثر علما و سید مرتضی علیه الرحمه آخر وقت را انجلا میدانند و اگر وقت وسعت نماز نداشته باشد نماز واجب نگردد موافق قول محقق علیه الرحمه و بعضی دیگر از علما واجب میدانند و احکام قضای نماز کسوف و خسوف پیش ازین در مبحث قضا مذکور گردید	و هرگاه که زلزله واقع شود نماز واجب گردد هرچند که زمان آن طول نداشته باشد و نماز زلزله را بنیت ادا باید گذارد هرچند که ساکن شده باشد و علما گفته اند که نماز زلزله در تمام عمر اداست پس هر وقت که آن را بجا آورند بنیت ادا باید گذارد	و سایر آیات هرگاه که بهم رسند نماز واجب گردد بنا بر رأی جماعتی که نماز از برای آنها واجب میدانند و در آنها نیز گفته اند اگر وقت وسعت نماز داشته باشد نماز واجب گردد و اگر نداشته باشد نماز ساقط است و بعضی از علما بر آنند که اگر وقت گنجایش طهارت و یک رکعت نماز داشته باشد نماز واجب است و اگر کمتر از این باشد ساقط است

و نماز آیات دو رکعت است بطریقی که بعد ازین مذکور میگردد و واجبات مخصوصه آن چهار چیز است چنانکه درین جدولها بیان میشود

اوّل واجب است که در هر رکعتی پنج رکوع بجا آورند که در دو رکعت ده رکوع بجا آورده شود و خواندن پنج قنوت درین نماز سنّت است دو قنوت در رکعت اوّل و سه قنوت در رکعت دوّم چنانکه مذکور گردد .

دوم — باید که حمد را مکرر بخوانند در هر رکعتی هرگاه که سوره را تمام بخوانند و اگر تبعیض سوره نمایند باید که در اول رکعت اول و دوم حمد بخوانند و در هر جا که سوره را تمام کنند بعد از آن حمد بخوانند چنانکه مذکور خواهد شد

سوم — جایز است که در هر رکعتی تبعیض سوره نمایند یعنی پیشتر از هر رکوعی یک آیه یا زیاده بر آن بخوانند و اما اگر تبعیض سوره نمایند میباید که در هر رکعتی یک سورهٔ تمام خوانده شود یا زیاده بر آن و کمتر از یک سوره صحیح نیست

چهارم — اگر در عدد رکوعهای این نماز شک کنند باید که بنا را بر کمتر گذارند و نماز را تمام کنند بنا بر مشهور و اگر شک در عدد رکعتهای نماز بهم رسانند نماز باطل گردد چنانکه در مبحث شکیات نماز مذکور شد

و این نماز را بدو طریق میتوان گذارد یک طریق آنکه در هر رکعتی پیش از رکوع حمد و سورهٔ تمام بخوانند و بر رکوع روند و چون سر از رکوع بردارند باز حمد و سورهٔ تمام بخوانند و بر رکوع روند و چون سر بردارند باز حمد و سورهٔ تمام بخوانند و همچنین تا پنج رکوع تمام شود بسجود روند و بعد از آن رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورند و بعد از سجود تشهد و سلام بخوانند و نماز را تمام کنند و اگر خواهند در هر رکعتی تبعیض سوره نمایند یعنی قدری از سورهٔ بخوانند هر دو طریق بعد از این در جدول مذکور میگردد تا فهم آن آسان تر باشد

در بیان کیفیت نماز آیات هرگاه که پیش از رکوعهای آن سوره را تمام بخوانند و خواندن قنوتها سنت است و باقی افعال واجب است

رکعت اول نماز — اول نیت کنند و بعد از آن تکبیر احرام بگویند

احکام رکوع اول	احکام رکوع دوم	احکام رکوع سوم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
بعد از تکبیر احرام الحمد و هر سوره که خواهند بخوانند و بعد از آن بر رکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند باز حمد و سوره که خواهند بخوانند بعد از آن قنوت بخوانند و بر رکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سورهٔ تمام بخوانند و بعد از آن باز بر رکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سورهٔ تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند و بعد از آن بر رکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سورهٔ تمام بخوانند و بر رکوع روند چون سر از رکوع بردارند بسجود روند و دو سجده بطریق مقرر بجا آورند و بعد از آن بر رکعت دوم برخیزند
	رکعت دوم نماز			
احکام رکوع اول	احکام رکوع دوم	احکام رکوع سوم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
و چون از سجود برخیزند حمد و سورهٔ تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند بعد از آن بر رکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سورهٔ تمام بخوانند و بعد از آن باز بر رکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سورهٔ تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند و بعد از آن بر رکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سورهٔ تمام بخوانند و بعد از آن باز بر رکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سورهٔ تمام بخوانند بعد از آن قنوت بخوانند و بر رکوع روند و چون سر از رکوع بردارند بسجود روند و بعد از آن دو سجده و تشهد و تسلیم بجا آورند نماز تمام شد

و اگر خواهند که در هر رکعتی تبعیض سوره کنند جایز است یعنی بعد از حمد یک آیه یا زیاده بر آن از سوره بخوانند و بر کوع روند و چون سر از رکوع بردارند از همان جا که سوره را قطع کرده اند یک آیه یا زیاده بر آن بی حمد بخوانند و برکوع روند و همچنین کنند تا رکوع پنجم سوره تمام شود و اگر بیشتر از رکوع پنجم سوره را تمام کنند باید که چون برکوع روند و سر از رکوع بردارند حمد بخوانند و ضابطه آنست که در اوّل رکعت اوّل و دوّم حمد باید خواند و در هر جا که سوره را تمام کنند و بعد از تمام کردن سوره بر کوع روند چون سر از رکوع بردارند باید که حمد بخوانند و بعد از حمد اگر خواهند سورهٔ تمام بخوانند و اگر خواهند باز یک آیه یا بیشتر بخوانند و اگر در اثنای رکوعها سوره را تمام نکنند باید که در رکوع آخر هر رکعتی یک سوره یا زیاده بر آن تمام کنند که در هر رکعتی کمتر از یک سورهٔ تمام خوانده نشود و اگر در رکعت اوّل یک سورهٔ تمام کنند و قدری از سوره بخوانند و بقیهٔ آن را در رکعت دوّم بخوانند و تمام کنند میباید که یک سورهٔ دیگر در رکعت دوّم تمام کنند و اکتفا ببقیهٔ آن سوره نکنند و بیان این احکام ازین جدول ظاهر میشود بعون الله تعالی

رکعت اوّل نماز چنین است که اوّل نیّت کنند و بعد از آن تکبیر احرام بگویند				
احکام رکوع اوّل	احکام رکوع دوّم	احکام رکوع سوّم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
بعد از تکبیر احرام حمد بخوانند و بعد از آن یک آیه یا بیشتر از سورهٔ بخوانند و سوره را تمام نکنند و برکوع روند	چون سر از رکوع بردارند از همانجا که سوره را قطع کرده اند یک آیه بخوانند بی حمد بعد از آن قنوت بخوانند و برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند از همانجا که سوره را قطع کرده اند بی حمد بخوانند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و بعد از آن برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد بخوانند و اگر خواهند یک آیه از سورهٔ بخوانند بعد از آن قنوت بخوانند و بعد از آن باز برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند سوره را از همانجا که قطع کرده اند یک آیه بی حمد بخوانند و برکوع روند و چون سر از رکوع بردارند بسجود روند و دو سجده بطریق مقرر بجا آورند و برای رکعت دوّم برخیزند

	رکعت دوّم نماز			
احکام رکوع اوّل	احکام رکوع دوّم	احکام رکوع سوّم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
و چون از سجود برخیزد حمد بخواند و سوره را از همان جا که قطع کرده بود یک آیه بخواند بعد از آن قنوت بخواند و بعد از آن برکوع رود	و چون سر از رکوع بردارد سوره را از همانجا که قطع کرده بخواند بی حمد و اگر خواهد سوره را تمام کند و بعد از آن باز برکوع رود	چون سر از رکوع بر دارد حمد بخواند و اگر خواهد یک آیه از سورهٔ بخواند و بعد از آن قنوت بخواند و بعد از آن باز برکوع رود	و چون سر از رکوع بردارد یک آیه از سوره از همان جا که قطع کرده بی حمد بخواند و بعد از آن برکوع رود	و چون سر از رکوع بردارد تتمهٔ سوره را بخواند و باید که سوره را تمام کند بی حمد و بعد از آن قنوت بخواند و برکوع رود و سر از رکوع بردارد بسجود رود و بعد از دو سجده تشهد و تسلیم بجا آورد و نماز را تمام کند

فصل ششم در بیان نماز طواف خانهٔ کعبه و واجبات مخصوصهٔ آن دو چیز است	
اوّل	دوّم
آنکه این دو رکعت نماز را در مقام حضرت ابرهیم یا در پس مقام یا در یکی از دو جانب آن بگذارد و بسبب ضرورت در جای دیگر هم توان گذارد	آنکه نماز را بعد از فراغ از طواف و پیش از شروع در سعی بگذارند و امّا دو رکعت زیارت را بعد از سعی بجا آورند

فصل هفتم در بیان واجبات و کیفیّت نماز میّت و این نماز واجب کفائیست یعنی هرگاه که کسی آن را بگذارد از همه کس ساقط میشود

و واجب است نماز گذاردن بر میت اگر مسلمان یا در حکم مسلمان باشد مثل طفل مسلمانان هرگاه که شش سال تمام داشته باشد که اگر کمتر از شش سال داشته باشد نماز کردن بر آن سنت باشد هرگاه زنده متولد شده باشد و واجبات و احکام نماز ده چیز است چنانکه بیان هر یک از آنها در جدول شده و جدول متعلقات و واجبات نماز میت اینست

اول باید که نمازگذار در وقت نماز از جنازه بسیار دور نایستد	دوم باید که نماز گذاردن بر میت بعد از غسل دادن و کفن کردن باشد اگر او را کفن باشد
سوم باید که در وقت نماز گذاردن میت را بر پشت خوابانیده باشند نه بر پهلو	چهارم باید که سر میت در وقت نماز گذاردن بجانب دست راست نمازگذار باشد
پنجم طهارت درین نماز شرط نیست بلکه جنب و زن حایض نیز این نماز را میتوانند گذارد	ششم باید که نمازگذار در وقت نماز استقبال قبله نمایند
هفتم این نماز رکوع و سجود ندارد و تشهد و سلام در آخر نماز نیز ندارد و بعضی سلام را مکروه میدانند هرگاه که تقیه نباشد	هشتم باید که نماز را ایستاده بجا آورند اگر قدرت بر ایستادن داشته باشند و الا هر قدر را که تواند ایستاده بجا آورد بقول شهیدین

نهم واجب است نیت کردن و بعد از نیت پنج نوبت تکبیر بگویند که یکی از آنها تکبیر احرام باشد در غیر مخالف و در مخالف بچهار تکبیر ختم کنند

دهم باید که بعد از تکبیر اول شهادتین بگویند و بعد از تکبیر دوم صلوات بر پیغمبر و آل او باید فرستاد و بعد از تکبیر سوم دعا کنند از برای مؤمنین و مؤمنات و بعد از تکبیر چهارم دعا کنند از برای میت اگر مؤمن و مکلف باشد و اگر طفل مسلمان باشد دعا کنند از برای

پدر و مادران و بعد از آن تکبیر پنجم را بگویند و نماز را تمام کنند موافق قول شهید و اکثر علما و محقق گفته که دعا در میان تکبیرات لازم نیست و گفته که اگر قایل شویم بوجوب دعا در میان تکبیرات لفظ معینی واجب نباشد

در بیان کیفیت نماز میت و دعاهائی که بعد از تکبیرات باید خواند که کمتر از آن مجزی نباشد به رأی جماعتی که خواندن دعا را بعد از تکبیرات واجب میدانند

نیت کند و تکبیر بگوید و بعد از تکبیر بگوید	تکبیر دوم را بگوید و بعد از تکبیر بگوید
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ	اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

تکبیر سوم را بگوید و بعد از تکبیر سوم بگوید : اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

تکبیر چهارم را بگوید و بعد از تکبیر چهارم بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَيِّتِ اگر زن باشد اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذِهِ الْمَيِّتَةِ و اگر طفل باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبَوَيْهِ وَ لَنَا سَلَفاً وَ فَرَطاً وَ اَجْراً و بعد از آن تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود از نماز

در بیان نماز میت و ادعیه آن هرگاه که خواهد دعای مطول بخواند

نیت کند و تکبیر اول را بگوید و بعد از آن بگوید	تکبیر دوم را بگوید و بعد از تکبیر بگوید	تکبیر سوم را بگوید و بعد از تکبیر سوم بگوید
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ	اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَرَحَّمْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيمَ وَ آلِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ	اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْاَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

تکبیر چهارم را بگوید پس اگر میّت مؤمن باشد بگوید اللّهمّ عبدک وابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به اللّهمّ انّا لا نعلم منه الّا خیراً وانت اعلم به منّا اللّهمّ ان کان محسناً فزد فی احسانه وان کان مسیئاً فتجاوز عنه واحشره مع من کان یتولاه من الائمّة الطّاهرین واگر مؤمنه باشد بگوید اللّهمّ امتک وبنت عبدک وبنت امتک نزلت بک وانت خیر منزول به اللّهمّ لا نعلم منها الّا خیراً وانت اعلم بها منّا اللّهمّ ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عنها واحشرها مع من کانت تتولاه من الائمّة الطاهرین وبعد از آن تکبیر پنجم را بگوید

فصل هشتم در بیان نمازی که بنذر یا شبه نذر واجب شود مثل آنکه بعهد یا سوگند واجب گردد

و نمازی که بنذر یا شبه نذر واجب شود تابع نذر یا شبه نذر مشروعست پس بهر طریق که نذر کرده باشد باید که نماز را بهمان طریق بجا آورد اگر نذر مشروع باشد و ضابطهٔ نذر مشروع آنست که فعل آن جایز باشد پیش از نذر در وقت واقع ساختن آن پس هرگاه نذر کند هیأت مشروعی را یا عدم مشروعی را نذر منعقد گردد اگر واقع ساختن آن هیأت در وقتش مشروع باشد هرچند که واقع ساختن آن هیأت در وقت نذر مشروع نباشد و اگر نذری کند از برای ترک واجب یا فعل حرام شکراً نذر منعقد نگردد و زجراً منعقد گردد و اگر نذری کند از برای ترک حرام یا فعل واجب زجراً منعقد نگردد و شکراً منعقد میگردد و صورتهائی که نذر منعقد گردد یا منعقد نگردد درین جدول بیان میشود بعون الله تعالی و جدول اینست

	جدول در بیان نذرهائی که صحیح باشد	و منعقد گردد
	اگر شخصی نذر کند که نماز دو رکعتی بدو رکوع و چهار سجود و یک سلام بجا آورد چون هیأت نماز چنین مشروع است و مخالف هیأت نمازهای متعارف شرع نیست نذرش صحیح است	و منعقد گردد اگر از برای ترک واجب و فعل حرامی شکراً نباشد
	اگر شخصی نذر کند که دو رکعت نماز مثل نماز صبح بجا آورد	نذرش صحیح است
	اگر شخصی نذر کند که سه رکعت نماز بیک سلام یا یک رکعت نماز بیک سلام بجا آورد اگرچه هیأت این دو نماز مخالف هیأت نمازهای متعارف شرع نیست	در صحت نذر خلاف کرده‌اند و اکثر صحیح میدانند
	اگر شخصی نذر کند که دو سجده بجا آورد	نذرش صحیح است
	اگر زن حایض یا جنب نذر کنند که دو رکعت نماز بعد از پاک شدن از حیض و غسل بجا آورند چون هیأت نذر مشروع و وقت واقع ساختن آن نیز مشروع است که بعد از پاک شدن و غسل باشد	نذرشان صحیح است هرچند که واقع ساختن آن در وقت نذر مشروع نیست
	اگر شخصی نذر کند که اگر فعل واجبی را ترک کند زجراً دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح است
	و اگر نذر کند که اگر فعل واجبی را بجا آورد شکراً دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح است
	اگر شخصی نذر کند که اگر فعل حرامی کند زجراً دو رکعت نماز مثلاً بجا آورد	نذرش صحیح است
	و اگر نذر کند که اگر ترک حرامی کند شکراً مثلاً دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح است
	و اگر شخصی نذر کند که دو رکعت نماز نشسته یا سواره یا در حال راه رفتن بگذارد یا سوره نخواند و هرچیز که مانند آن باشد	نذرش صحیح است

جدول دربیان نذرهائی که باطل باشد	و منعقد نگردد
واگرنذرکند که دورکعت نماز بچهار رکوع یا دوسجود و مانند آن بجا آورد چون هیأت این نماز مخالف هیأت نمازهای متعارف شرعست	نذرش صحیح نباشد
واگرنذرکند که پنج رکعت نماز بیک سلام بجا آورد	نذرش صحیح نیست
اگر شخصی نذر کند که نماز عید یا نماز کسوف را مثلاً در غیر وقت عید یا غیر وقت کسوف بجا آورد	نذرش صحیح نیست
واگرنذرکند که رکوع یا تکبیر احرامی بجا آورد	نذرش صحیح نیست
واگرزن حایض یا جنب نذرکنند که در حال حیض یا جنابت مثلاً دورکعت نماز بجا آورند یا سورهٔ سجده بخوانند اگرچه هیأت نذر مشروع است امّا چون وقت واقع ساختن آن مشروع نیست	نذرشان صحیح نیست
واگرنذرکند که اگرفعل واجبی را ترک کند شکراً دورکعت نماز مثلاً بجا آورد	نذرش صحیح نیست
واگرنذرکند که اگرفعل واجبی را بجا آورد زجراً دورکعت نماز مثلاً بجا آورد	نذرش صحیح نیست
واگرنذرکند که اگرفعل حرامی را بجا آورد شکراً دورکعت نماز مثلاً بگذارد	نذرش صحیح نیست
واگرنذرکند که اگرترک حرامی کند زجراً دورکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح نیست
واگرشخصی نذرکند که درروز عید رمضان یا عید قربان روزه بدارد واین مسئله بمناسبت مذکور شد	نذرش صحیح نیست

واگرشخصی دورکعت نماز مثلاً دروقت معیّنی نذرکند و واقع ساختن آن درآن وقت مشروع باشد واجب است که آن را درآن وقت بجا آورد که اگرعمداً آن را درآن وقت نگذارد باید که

هم قضای آن را بجا آورد وهم کفّاره بدهد بقول شهید علیه الرّحمه .

واگرشخصی نماز واجبی را نذرکند مثل آنکه یکی از نمازهای واجبی یومیّه را نذرکند وجوب آن مؤکّد گردد پس اگرآن را بجا نیاورد کفّاره براو لازم گردد وچون کفّاره بدهد گناه مخالفت نذر تخفیف یابد امّا گناه ترک نماز بحال خود باقیست وبکفّاره دادن تخفیف نیابد موافق قول شیخ بهاء الدّین محمّد علیه الرّحمه

واگرشخصی نذرکند دورکعت نماز از نمازهای نافله را بعضی از مجتهدین را مذهب آنست که واجب است که در هر رکعتی بعد از فاتحه سوره بخواند هرچند که در نماز نافله خواندن سوره واجب نیست واین نیز از قول شیخ بهاء الدّین علیه الرّحمه نقل شد تمام احکام نماز نذر وشبه نذر

فصل نهم در بیان نمازی که از پدر فوت شده باشد و بر پسر بزرگتر قضای آن واجب گردد و درآن سه مسئله است

مسئله اوّل واجب است بر ولی که قضا کند نمازی را که فوت شده باشد از پدر وآیا نمازی که از مادر یا سایر اقارب فوت شده باشد قضای آن بر وارث واجب باشد یا نه اکثر علما برآنند که واجب نباشد وبعضی از علما قایل بوجوب آن نیز شده اند

مسئله دوّم بر ولی واجب است که قضای نماز فوت شدهٔ پدر را بجا آورد وولی پسر بزرگ میّت است بقول اکثر علما وبعضی گفته اند که قضای نماز میّت واجب است بر وارث هرگاه که میّت را پسر بزرگتر نباشد واگر میّت را دو پسر یا زیاده برآن باشد که همه در سن مساوی باشند واجب است که نماز میّت را بالسّویه قضا کنند واگر یک نماز باقی ماند واجب کفائی گردد یعنی هرکدام آن را بجا آورند از دیگران ساقط گردد مثل آنکه شخصی فوت شود واو را دو پسر باشد که هردو هم سن باشند وازاو

سه نماز فوت شده باشد باید که هر پسری یک نماز او را قضا کند و آن یک نماز که باقی ماند
واجب کفائی گردد

مسئله سوم واجب میشود قضای نمازهای فوت شده از پدر بر پسر بزرگتر بسه شرط
چنانکه در جدولهای بعد از این مذکور میگردد و آنچه از این شروط خلافی بود ذکر خلاف
نمودم و جدول شروط مذکور اینست

شرط اول واجب است بر پسر بزرگتر قضا کند آن نمازی را که در مرض موت از پدر فوت
شده باشد نه نمازهای دیگران را موافق قول بعضی از علما و بعضی دیگر گفته اند که نمازی که از پدر بسبب
عذری فوت شده باشد بر پسر قضای آن واجب گردد نه نمازی که عمداً از او فوت شده باشد
و او را قدرت بر گذاردن آن باشد و قول دیگر آنست که نمازی که از پدر فوت شده باشد قضای
آن بر پسر واجب گردد مطلقا و قول آخر به رأی شهید اول علیه الرحمه احوط است

شرط دوم واجب میشود قضای نماز پدر به پسر بزرگتر هرگاه که پدر وصیت نکرده باشد
که شخصی را از برای گذاردن نماز استیجار نمایند که اگر پدر وصیت کرده باشد و وصیت او نافذ
باشد قضای آن از پسر بزرگتر ساقط گردد و اگر پدر وصیت کند که شخصی را استیجار کنند که بعضی از
نمازهای فوت شدهٔ آن را قضا کند واجب است که قضای باقی آن را پسر بزرگتر بجا آورد موافق قول
شهید ثانی علیه الرحمه

شرط سوم بعضی از علما گفته اند که اگر پسر بزرگتر در وقت فوت پدر بالغ و عاقل باشد واجب میشود
که قضای نماز فوت شدهٔ پدر را بجا آورد و اگر بعد از فوت پدر بالغ یا عاقل شود قضای نماز پدر
بر او واجب نیست و این قول موافق رأی شهید است در کتاب ذکری و بعضی از علما بالغ

و عاقل بودن ولی را شرط نمیدانند در وقت فوت پدر بلکه میگویند اگر ولی بعد از فوت پدر
بالغ یا عاقل شود واجب میشود که نماز فوت شدهٔ پدر را قضا کند و لازم نیست که پسر بزرگتر
مشغول الذمه نباشد بنماز واجبی تا قضای نماز پدر باو واجب گردد برأی شهید ثانی و آیا بر پسر
بزرگتر واجب است که مقدم دارد آن نمازی را که سبب آن مقدم باشد مختار شهید در ذکری
آنست که باید رعایت ترتیب نماید و آیا پسر بزرگ میتواند که شخصی را باجاره گیرد که نماز فوت شدهٔ
پدر را که بر او واجب شده قضا نماید مختار شهید در ذکری منع است و اقرب برأی شهید ثانی
آنست که حکم مخصوص بولی باشد .

فصل دهم در بیان نمازی که باجاره واجب گردد و واجب میشود نماز بسبب اجاره
خواه بوصیت میت شخصی را باجاره گیرند و خواه میت وصیت نکرده باشد

و تبرعاً شخصی را باجاره گرفته باشند که قضای نماز میت را بجا آورد و چون شخصی را بجهت
قضای نماز میت باجاره گیرند باید که وجه اجاره را از ثلث متروکات میت اخراج نمایند بقول
بعضی از علما و گفته اند که اگر میت وصیت نکند بر ورثه اخراج آن لازم نیست و بعضی از علما
بر آنند که وجه اجارهٔ نماز بطریق وجه اجارهٔ حج از اصل ترکه باید داد خواه میت وصیت کرده
باشد و خواه نکرده باشد و مسائل ضروری نماز اجاره چهار مسئله است چنانکه درین جدولها
بیان میشود و جدول اینست

مسئله اول هرگاه شخصی را باجاره گیرند که قضای نماز میت را بجا آورد باید
که عادل باشد و مسائل ضروری نماز را بداند و عاجز از بعضی افعال نماز مثل
قیام و غیر آن نباشد

مسئله دوّم واجب نیست برآن شخصی که خودرا باجاره میدهد که قضای نماز میّت را بگذارد که بعد از وقوع اجاره علی الفور بآن اشتغال نماید یا اکثر اوقات بآن مشغول باشد بلکه همین قدر کافیست که بعض اوقات بآن مشغول باشد بحیثیتی که بحسب عرف گویند که بآن اشتغال دارد و کاهلی نمیکند

مسئله سوّم جایزاست که دو شخص را یا زیاده برآن بجهت نماز یک شخص باجاره گیرند امّا باید که وقت نماز هریک از آن جماعت معین باشد تا دیگری درآن وقت بقضای نماز آن میّت اشتغال ننماید و نماز او بترتیب قضا شود

مسئله چهارم هرگاه مرد خودرا بجهت نماز زن باجاره دهد مخیّر است میان جهر و اخفات و همچنین اگر زن خود را بجهت نماز مرد باجاره دهد بشرط آنکه اگر جهر کند نامحرم آواز او را نشنود و این چهار مسئله موافق قول شیخ بهاءالدین محمّد است علیه الرّحمه .

(بخط جواد شریفی)

«گراور سازی گیتی»

